

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی
سال دوم، شماره ۲ (پیاپی: ۷)، تابستان ۱۳۹۸، جلد یک
ISSN: 2645-4408

تأثیر تمرکز مالکیت و چرخه‌های عملیاتی بر رابطه بین
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد
فرزین رضایی، مریم مرادی، لیلا مرادی

بررسی جایگاه و نقش حسابداری عمومی در کاهش فساد
و ایجاد شفافیت
آرمین صالحی، پرویز سعیدی

بررسی رابطه حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت
سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران و ارتباط آن
با متغیرهای حسابداری
علی محمد شریفی عارفی، محمدصادق زارع، نظامعلی وفایی

سیاست‌های تقسیم سود سهام بانک‌ها و حساسیت
اطلاعاتی سپرده‌گذاران
سعید رشنویی، محمدسعید کرمی

بررسی کشف تخلف و کشف تحریف اطلاعات توسط
حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی
علی بابا کفیلی و بجویه

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

سال دوم، شماره ۲ (پیاپی: ۷)، تابستان ۱۳۹۸

ISSN: 2645-4408

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

مهرداد فتاحی

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی تحریریه:

دکتر منصور زراء نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه چمران اهواز

دکتر منصور مهینی زاده، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

دکتر روح اله بیات، عضو هیئت علمی دانشگاه امام خمینی

دکتر عبدالمجید آهنگری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران

دکتر مهدی ذوالفقاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر علیرضا عرفانی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر حسین عظیمی، عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

دکتر وحید محمودی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

دکتر اسماعیل رمضان پور، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

دکتر مسعود طاهری نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

دکتر بهروز کاردان، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر عبدالمحمد کاشیان، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر محمدمامید اخگر، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

دکتر محسن حمیدیان، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران

دکتر محبوبه فراهتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

دکتر حسین کاظمی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

دکتر نرجس زمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی
تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸،
پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۶۳۴۴۳۶۹۵۹

۱۳۹۸

فراخوان پذیرش مقاله

دانش اقتصاد پایه اصلی توسعه در این سرزمین است. حسابداری نیز مفاهیم و رویدادهای مالی و اقتصادی را به عدد تبدیل می‌کند؛ از اینرو همواره ارتباط ژرفی میان این دو حوزه کلیدی وجود دارد. در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، دانش به عنوان نوعی متغیر برونزا (در اقتصاد) به شمار نمی‌رود، بلکه بخش اصلی و کلیدی نظام اقتصادی محسوب می‌شود. گذر به اقتصاد دانش‌بنیان جز از مسیر پژوهش نمی‌گذرد و آنچه امروز جامعه علمی و اجرایی کشور بدان نیازمند است انتشار نتایج این پژوهش‌ها است.

با این نگاه نشریه «پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی» با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات تخصصی در زمینه حسابداری و اقتصاد می‌پردازد. از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.Jares.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

برای ارسال مقاله به نشریه کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید. پس از بررسی اولیه و داوری علمی از طرف تحریریه جهت انتشار مقاله با نویسندگان رابط تماس گرفته خواهد شد.

محورهای نشریه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

پژوهش‌های حسابداری:

- تئوری‌ها و نظریات حسابداری
- مباحث نوین در حسابداری و حسابرسی
- پژوهش‌های کاربردی در حسابداری و حسابرسی
- بورس، مدیریت مالی، سرمایه‌گذاری و حسابداری
- جایگاه حسابداری و حسابرسی در توسعه اقتصادی
- آموزش و اخلاق حرفه‌ای در حسابداری، حسابرسی
- سیستم‌های اطلاعات حسابداری
- حسابداری مالیاتی و حسابداری مدیریت
- صنعت، تولید و حسابداری مدیریت
- استانداردهای حسابداری و حسابرسی
- مطالعات میان‌رشته‌ای در حسابداری

پژوهش‌های علوم اقتصادی:

- اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصادسنجی
- اقتصاد اسلامی، برنامه‌ریزی و نظام‌های اقتصادی
- اقتصاد، توسعه و مطالعات اقتصادی ایران
- اقتصاد محیط‌زیست، منابع طبیعی و انرژی
- تاریخ تئوری‌ها، نظریات و سیاست‌های اقتصادی
- مدل‌سازی و پیش‌بینی در بازارهای اقتصادی
- اقتصاد مالی، بانکداری و نظام پولی
- اقتصاد مقاومتی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی
- اقتصاد و تجارت الکترونیک و بین‌الملل
- اقتصاد تولید و اقتصاد صنعتی
- مطالعات میان‌رشته‌ای در اقتصاد

فهرست مقالات

عنوان مقاله	صفحه
تأثیر تمرکز مالکیت و چرخه‌های عملیاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد فرزین رضایی، مریم مرادی، لیلا مرادی	۱
بررسی جایگاه و نقش حسابداری عمومی در کاهش فساد و ایجاد شفافیت آرمین صالحی، پرویز سعیدی	۱۳
بررسی رابطه حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران و ارتباط آن با متغیرهای حسابداری علی محمد شریفی عارفی، محمدصادق زارع، نظامعلی وفایی	۲۱
سیاست‌های تقسیم سود سهام بانک‌ها و حساسیت اطلاعاتی سپرده‌گذاران سعید رشنویی، محمدسعید کرمی	۳۵
بررسی کشف تخلف و کشف تحریف اطلاعات توسط حساب‌رسان و کارایی موسسه حسابرسی علی بابا کفیلی ویجویه	۴۳

تأثیر تمرکز مالکیت و چرخه‌های عملیاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۰

کد مقاله: ۴۶۱۵۰

فرزین رضایی^{۱*}، مریم مرادی^۲، لیلا مرادی^۳

چکیده

با توجه به اهمیت نگهداشت وجوه نقد و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی در بازار سرمایه، این پژوهش در پی بررسی تأثیر تمرکز مالکیت و چرخه‌های عملیاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد شرکت‌ها صورت گرفته است. در این راستا برای رسیدن به اهداف پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد آزمون قرار گرفته شد. در این پژوهش از رگرسیون خطی چندگانه به روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج نشان دهنده، ارتباط معناداری بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد وجود دارد. بر اساس یافته‌ها، تأثیر چرخه‌های عملیاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد معنادار می‌باشد، همچنین تأثیر چرخه‌های عملیاتی و تمرکز مالکیت بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد معنادار می‌باشد.

واژگان کلیدی: قابلیت مقایسه، نگهداشت وجوه نقد، تمرکز مالکیت، چرخه‌های عملیاتی

۱- دانشیار حسابداری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد قزوین

۲- دانشجوی دکتری حسابداری تهران مرکز

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

۱- مقدمه

بر اساس تحقیقات بتس، کاهل و ستالز^۱ (۲۰۰۹) نگهداشت وجوه نقد در شرکت‌ها به شکل چشم‌گیری افزایش یافته است. دلیل این امر ماهیت وجه نقد است که مدیران به وسیله دست‌کاری آن منافع خود را در مقابل سهامداران حفظ می‌کنند [۱۷]. به همین دلیل، برای محققان در حوزه مالی و حسابداری جای سؤال است که دلیل نگهداشت وجوه نقد مازاد در شرکت‌ها چیست؟ از دلایل دیگر اهمیت این موضوع، توجه سهامداران و حساب‌رسان به وجوه نقد به خاطر ریسک زیاد آن است [۲۳].

وجود رابطه مثبت بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد حاکی از تسری نظریه حمایت از سهامداران اکثریت دارد. در این صورت مدیر به دنبال کاهش مسئله نمایندگی نمی‌باشد، بلکه مسئله، عدم تقارن اطلاعاتی است. با افزایش قابلیت مقایسه، سهامداران متوجه می‌شود که آیا شرکت توانایی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید را دارد یا خیر؟ شرکت برای سرمایه‌گذاری به وجه نقد نیاز دارد. اگر شرکت وجه نقد داشته باشد اما از بانک‌ها تأمین مالی نماید، سهامداران مدیر را متهم به زد و بند با بانک می‌کنند. زمانی که قابلیت مقایسه صورت‌های بالا رود و مدیر قصد حمایت از سهامدار اکثریت را داشته باشد، وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کند و توزیع نمی‌کند تا از منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها استفاده کند تا متهم به زد و بند از سوی سهامداران با بانک‌ها نشود [۲۹].

وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد حاکی از نظریه حمایت از سهامداران اقلیت دارد. هرچه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بالا رود، شفافیت اطلاعات نیز بالاتر می‌رود. در این صورت توزیع سود صورت می‌گیرد. زیرا سهامداران از شرایط داخلی شرکت آگاه می‌شوند. در این صورت نگهداشت وجه نقد کاهش می‌یابد. یعنی مدیریت انگیزه حمایت از سهامدار اقلیت را دارد و با آگاه ساختن سهامداران اقلیت، آن‌ها از مجمع خواستار توزیع سود می‌شوند [۲۹].

در مورد نگهداشت وجه نقد دو انگیزه وجود دارد: انگیزه احتیاطی و انگیزه معاملاتی. انگیزه احتیاطی اذعان دارد که تأمین مالی از درون شرکت ممکن نیست و تأمین مالی آتی از خارج شرکت گران است پس وجه نقد حاصل از عملیات در شرکت نگهداشت می‌گردد. چون طرح‌هایی با $NPV > 0$ دارند. در واقع انگیزه احتیاطی استفاده مستقیم از وجه نقد را بیان می‌کند. اما انگیزه جبرانی استفاده غیرمستقیم از وجه نقد را بیان می‌دارد و اذعان می‌دارد که برای انجام طرح‌های سرمایه‌گذاری شرکت به وجه نقد نیاز دارد و تأمین مالی خارجی در دسترس می‌باشد. شرکت برای اخذ وام بایستی مانده جبرانی در بانک نگه دارد تا وام به شرکت تعلق گیرد. در مقابل انگیزه معاملاتی اذعان می‌دارد که معاملات رو در روی شرکت زیاد هستند که این معاملات و طرح‌های سرمایه‌گذاری $NPV > 0$ دارند، یعنی منابع در دسترس، منابع پولی ارزانی هستند که هزینه فرصت ازدست‌رفته بالایی ندارند. در این صورت نگهداشت وجه نقد کم می‌شود و در طرح‌های سرمایه‌گذاری مصرف می‌شود [۳۷].

چرخه عملیاتی شرکت می‌تواند تحت تأثیر عواملی از قبیل تجارت، کارایی مدیریت و غیره باشد. از دیدگاه تقاضا، اگر محصولات چرخه عملیاتی کوتاهی داشته باشند، گردش سرمایه زمان کمتری طول می‌کشد و در نتیجه شرکت برای تکمیل چرخه خرید، تولید و فروش باید مجدداً همان منابع برگشت‌خورده را سرمایه‌گذاری کند. لذا همواره باید مقداری وجه نقد نگهداری کند که این موضوع از آثار چرخه عملیاتی شرکت‌ها بر وجه نقد نگهداری شده خبر می‌دهد [۴۳]. همچنین، بیشتر شرکت‌ها چرخه عملیات کوتاه مدت را مطلوب می‌دانند زیرا وجه نقدی ایجاد می‌کند که بدهی‌های شرکت را پوشش می‌دهد. ولی چرخه عملیات بلند مدت اغلب باعث ایجاد استقراض می‌شود و سودآوری را کاهش می‌دهد. بنابراین دوره وصول مطالبات، دوره گردش موجودی و چرخه خالص معاملات افزایش یابد منجر به کاهش سودآوری شرکت‌ها خواهد شد [۲]. در نتیجه، مدیر به دلیل حفظ جایگاه خود در شرکت و دوری از ریسک شرکت در شرایط نامطلوب (طبق انگیزه احتیاطی نگهداشت وجه نقد) سطح نگهداشت وجه نقد را افزایش دهد.

لذا بر اساس مطالب بالا این سؤال پیش می‌آید که چرخه عملیاتی شرکت‌ها و تمرکز مالکیت چه تأثیری بر ارتباط بین قابل مقایسه بودن صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد دارد؟

۲- مبانی نظری پژوهش

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی یکی از ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی است که موجب افزایش کیفیت افشا می‌شود [۲۳]. بر اساس چارچوب مفهومی مشترک هیئت استاندارد حسابداری مالی و هیئت استانداردهای بین‌المللی (۲۰۰۸)، قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی ارتقادهنده کیفیت به شمار می‌رود و این‌گونه تعریف می‌شود: ویژگی کیفی اطلاعات است که استفاده‌کنندگان را قادر به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی می‌کند. برای اینکه مقایسه اطلاعات امکان‌پذیر شود، موضوعات مشابه باید مشابه باشند و موضوعات متفاوت باید متفاوت به نظر برسند. از نظر دو هیئت، اگر

1- Bates, Kahle, & Stulz

بتوان اطلاعات یک واحد تجاری را با اطلاعات واحد تجاری دیگر و اطلاعات واحدهای تجاری دیگر و اطلاعات مشابه همان واحد تجاری در دوره یا مقاطع زمانی دیگر مقایسه کرد، این اطلاعات مفید خواهد بود. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران (۱۳۸۹) بخش اول را هماهنگی رویه و بخش دوم را ثبات رویه می‌نامند و این دو را ابزاری برای دستیابی به قابلیت مقایسه می‌داند [۷]. علیرغم اهمیت مقایسه پذیری صورت‌های مالی، مطالعات اندکی در مورد قابلیت مقایسه پذیری به دلیل عدم وجود معیاری مشخص برای اندازه‌گیری آن، انجام شده است [۴۲]. مطالعات قبلی تأثیر قابلیت مقایسه پذیری صورت‌های مالی را بر بدهی‌ها از نظر ریسک اعتباری [۳۴]، تصمیمات سرمایه‌گذاری [۲۲]، تمایل مدیران برای پیش‌بینی درآمد [۳۰]، ریسک سقوط قیمت سهام [۳۳] و ساختار سررسید بدهی‌ها [۲۷]، مورد ارزیابی قرار دادند. اگرچه تحقیقات قبلی در مورد اثرات قابل مقایسه بودن صورت‌های مالی بینش‌های جالبی ارائه دادند، اما وجود پژوهشی در راستای بررسی اثرات قابل مقایسه بودن صورت‌های مالی بر نگهداشت وجوه نقد، باقی‌مانده است. مبانی نظریه در خصوص دلایل نگهداشت وجوه نقد توسط شرکت‌ها را در سه نظریه توضیح می‌دهد:

اول، نظریه سلسله مراتبی گزینه‌های تأمین مالی (نظریه ترجیحی): شرکت‌ها در تأمین منابع مالی مورد نیاز، سلسله‌مراتب معینی را طی می‌کنند. شکل‌گیری این سلسله‌مراتب، پیامد عدم تقارن اطلاعات است. در مواردی که بین مدیران و سرمایه‌گذاران، تقارن اطلاعاتی وجود نداشته باشد، مدیران تأمین مالی درونی را ترجیح می‌دهند [۱۳].

دوم، نظریه توازن ایستادگی: مطابق مفاهیم ضمنی این نظریه، با افزایش سودآوری و همچنین بزرگ‌تر شدن شرکت، هزینه‌های ورشکستگی کاهش یافت و در تأمین مالی چنین شرکت‌هایی، از بدهی بیشتری استفاده می‌شود [۲۶، ۱۱]. شرکت‌هایی که توان نقدینگی آن‌ها بالاست نیز، به دلیل پایین بودن ریسک ورشکستگی، از بدهی بیشتری استفاده می‌کنند. در مقابل، شرکت‌هایی که دارایی نامشهود زیادی دارند و شرکت‌هایی که ریسک آن‌ها بالاست، به علت بالا بودن هزینه‌های ورشکستگی، از بدهی کمتری استفاده می‌کنند.

سوم، نظریه نمایندگی^۲: بر اساس نظریه نمایندگی، ساختار سرمایه بهینه نقطه‌ای است که کل هزینه‌های نمایندگی شرکت، که برای حاصل جمع هزینه‌های نمایندگی مرتبط با بدهی و هزینه‌های نمایندگی مرتبط با سهام است، به حداقل برسد. جنسن و مک لینگ [۳۰] درباره نظریه نمایندگی بر این باورند که منافع مدیران با منافع سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی همسویی ندارد. به عبارت دیگر، مدیران سعی می‌کنند که جریان‌های نقدی آزاد شرکت را صرف منافع شخصی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نامطلوب کنند.

۲-۱- تمرکز مالکیت، چرخه عملیاتی و نگهداشت وجوه نقد

به اعتقاد وانگ و همکاران [۴۴] گسترش چرخه عملیاتی به این معنی است که با چرخه‌ی وجه نقد طولانی‌تر، منبع پیوسته‌ای از جریان وجه نقد وجود دارد و نیازی نیست شرکت‌ها، مبالغ زیادی از وجوه نقد را برای مبادلات نگهداری کنند. در همین زمان، گسترش چرخه عملیاتی، کارایی سرمایه‌ی در گردش را کاهش می‌دهد. به‌هرحال، در سطح خاصی، با افزایش چرخه‌ی گردش تولید، به‌خصوص وقتی نرخ وصول حساب‌های دریافتی کم می‌شود، شرکت‌ها چرخه‌ی عملیاتی طولانی‌تری تجربه می‌کنند و با ریسک موجود، نیاز است مقدار وجه نقد نگهداری شده را افزایش دهند تا در برابر ریسک و عدم اطمینان آینده از خود محافظت و تقاضای مدیریت و نیازهای سرمایه‌گذاری را تأمین کنند. این مطالب با نظریه‌ی انگیزه‌ی احتیاطی برای نگهداشت وجه نقد هماهنگ است. پس بر مبنای تجزیه و تحلیل‌ها می‌توان انتظار داشت بین چرخه‌ی عملیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد، رابطه‌ی U شکل وجود داشته باشد.

افزایش تمرکز مالکیت سهامداران بزرگ، انگیزه کافی برای نظارت بر مدیران فراهم می‌کند. بر اساس این دیدگاه، دارندگان سهام بیشتر بانگیزه بیشتری هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات و دخالت در نظارت مدیریت را تحمل می‌کنند. در مقابل مالکیت‌های پراکنده، برای نظارت بر مدیریت انگیزه‌ی کمتری دارند [۴۱]. در وضعیت‌هایی که سهامداران منافع کمتری از شرکت به دست می‌آورند، انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیران ندارند یا انگیزه کمی دارند؛ زیرا هزینه‌های نظارت بر منافع ناشی از آن فزونی می‌یابد. بر اساس چارچوب نمایندگی، انتظار می‌رود حضور سهامداران بزرگ، به کاهش استفاده فرصت‌طلبانه از منابع نقدی شرکت منجر شود. این استدلال با دیدگاهی که تمرکز مالکیت ویژگی نظارتی حاکمیت شرکتی است، همخوانی دارد [۱۸]. بنابراین می‌توان گفت بین تمرکز مالکیت و سطح نگهداشت وجوه نقد، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

1- pecking order theory
2- Static Trade-off Theory
3- Agency Theory

۳- پیشینه پژوهش

حبیب و همکاران [۲۹]، در پژوهشی به موضوع "قابلیت مقایسه‌ای صورت‌های مالی و نگهداشت وجوه نقد" پرداختند. در پژوهش خود که شامل شرکت‌های آمریکایی، و از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۳ بود به این نتایج دست یافتند که قابلیت مقایسه بودن صورت‌های مالی به صورت چشم‌گیری وجوه نقد نگهداری شده شرکت‌ها را کاهش می‌دهد.

کوسنادی [۳۵]، بیان کرد بین اندازه شرکت و نگهداشت وجه نقد رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین با احتساب متغیر چرخه عملیاتی، بارتس و همکاران [۱۵] نتیجه‌گیری کردند بین چرخه عملیاتی شرکت‌ها و نگهداشت وجه نقد آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

در کشورهای با حمایت ضعیف از سهامداران، مدیران می‌توانند با مصونیتی نسبی وجه نقد را انباشته کنند و سود نقدی کمتری تقسیم کنند [۲۵]. میانگین نگهداشت وجه نقد (دارایی نقدی) رابین کشورهای با حمایت قوی از سهامداران و دارای بازارهای سرمایه پیشرفته مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که شرکت‌ها در کشورهایی که سهامداران قوی‌تر و بازارهای سرمایه‌ای آن‌ها توسعه یافته است وجه نقد کمتری نگهداری می‌کنند. این نتیجه نشان می‌دهد که سهامداران می‌خواهند وجه نقد در اختیار مدیران را محدود کنند و زمانی که قدرت کافی داشته باشند این کار را انجام می‌دهند.

فخاری و تقوی [۶] اثر کیفیت گزارشگری مالی را در قالب کیفیت اقلام تعهدی بر میزان نگهداشت وجه نقد موردبررسی قراردادند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد، کیفیت گزارشگری مالی با وجوه نقد و معادل‌های نقدی رابطه منفی و معنادار دارد. نتایج همچنین بیانگر این است متغیرهای فرصت رشد، جریان نقدی و دارایی‌های نقدی اثر مثبتی بر مانده نقد دارد و متغیرهای اندازه و سررسید بدهی با مانده نقد رابطه‌ای منفی دارد. مدرس و همکاران [۱۰] دریافتند که رابطه معناداری بین چرخه عملیاتی و نگهداشت وجه نقد وجود ندارد ولی با تعدیل گری تورم ارتباط یو شکل وارون بین چرخه عملیاتی و نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها در سطوح پایین تورم بوجود آمد.

دفرانکو و همکارانش [۲۴] در پژوهشی با عنوان «سودمندی قابل مقایسه بوده صورت‌های مالی»، ضمن ارائه مدلی برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به این نتیجه رسیدند که بین قابلیت مقایسه و دقت پیش‌بینی رابطه مثبتی وجود دارد و قابلیت مقایسه، پراکندگی پیش‌بینی‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد قابلیت مقایسه، هزینه کسب اطلاعات را کاهش داده و کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس برای تحلیلگران را افزایش می‌دهد.

پژوهش‌های صورت گرفته درباره آثار حاکمیت شرکتی بر میزان نگهداری وجه نقد شرکت‌ها نیز نشان‌دهنده وجود روابط متناقضی است؛ برای نمونه برخی از پژوهش‌های انجام شده نشان داده است که بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و نگهداری وجه نقد رابطه‌ای معکوسی وجود دارد [۲۵، ۳۱]؛ این در حالی است که برخی دیگر از پژوهش‌های انجام صورت گرفته نشان داده‌اند که شرکت‌های دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی، میزان وجه نقد نگهداری شده کم ترس دارند.

آمیر [۱۲] در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه‌گذاران نهادی در شیوهی مدیریت وجوه نقد و موجودی کالای شرکت‌های آسیایی پرداخت. وی با استفاده از داده‌های مالی ۲۵۶ شرکت از شش کشور آسیایی در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ نشان داد که افزایش میزان پرتفوی سهام بانک‌های خارجی (به عنوان یک گروه سرمایه‌گذار نهادی) نسبت به پرتفوی سهام بانک‌های داخلی (به عنوان یکی دیگر از سهامداران نهادی) منجر به نگهداری وجه نقد بیش‌تر و موجودی کالای کم‌تری می‌شود.

گرزین و همکاران [۹] در پژوهشی به عنوان «تأثیر مالکیت نهادی در تعیین سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» نشان دادند که سرمایه‌گذاری جهت تحصیل شرکت‌ها و انجام مخارج سرمایه‌ای و تحقیق و توسعه در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند، بیشتر از سایر شرکت‌هاست. وجود نظارت کارا در شرکت‌های سهامی منجر به تمرکز حاکمیت شرکتی و کاهش میدان عمل مدیران می‌شود و در نتیجه در این شرکت‌ها مدیریت فرصتی برای خرج کردن سریع وجوه نقد اضافی ندارد. یکی از ابزارهای نظارت، وجود سهامداران نهادی در ساختار مالکیتی شرکت است که انتظار می‌رود به عنوان یک عامل کنترلی و بازدارنده در مقابل مشکلات نمایندگی وجوه نقد عمل نماید دوره پژوهش از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بوده که اطلاعات و داده‌های مربوط به ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در این دوره مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین درصد مالکیت نهادی و درجه اهرم مالی شرکت‌ها با سطح نگهداشت وجه نقد آن‌ها رابطه معکوسی وجود دارد. این در حالی است ارتباط درصد سود تقسیمی با مانده وجه نقد مستقیم است.

بوکپین^۱ و همکاران [۱۸] در پژوهشی نشان دادند که مالکیت خارجی آثار معناداری در پیش‌بینی نگهداری وجه نقد شرکت‌ها دارد. همچنین آنان نشان دادند که بین متغیرهای اندازه حیات مدیره، اهرم مالی، اندازه شرکت و سودآوری با نقدینگی شرکت‌ها رابطه مثبت و بین ترکیب هیئت مدیره با نقدینگی شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد.

۴- فرضیه‌ها

۱. رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با نگهداشت وجه نقد معنادار است.
۲. تأثیر چرخه‌های عملیاتی بر رابطه قابلیت مقایسه و نگهداشت وجه نقد معنادار است.
۳. تأثیر چرخه‌های عملیاتی و تمرکز مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه و نگهداشت وجه نقد معنادار است.

۵- روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده توصیفی از نوع همبستگی است و از آنجا که از اطلاعات گذشته استفاده شده است از نوع تحقیقات پس رویدادی محسوب می‌شود. همچنین با توجه به کاربرد یافته‌های پژوهش در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران ماهیت پژوهش حاضر کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۵ ساله از سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ به عنوان نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش غربالگری استفاده شد. با توجه به عدم دسترسی به اطلاعات مالی شرکت‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات محدودیت‌هایی به این شرح اعلام شد:

- ۱- شرکت‌های غیرتولیدی نباشند. به دلیل تفاوت در ماهیت عملکردی شرکت‌های تولیدی از سایرین، شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانک‌ها، واسطه‌گری‌های مالی و... از دامنه پژوهش کنار گذاشته می‌شوند.
 - ۲- وره مالی گزارشگری شرکت‌های نمونه منتهی به 13xx/12/29 هر سال باشد.
 - ۳- در طی دوره پژوهش (۹۱-۹۵) عدم تغییر در دوره مالی داشته باشند.
 - ۴- وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند.
 - ۵- اطلاعات در دسترس و کامل باشند.
 - ۶- ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در طی بازه زمانی پژوهش، مثبت باشد.
 - ۷- در طی دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ عضو بورس اوراق بهادار تهران باشند.
- در نهایت با اعمال شرایط فوق تعداد ۴۰ شرکت در ۸ صنعت، حائز شرایط بوده و به عنوان نمونه انتخاب گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران از سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نسخه نرم‌افزار E-Views 9 به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد.
- معرفی متغیرها و نحوه محاسبه آن‌ها:

جدول ۱- تعریف متغیرهای عملیاتی (ماخذ: نگارندگان)

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه محاسبه
وابسته		
نگهداشت وجه نقد	CASH	$CASH = \frac{ch + STinv}{NA}$ $NA = TA - TD$ STinv: سرمایه‌گذاری کوتاه مدت Ch: وجه نقد TA: جمع دارایی‌ها TD: جمع بدهی‌ها
مداخله‌گر		
خالص چرخه عملیات	CCC	$\left(\frac{\text{میانگین موجودی مواد و کالا}}{\text{قیمت تمام شده}} * 365 \right) + \left(\frac{\text{میانگین حسابها و اسناد دریافتنی تجاری}}{\text{فروش}} * 365 \right) - \left(\frac{\text{میانگین حسابها و اسناد پرداختنی تجاری}}{\text{قیمت تمام شده}} * 365 \right)$
اهرم مالی	Lev	$LEV = \frac{TD}{TA}$ TD: ارزش دفتری کل بدهی‌های شرکت آذر پایان سال t TA: ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت
کیفیت گزارشگری	(DAC)	$\frac{ACC}{TA_{t-1}} = y_0 \left(\frac{1}{TA_{t-1}} \right) + y_1 \left[\frac{\Delta REV - \Delta REC}{TA_{t-1}} \right] + y_2 \left(\frac{PPE}{TA_{t-1}} \right) + y_3 (ROA_{t-1}) + \varepsilon_t$ $ DAC = STD(DAC)$ به تفکیک صنعت
تمرکز مالکیت	CON	$CON = \sum (S_i)^2$ S_i: درصد مالکیت اشخاص حقوقی
اندازه شرکت	size	$Size = \log(S)$ S: فروش خالص شرکت آذر پایان سال t
خالص سرمایه در گردش	NWC	$NWC = \frac{CA - CL}{TA}$ CA: دارایی‌های جاری CL: بدهی‌های جاری
مخارج سرمایه‌ای	CAPX	$CAPX = \frac{TFA_t - TFA_{t-1}}{NA}$ NA=TA-TD TFA: دارایی ثابت مشهود
سیاست تقسیم سود	DIV	$DIV = \frac{Dps}{Eps}$ Dps: سود تقسیمی هر سهم Eps: سود هر سهم
جریان نقدی عملیاتی	CF	$CF = \frac{CFO}{TA}$ Cfo: جریان نقد عملیاتی
ریسک جریان نقد عملیاتی	SIGMA	$SIGMA = STD\left(\frac{CFO}{TA}\right)$
فرصت‌های سرمایه‌گذار (رشد)	MTB	$MTB = \frac{MVE}{BVE}$ MVE: ارزش بازار سهام BVE: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

۵-۱- متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است که برای اندازه‌گیری آن از مدل دفرانکو و همکاران [۲۴] استفاده شده است. براساس این مدل، سیستم حسابداری یک شرکت به عنوان تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به طوریکه، هرچه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری با هم داشته باشد، قابلیت

مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر خواهد بود. با استفاده از این معیار برای محاسبه قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ، ابتدا مدل رگرسیونی زیر برای هر شرکت-سال و با استفاده از داده‌های سرس زمانی دوره سه ساله (۱۲ فصل) اخیر برآورد می‌شود:

$$Earning_{it} = \alpha_i + \beta_i Return_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

که در آن:

$Earning$: سودخالص فصلی تقسیم بر ارزش بازار ابتدای دوره سهام شرکت و $Return$: بازده سهام فصلی شرکت است. ضرایب برآورد شده از رابطه (۱) معرف تابع حسابداری شرکت است که رویدادهای اقتصادی (بازده) را به گزارش حسابداری (سود) تبدیل می‌کند. یعنی α_i و β_i نشان دهنده تابع حسابداری شرکت i و ضرایب α_j و β_j معرف تابع حسابداری شرکت j است. شباهت بین تابع حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. لذا برای برآورد تفاوت بین تابع و عملیات حسابداری دو شرکت i و j ، در هر سال از طریق رابطه‌های زیر سود شرکت i به طور جداگانه یکبار با استفاده از تابع حسابداری خود شرکت i و یکبار با استفاده از تابع حسابداری شرکت j اما با بازده خود شرکت i (رویداد مشابه)، برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه ۱ پیش‌بینی می‌شود:

$$Earning_{it} = \hat{\alpha}_i + \beta_i Return_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

$$Earning_{ijt} = \hat{\alpha}_j + \beta_j Return_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

در رابطه فوق:

$E(Earning)_{ii,t}$ سود پیش‌بینی شده شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت i و $E(Earning)_{ij,t}$ سود پیش‌بینی شده شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت j می‌باشد. پس از محاسبه مقادیر فوق، میانگین تفاوت در مقادیر سود پیش‌بینی شده بیانگر تفاوت در تابع حسابداری دو شرکت است. لذا گزینه آن، میزان شباهت و قابلیت مقایسه بین دو شرکت را به شرح رابطه زیر نشان می‌دهد:

$$CompAcc_{ij,t} = \frac{-1}{4} * \frac{1}{n} \sum_{t=3}^t |E(Earning)_{ii,t} - E(Earning)_{ij,t}| \quad (۴)$$

که در مدل فوق، $CompAcc_{ij,t}$ قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین دو شرکت i و j در سال t است. به طریق مشابه، برای هر سال و برای هر جفت شرکت i با شرکت‌های j عضو یک صنعت، معیار $CompAcc_{ij,t}$ محاسبه شده و سپس میانگین مقادیر محاسبه شده برای شرکت i در سال t به عنوان معیار قابلیت مقایسه خاص شرکت i (Com_{it}) تعریف می‌شود. در مدل فوق عدد ۴ تعداد فصول و n تعداد شرکت‌ها در یک صنعت را بیان می‌کند.

۵-۲- آمار توصیفی

با توجه به اینکه صفر بالاترین قابلیت مقایسه را نشان می‌دهد، یعنی هرچه به صفر نزدیک‌تر شود، قابلیت مقایسه بیشتر می‌شود. بنابراین میانگین $-۰,۰۰۱$ برای ۴۰ شرکت در ۵ سال نشان دهنده این است که بطور میانگین شرکت‌های مورد بررسی نسبت به سایر شرکت‌ها کم‌نمایی در ارائه اطلاعات (سود) دارند. کم‌نمایی‌ترین شرکت که عدد $-۰,۲۴۵$ را نشان می‌دهد، مربوط به شرکت ایران خودرو دیزل در سال ۹۲ می‌باشد. بیش‌نمایی‌ترین شرکت که عدد $۰,۳۶۳$ را نشان می‌دهد، مربوط به شرکت ایران خودرو در سال ۹۴ می‌باشد.

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل یا مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. با توجه به جدول میانگین سهامداران عمده (تمرکز مالکیت) $۰,۱۲$ است. تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که تمرکز مالکیت موجب نظارت موثر بر فعالیت‌های مدیران شده و بهبود عملکرد شرکت را منجر خواهد شد. میانگین اهرم مالی شرکت $۰,۶۲$ می‌باشد یعنی حدود $۰,۶۲$ کل دارایی‌ها را بدهی‌ها تشکیل دادند. متوسط فرصت رشد $۲,۲۵$ است، این نشان دهنده آن است که ارزش بازار سهام تقریباً بیش از دو برابر ارزش دفتری سهام می‌باشد و سهام شرکت در دوره پژوهش رشد نسبتاً خوبی داشته است. پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. بیشترین انحراف معیار مربوط به خالص چرخه عملیات ($۴۳,۶۲$) و کمترین انحراف معیار مربوط به ریسک جریان نقد عملیاتی می‌باشد ($۰,۰۵۰$) که نشان می‌دهد خالص چرخه عملیات در دوره پژوهش دارای بیشترین نوسان و نوسانات سود دارای کمترین نوسان بوده است.

جدول ۲- آمار توصیفی (ماخذ: نگارندگان)

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
نگهداشت وجه نقد	CASH	۲۰۰	۰,۱۹۳	۲,۵۸۲	۰,۰۰۸	۰,۹۴۹
قابلیت مقایسه	COM	۲۰۰	-۰,۰۰۱	۰,۰۶۱	-۰,۲۴۵	-۰,۳۶۳
تمرکز مالکیت	con	۲۰۰	۰,۱۱۷	۰,۲۱۷	۰,۰۰۱	۰,۸۷۰
اهرم مالی	lev	۲۰۰	۰,۶۲۰	۰,۲۵۱	۰,۰۲۵	۱,۳۷۳
اندازه شرکت	size	۲۰۰	۱۱,۹۶۳	۰,۷۶۲	۹,۹۱۲	۱۴,۲۲۴
کیفیت گزارشگری	(DAC)	۲۰۰	۰,۱۱۴	۰,۰۹۰	۰,۰۰۲	۰,۵۹۳
خالص سرمایه در گردش	NWC	۲۰۰	۰,۱۲۷	۰,۳۷۶	-۳,۶۱۷	۰,۶۴۹
مخارج سرمایه ای	CAPX	۲۰۰	۰,۰۰۷	۰,۶۰۷	-۵,۴۸۳	۳,۴۳۴
سیاست تقسیم سود	DIV	۲۰۰	۰,۵۱۵	۰,۴۰۸	۰,۰۰۰	۱,۴۲۹
جریان نقد عملیاتی	CF	۲۰۰	۰,۱۰۷	۰,۷۰۷	-۰,۳۳۶	۷,۳۰۴
ریسک جریان نقد عملیاتی	SIGMA	۲۰۰	۰,۰۶۴۲	۰,۰۵۰	۰,۰۰۵	۰,۲۳۱
خالص چرخه عملیات	CCC	۲۰۰	۶۷,۸۴۲	۴۳,۶۱۷	-۲۱,۷۳	۱۳۸,۳۸۵
فرصت‌های رشد	MTB	۲۰۰	۲,۲۵۱	۲,۸۱۸	-۵,۷۷۶	۱۵,۳۲۷

۶- نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با نگهداشت وجه نقد معنادار است.

با توجه به فرضیه پژوهش انتظار می‌رفت که، رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (COM) با نگهداشت وجه نقد (cash) مثبت و معنادار باشد؛ برای تحقق این امر باید سطح معناداری متغیر (COM) برای گروه مستقل کمتر از ۵٪ باشد؛ که، با توجه به نتایج آزمون، سطح معناداری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کمتر از ۵٪ است و لذا دلیلی برای رد این فرضیه وجود نداشته و فرضیه پذیرفته می‌شود. ضریب متغیر (COM) نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری دارد.

فرضیه دوم: تأثیر چرخه‌های عملیاتی بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد معنادار است.

با توجه به فرضیه پژوهش انتظار می‌رفت که، ساختار سرمایه بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (COM) با نگهداشت وجه نقد (cash) تأثیر معناداری داشته باشد؛ برای پژوهش این امر باید سطح معناداری متغیر (COM.ccc) برای گروه مستقل شرکت‌های قابلیت مقایسه کمتر از ۵٪ باشد؛ که، با توجه به نتایج آزمون، سطح معناداری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کمتر از ۵٪ می‌باشد؛ لذا این فرضیه پذیرفته می‌شود.

فرضیه سوم: تأثیر چرخه‌های عملیاتی و تمرکز مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد معنادار است.

با توجه به فرضیه پژوهش انتظار می‌رفت که تأثیر چرخه‌های عملیاتی و تمرکز مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (COM) با نگهداشت وجه نقد (cash) تأثیر معناداری دارد؛ برای تحقق این امر باید سطح معناداری متغیر (COM.ccc.con) برای گروه مستقل شرکت‌های قابلیت مقایسه کمتر از ۵٪ باشد؛ که، با توجه به نتایج آزمون، سطح معناداری متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کمتر از ۵٪ می‌باشد؛ لذا این فرضیه پذیرفته می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیات (ماخذ: نگارندگان)

نماد	فرضیه یکم		نماد	فرضیه دوم		نماد	فرضیه سوم	
	احتمال	ضرایب		احتمال	ضرایب		احتمال	ضرایب
COM	۰,۰۰۰	-۲۸,۶۵۳	COM	۰,۸۸۱	۳,۷۲۹	COM	۰,۰۰۴	۳,۸۸۷
SIZE	۰,۰۰۱	۰,۶۴۹	ccc	۰,۰۰۶	۰,۸۲۴	ccc	۰,۰۳۷۶	-۱,۸۳
NWC	۰,۳۹۷	-۳,۲۰۳	COM. ccc	۰,۰۰۳	-۰,۱۲۳	con	۰,۰۰۸	۰,۱۸۰
CAPEX	۰,۰۰۰	۲,۳۶۷	SIZE	۰,۰۹۸	۰,۰۲۰	ccc.con.com	۰,۰۰۲	۰,۱۷۲
DIV	۰,۰۰۰	-۷,۰۶۲	NWC	۰,۰۰۰	۰,۱۰۹	SIZE	۰,۰۲۲	۰,۱۰۶
CF	۰,۸۵۴	-۰,۰۸۱	CAPEX	۰,۸۲۸	۰,۰۶۳	NWC	۰,۰۲۵	۰,۱۹۴
SIGMA	۰,۱۶۴	-۹,۸۶۳	DIV	۰,۱۴۸	۰,۲۳۰	CAPEX	۰,۰۶۶	۰,۱۲۷
CCC	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰۱	CF	۰,۹۱۸	-۰,۰۱۶	DIV	۰,۵۲۸	-۰,۰۶
MTB	۰,۰۰۰	۰,۰۳۷	SIGMA	۰,۰۰۰	-۲,۳۵۶	CF	۰,۰۱۹	-۰,۰۹
LEV	۰,۰۳۲	۶,۵۵۰	MTB	۰,۰۰۱	۰,۲۴۷	SIGMA	۰,۰۵۵	-۵,۵۰
-	-	-	-	-	-	MTB	۰,۰۲۴	۰,۰۰۴
R^2	۴۴,۱۲۲		R^2	۱۷,۷۸۱		مقدار	۹,۶۲۵	
R^2 تعدیل شده	۴۱,۴۷۵		R^2 تعدیل شده	۱۳,۸۸۶		R^2 تعدیل شده	۵,۸۷۹	
D_W	۲,۴۷۵		D_W	۱,۹۸۷		D_W	۱,۸۲۴	
احتمال (آماره F)	(۸,۱۴۷)۰,۰۰۰		احتمال (آماره F)	(۹,۴۱۸)۰,۰۰۰		احتمال (آماره F)	(۸,۵۴۷)۰,۰۰۰	

۷- جمع بندی و تفسیر

دیدگاه های متفاوتی نسبت به قابلیت مقایسه صورت های مالی وجود دارد. عده ای از منظر تفاوت در ماهیت و اداره شرکت ها بکارگیری مفهوم قابلیت مقایسه در صورت های مالی را به عنوان یک امتیاز در کیفیت گزارشگری در نظر نمیگیرد و در مقابل عده ای از منظر برون سازمانی به دلیل سهولت درک استفاده کننده در تحلیل و تصمیم یک ممیزه کیفی قلمداد می کنند. این ممیزه کیفی به دلیل افزایش قابلیت تصمیم گیری آن ها موجب می گردد در تصمیمات نگهداری وجوه نقد تاثیرگذار باشد. مبتنی بر نظریه های مختلف نگهداشت وجوه نقد از جمله موازنه ایستا و نظریه سلسله مراتبی می توان اذعان داشت که با افزایش قابلیت مقایسه و ثابت مفروض دانستن سایر عوامل مالکان به دنبال مصرف بیشتر وجوه نقد بوده اند و به بیان دیگر نظریه موازنه ایستا غالب گردیده است. زمانی که چرخه عملیاتی کوتاه مدت می گردد انگیزه معاملاتی افزایش می یابد و این انگیزه با مصرف بیشتر وجوه نقد همراه است. در پژوهش حاضر متوسط خالص چرخه عملیاتی ۶۷ روز می باشد که بیانگر رفتار معاملاتی مدیران شرکت های نمونه بوده است. لذا در این شرایط مصرف وجوه نقد در اثر افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی افزایش می یابد. زمانی که تمرکز مالکیت افزایش می یابد به عنوان یک عامل بازدارنده منع از مصرف وجوه نقد گردیده و از انگیزه های معاملاتی کاسته و به سمت انگیزه های احتیاطی و نگهداشت وجوه نقد حرکت کرده است. بدین ترتیب می توان اینگونه جمع بندی نمود که برای ساختار مالکیت و چرخه عملیاتی کوتاه مدت، افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی منتج به تصمیمات نگهداشت وجوه نقد و کاهش قابلیت صورت های مالی منتهی به تصمیمات مصرف وجوه نقد می گردد.

۸- پیشنهاد برای تحقیقات آتی

- ۱- در این مقاله قابلیت مقایسه به روش دیفرانکو محاسبه گردیده است، به محققان آتی پیشنهاد می گردد قابلیت مقایسه را با روش های دیگر مانند ایکسوان محاسبه کنند.
- ۲- در نمونه حاضر ما چرخه عملیاتی را به طور متوسط در نظر گرفتیم که مدت چرخه عملیاتی کوتاه بود. این پژوهش برای شرکت های نمونه ای که چرخه عملیاتی آن ها بیش از نیمی از سال یعنی ۱۸۰ روز باشد قابل انجام است.
- ۳- در این پژوهش تمرکز مالکیت حدود ۱۲ درصد بوده، پژوهش را می توانیم برای شرکت هایی که تمرکز مالکیت آن ها بالاتر است انجام داد.

۴- به محققان آتی پیشنهاد می‌شود نقش کیفیت سود را بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد بررسی کنند.

۹- محدودیت‌های پژوهش

اندازه‌گیری تمرکز مالکیت بر اساس مدل هرفیندال و هیدشمن بوده است. برای محاسبه درصد مالکیت هر سهامدار جزئیات سایر سهامداران در گزارشات مشخص نبود. محققان از اندازه‌گیری سایر سهامداران در تمرکز مالکیت صرف نظر کردند.

منابع

- ۱- ایزدی نیا، ناصر و رسانیان، امیر. (۱۳۸۹). پراکندگی مالکیت و نقدشوندگی سهام. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، ص ۲۲-۳.
- ۲- تقی زاده، وحید؛ اکبری خسروشاهی، محسن؛ قنوتی، الهام. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین مدیریت سرمایه در گردش و عملکرد شرکت‌ها. مجموعه مقالات دهمین همایش ملی حسابداری ایران دانشگاه الزهراء، جلد هفتم، صص ۹۸-۷۹.
- ۳- جباری نوقایی، عباس زاده، محمدرضا و ودیعی، محمدحسین. (۱۳۹۳). بررسی اثر نگهداشت وجه نقد و تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴- صفری، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین برخی مکانیزم‌های راهبری شرکتی و سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های نوین در حسابداری، شماره ۳، صص ۱۲۲-۱۰۸.
- ۵- عظیمی، مجید و صباغ، منیره. (۱۳۹۳). ارتباط ارزشی نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۵۹-۱۲۹.
- ۶- فخاری، حسین و سید روح الله تقوی. (۱۳۸۸). کیفیت اقلام تعهدی و مانده وجه نقد. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. سال شانزدهم، شماره ۵۷، صص ۸۴-۶۹.
- ۷- فروغی، داریوش و قاسم زاده، پیمان. (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سود های آتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۵۰۰-۳۷۹.
- ۸- گرد، عزیز. محمدی، منصور و گل دوست، محمد. (۱۳۹۴). بررسی بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و وجه نقد نگهداری شده. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۲۶۳-۲۷۸.
- ۹- گرزین، اعظم و عسگری، محمدرضا. (۱۳۹۱). تأثیر مالکیت نهادی در تعیین سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۰- مدرس، احمد؛ تقوی فرد، محمدتقی؛ سراقی، خدیجه. (۱۳۹۴). تورم، چرخه عملیاتی و نگهداشت وجه نقد. پایان نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزش عالی خاتم.
- 11- Adedeji, Abimbola (2002) "A Cross-Sectional Test of Pecking Order Hypothesis against Static Trade-off Theory on UK data". University of Birmingham, Working Paper Serie
- 12- Ameer, R. (2010). The Role of Institutional Investors in the Inventory and Cash Management Practices of Firms in Asia. *Journal of Multi. Fin. Manag*, 20, 126-143.
- 13- Bagherzadeh, Saeed (2003). "The Determinants of Capital Structure Choice: Iranian Evidence". *Financial Research*, 16. (In Persian).
- 14- Ball, R., Brown, P., (1968). An Empirical Rvaluation of Accounting Income Numbers. *J. Account. Res.* 159- 178.
- 15- Barth, M. E., Landsman, W. R., Lang, M., Williams, C. (2012). Are IFRS-based and US GAAP-Based Accounting Amounts Comparable?. *J. Account. Econ.* 54, 68-93.
- 16- Bhattacharya, N., Desai, H., Venkataraman, K., 2013. Does Earnings Quality Affect Information Asymmetry? Evidence from Trading Costs. *Contem. Account. Res.* 30, 482-516.
- 17- Bick, P., et al. (2018). "Fair value Accounting and Corporate Cash Holdings." *Advances in Accounting* 40: 98-110.
- 18- Bokpin, G. A., Isshaq, Z., & Aboagye-Otchere, F. (2011). Ownership Structure, Corporate Governance and Corporate Liquidity Policy: Evidence from the Ghana Stock Exchange. *Journal of Financial Economic Policy*, 3, 262 – 279.
- 19- Bushman, R. M., Smith, A. J., (2001). Financial Accounting Information and Corporate Governance. *J. Account. Econ.* 32, 237-333.

- 20- Campbell, K., & Mínguez-Vera, A. (2008). Gender Diversity in the Boardroom and Firm Financial Performance. *Journal of Business Ethics*, 83(3), 435-451.
- 21- Chen, C., Huang, A. G., Jha, R., (2012). Idiosyncratic Return Volatility and the Information Quality Underlying Managerial Discretion. *J. Fin. Quant. Anal.* 47, 873-899.
- 22- Chen, Y., Dou, P. Y., Rhee, S. G., Truong, C., Veeraraghavan, M., (2015). National Culture and Corporate Cash Holdings Around the World. *J. Bank. Fin.* 50, 1-18.
- 23- Choi, J.H., Choi, S., Myers, L.A. & Ziebart, D. (2013). Financial Statement Comparability and the Ability of Current Stock Returns to Reflect the Information in Future Earnings. Working Paper, Available at www.ssrn.com.
- 24- De Franco, G., Kothari, S.P. & Verdi, R.S. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability. *Journal of Accounting Research*, 49 (4): 895-931.
- 25- Dittmar, A., Mahrt-Smith, J., & Servaes, H. (2003). International Corporate Governance and Corporate Cash Holdings. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 38, 111-133.
- 26- Drobetz, W. & Fix, R. (2003). "What are the Determinants of the Capital Structure? Some evidence for Switzerland". *University of Basel, Working Paper Series*.
- 27- Fang, X., Li, Y., Xin, B., Zhang, W., (2016). Financial Statement Comparability and Debt Contracting: Evidence from the Syndicated Loan Market. *Account. Horz.* 30, 277-303.
- 28- Ferreira, M.A., and Vilele, A. (2004), "Why Do Firms Hold Cash? Evidence from EMU Countries", *European Financial Management*, Vol.10, No.2, pp. 295-319.
- 29- Habib, A., Monzur Hasan, M., Al-Hadi, A. (2017), Financial Statement Comparability and Corporate Cash Holdings, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jcae.2017.10.001>
- 30- Huang, J. Z., Huang, M. (2012). How Much of the Corporate-Treasury Yield Spread is due to Credit Risk?. *T. Rev. Ass. Pric. Stud.* 2(2), 153-202.
- 31- Jarrad, H., Sattar, A., Mansib, William, F., & Maxwell, C. (2007). Corporate Governance and Firm Cash Holdings in the US. *Journal of Financial Economics*, 87, 535.
- 32- Jensen & meekling (1976). The Theory of Firm: Manageral behavior, Agency costs and Owner-ship Structure. *Journal of Financial Economics* 3, Pp: 305-360
- 33- Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., Yu, Y., (2016). Financial Statement Comparability and Expected Crash Risk. *J. Account. Econ.* 61, 294-312.
- 34- Kim, S., Kraft, P., Ryan, S. G., (2013). Financial Statement Comparability and Credit Risk. *Rev. Account. Stud.* 18, 783-823.
- 35- Kusnadi, Y., (2011). Do Corporate Governance Mechanisms Matter for Cash Holdings and Firm Value?. *Pac.- Bas. Fin. J.* 19, 554-570.
- 36- Liu, Y., Mauer, D., (2011). Corporate Cash Holdings and CEO Compensation Incentives. *J. Fin. Econ.* 102, 183-98.
- 37- Mulligan, C. B. (1997). Scale Economies, the Value of Time, and the Demand for Money: Longitudinal Evidence from Firms. *Journal of Political Economy* 105, 1061-1079.
- 38- Myers, S.C., Majluf, N.S., (1984), "Corporate Financing and Investment Decisions when Firms have Information that Investors do not Have", *Journal of Financial Economics*, Vol.13, 187-221.
- 39- Pál, R., Ferrando, A., (2010). Financing Constraints and Firms' Cash Policy in the Euro Area. *T. European J. Fin.* 16, 153-171.
- 40- Peterson, K., Schmardebeck, R., Wilks, T. J., (2015). The Earnings Quality and Information Processing Effects of Accounting Consistency. *Account. Rev.* 90, 2483-2514.
- 41- Ramsay, I. & Blair, M. (1993). Ownership Concentration, Institutional Investment and Corporate Governance: An empirical investigation of 100 Australian companies. *Melbourne University Law Review*, 19 (6): 153-194.
- 42- Schipper, K., (2003). Principles-based Accounting Standards. *Account. Horz.* 17, 61-72.
- 43- Tribo, J. (2007). Ownership Structure and Inventory Policy. *International Journal of Production Economics*, 108, 213-220.
- 44- Wang Y, Ji Y, Chen X a, Song C (2014), Inflation, Operating Cycle, and Cash Holdings, *China Journal of Accounting Research*, No. (7): 263-276.

The impact of ownership concentration and operational cycles on the relationship between comparability of financial statements and cash holdings

Abstract

Considering the importance of holding cash and comparing financial statements in the capital market, this research seeks to investigate the effects of ownership concentration and operational cycles on the relationship between the ability to compare financial statements and corporate cash holdings. In order to achieve the research goals, the companies listed in the Tehran Stock Exchange during the period 1393 to 1397 were tested. In this research, multiple linear regression has been used using panel data. The results indicate that there is a significant relationship between comparability of financial statements and cash holdings. On the basis of the findings, the effect of operational cycles on the relationship between the comparability of financial statements and cash holdings is significant, as well as the effect of operational cycles and ownership concentration on the relationship between the ability to compare financial statements and cash holdings.

Keywords: Comparability, Cash Holdings, Ownership Concentration, Operational Cycles

بررسی جایگاه و نقش حسابداری عمومی در کاهش فساد و ایجاد شفافیت

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۲

کد مقاله: ۴۶۶۰۲

آرمین صالحی^۱، پرویز سعیدی^۲

چکیده

از فساد و عدم شفافیت به عنوان یک مشکل اساسی در هر ساختار یاد می شود که فارغ از نوع و جایگاه یک کشور یا شرکت در سطوح خرد و کلان قابل رخ دادن است. پدیده ای که از پیدایش آن را به نخستین دیوان سالاری و ساختار دولتی مرتبط می سازند. این پدیده با اثرگذاری منفی که بر هر ساختاری دارد به عنوان یکی از جدی ترین موانع رشد و پیشرفت از آن یاد می شود. عدم رشد، جلوگیری از رقابت و تشدید انحصار از جمله پیامدهای فساد و عدم شفافیت است. حسابداری عمومی به عنوان یکی از مهم ترین بخش های حسابداری در این زمینه دارای نقش و جایگاه ویژه ای است. درواقع این نوع حسابداری از یک سو فضای کمی را برای فساد باقی می گذارد و شفافیت همراه با حسابداری خوب باعث زیر فشار قرار گرفتن دولت برای مدیریت درست و دقیق امور مالی می شود و از سوی دیگر در حسابداری عمومی نیز حسابداری تعهدی دستیابی به شفافیت را تسهیل نموده و پیاده سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش شفافیت می گردد. هدف این مقاله ارائه مطالبی در حوزه حسابداری بخش عمومی و جایگاه آن در کاهش فساد و ایجاد شفافیت است. این مقاله ضمن پرداختن به فساد از دیدگاه های گوناگون به انواع آن پرداخته و جایگاه شفافیت را در حوزه های حسابداری بخش عمومی مطرح و در پایان با نتیجه گیری و پیشنهادها پایان می پذیرد.

واژگان کلیدی: حسابداری عمومی، حسابداری تعهدی، فساد، شفافیت.

۱- دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران

۲- گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، علی آباد کتول، ایران

۱- مقدمه

فساد اداری که نقطه مقابل سلامت اداری است، پدیده‌ای است که گریبان گیر اکثر جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه است. به عبارت دیگر می‌توان گفت، فساد اداری پدیده‌ای همزاد دولت‌ها است. یعنی از زمانی که فعالیت‌های بشر شکل سازمان‌یافته و منسجمی به خود گرفت، از همان زمان فساد اداری نیز جزء لاینفک از متن سازمان ظهور کرده است. و کنکاش پیرامون آن نشان می‌دهد که فساد با تأثیر منفی بر کارایی و اثربخشی نظام مدیریت اداری سبب به هدر رفتن منابع ملی و در نتیجه کاهش اثربخشی دولت در هدایت امور و سلب اعتماد مردم به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی می‌شود (اعتباریان و همکاران، ۱۳۹۳). فساد هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و رشد رقابت‌پذیری را دشوار می‌سازد. فساد اداری مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و مسیر رشد و توسعه اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد و از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌سازد (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳). برخی از صاحب‌نظران، فساد اداری را آن دسته از فعالیت‌های کارکنان و مسئولان دولت می‌دانند که اولاً به منافع عمومی لطمه بزند و ثانیاً هدف از انجام آن، رساندن فایده به عامل (کارمند اقدام کننده) یا به شخص ثالثی باشد که عاملی را برای این اقدام اجیر کرده است. بر این اساس آرنولد روگو^۱ و اچ دی لاسول^۲ چنین اظهار می‌دارند که یک دستگاه فاسد در تمام ساختار نظام اجتماعی اختلال ایجاد می‌کند (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۱). حسابداری و بویژه حسابداری عمومی با توجه به نقش تعیین کننده‌ای که در محاسبات کشوری دارد دارای اهمیت ویژه‌ای در مساله فساد و شفافیت است. خروجی حسابداری یعنی گزارشگری مالی نشان از اهمیت ویژه و حساس این بخش دارد. گزارشگری مالی در شفافیت مالی و بهبود تصمیم‌گیری‌ها اثر گذار است. چه در دولت چه در بخش خصوصی تصمیمات مدیران بر اساس محاسبات و گزارش‌های یک حسابدار اتخاذ می‌شود. از این رو در این مطالعه در پی پاسخ به این سوال خواهیم بود که حسابداری عمومی چه نقش و جایگاهی در کاهش فساد و ایجاد شفافیت داشته و درواقع چگونه می‌تواند در این زمینه ایفای نقش کند؟. در این راستا پس از پرداختن به مفاهیمی مانند فساد مالی و شفافیت به بررسی جایگاه حسابداری عمومی پرداخته و در نهایت با توجه به مطالب مطرح شده پیرامون این موضوع نتیجه‌گیری می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

در خصوص حسابداری بخش عمومی و نقش آن در کاهش فساد و ایجاد شفافیت تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده که در جدول ذیل به‌طور خلاصه به تعدادی از این مطالعات اشاره می‌شود.

جدول ۱- خلاصه پژوهش‌های حسابداری بخش عمومی

محقق	سال	عنوان تحقیق	روش	نتیجه تحقیق
۱	شیلد	۱۹۹۷	تحلیلی	از بین ۱۵۲ مقاله منتشرشده، تنها ۶/۶ درصد به حوزه حسابداری مدیریت دولتی اختصاص داشت که به مفهوم رویکرد مدیریت عمومی نوین توجه کرده بودند.
۲	کوالسکی و دیرسمیت	۲۰۰۹	تحلیلی	در مطالعات به سازمان‌های دولتی نسبت به سازمان‌های غیرانتفاعی کمتر توجه می‌شود.
۳	ابوبکر و صالح	۲۰۱۱	تحلیلی	بیشتر تحقیقات حسابداری بخش عمومی، در کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته و سهم کشورهای در حال توسعه کم است.
۴	مرادی و صفی خانی	۱۳۹۵	تحلیلی	سهم تحقیقات حسابداری بخش عمومی در ۲۱ نشریه‌ی بررسی شده ۳ درصد است.
۵	بهبهانی نیا	۱۳۹۶	روش تحلیلی	به بررسی جامع مطالعات انجام شده پرداخته شده است.
۶	مهرانی و همکاران	۱۳۹۷	مورد پژوهشی و تحلیل محتوای کیفی	ویژگی‌های عاملیت فعال در امر تغییر حسابداری بخش عمومی در دانشگاه تهران، در مقایسه با ویژگی‌های عاملیت منفعل آن و نیز ویژگی‌های ساختار غیرحمایتگر از تغییر حسابداری بخش عمومی در دانشگاه تهران، در مقایسه با ساختار حمایتگر آن، پرکارتر بوده‌اند.

1- Arnold Rogow

2- H.D Lasswell

۳- تعریف فساد و فساد اداری

فساد عبارت است از عملی یا تصمیمی که موجب شود تا خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیش‌تر باشد. در جوامع گوناگون، براساس نظام ارزشی و فرهنگ خود، تعاریف گوناگونی از فساد به عمل آورده‌اند. در زبان فارسی برای فساد معانی مختلفی از جمله: «تباهی»، «ستم»، «مال کسی را گرفتن»، «گزند»، «زیان»، «ظلم و ستم»، «شرارت» و «بدکاری» ذکر شده است (افضلی، ۱۳۹۰). ریشه‌ی فساد فعل لاتین "Rumpere" به معنای «شکستن» است. بنابر این در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. این چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه‌ی قانونی یا غالباً مقررات اداری باشد. فساد طبق تعریفی که در فرهنگ وبستر آمده عبارت است از «پاداشی نامشروع که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده می‌شود». بانک جهانی و سازمان شفافیت بین الملل، فساد را سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) می‌دانند. این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است.

از نظر هانتینگتون^۱، فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان دولتی اطلاق می‌شود که در جهت منافع غیرسازمانی، ضوابط و عرف پذیرفته شده را نادیده می‌گیرند. به عقیده کلیتگارد^۲ منظور از منافع غیرسازمانی، منفعت شخصی است که مأمور دولتی به خاطر آن از وظایف رسمی خود تخطی می‌کند. ویتو تانزی^۳ بر این باور است که یک مسئول یا کارگزار دولتی هنگامی مرتکب فساد اداری شده است که در اتخاذ تصمیمات اداری تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی و دلبستگی‌های اجتماعی قرار بگیرد (ملک محمدی و حق شناس، ۱۳۹۲). به‌طور خلاصه می‌توان گفت فساد عبارت است از انجام هر عملی که با هنجارهای پذیرفته شده و ارزش‌های مورد قبول و یا مکتوب جامعه مخالف است و ضرری را بر پیکره جامعه وارد می‌کند. این ضرر ممکن است مالی، جانی، روانی و... باشد.

۳-۱- انواع فساد

فساد مالی دارای شکل‌ها و نمودهای مختلفی می‌باشد. شکل‌های اصلی فساد مالی، رشوه، اختلاس، تقلب و جعل، و اخاذی می‌باشد که هر یک از این‌ها تنها بعضی از ابعاد اصلی پدیده‌ی فساد مالی را مشخص و تبیین می‌کنند که در ادامه به هر یک پرداخته می‌شود.

الف. رشوه: عبارت از وجهی (نقدی یا جنسی) است که در یک رابطه‌ی آلوده و فاسد، داده یا گرفته می‌شود. نفس دادن یا گرفتن رشوه تخلف محسوب می‌شود و به نحوی جوهره‌ی فساد مالی معنی می‌شود.

ب. اختلاس: برداشت افراد از منابع عمومی است که مدیریت همان منابع به آنها سپرده شده است اختلاس هنگامی شکل می‌گیرد که کارکنان ناسالم و فاسد، منابع عمومی را حیف و میل یا از آن سوءاستفاده کنند. وقتی که در اموال عمومی اختلاس می‌شود، حق جامعه پایمال می‌گردد. بنابرین، اختلاس شکلی از فساد مالی و سوء استفاده از قدرت است.

ج. سوءاستفاده از موقعیت: سوءاستفاده از موقعیت، فرایندی است که در آن بعضی از صاحب منصبان به‌طور سازمان‌یافته از پست و موقعیت سیاسی و اجتماعی خود برای تعمیم، تضمین و گسترش منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند.

د. تقلب: یک جرم اقتصادی است که مستلزم نوعی کلاهبرداری، فریب یا دروغ است. تقلب و دست‌کاری یا ایجاد اخلال در اطلاعات شفاف و صحیح، همان اخلال در حقایق و امور کارشناسی از سوی افرادی است که در پی نفع شخصی و خصوصی خویش‌اند. تقلب وقتی روی می‌دهد که فردی که مسئولیت اجرای دستور یا انجام وظایف واگذار شده از سوی مافوق و مدیر خود را دارد جریان اطلاعات را به سمت منافع شخصی خود تغییر دهد.

ه. اخاذی: به‌عنوان یکی از نمودهای مفاسد مالی، عبارت است از استفاده از زور، توسل به خشونت یا تهدید برای اخذ پول و منابع دیگر. نکته‌ی مهمی که در تعاریف مربوط به فساد مالی بایستی متذکر شد، آن است که انجام فعالیت‌های فسادآلود را تنها کارکنان و افراد زیر مجموعه‌ی دولت و نهادهای عمومی صورت نمی‌دهند، بلکه اشخاصی که خارج از چارچوب دولت قرار دارند و به نحوی خواهان رفع مشکلات مرتبط با دولت هستند و از روش‌های غیرقانونی استفاده می‌کنند نیز به این معضل و عارضه منتسب می‌باشند. این افراد که امکان دارد یک شخص یا یک بخش خصوصی مستقل باشند، برای جلب همکاری یک فرد یا مسئول در داخل مجموعه‌ی دولت، به منظور نقض قوانین و مقررات و ضوابط اداری و یا تغییر در قوانین و مقررات برای نفع شخصی دست به کار می‌شوند. در این حالت، فساد، رفتاری است که به دلیل جاه طلبی‌های فردی، معرف انحراف شخصی از شیوه‌ی عمل درست و عادی انجام وظیفه می‌باشد که به انحای مختلفی صورت می‌گیرد. بنابرین، عارضه فساد مالی را ممکن است، بخش خصوصی و عمومی و زیر مجموعه‌های آن، به تنهایی و یا مشترک صورت دهند و نمی‌توان مقصر را یکی از این دو

1- Huntington

2- Clintgard

3- Vito Tanzi

بخش معرفی کرد؛ هر چند که اغلب، عامل و عاملان بروز و شیوع مفاسد مالی را دولت و کارکنان آن معرفی می‌کنند (قناعی، ۱۳۸۸).

و. کلاهبرداری: کلاهبرداری نوع دیگری از فساد مالی است که اعضای یک شرکت از آن برای منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند. این نوع از کلاهبرداری هم در بخش‌های عمومی و هم در بخش‌های خصوصی دیده می‌شود (سگراوز^۱، ۲۰۱۳). کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است، اما دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از جرایم مذکور جدا می‌کند. از جمله به کار بردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار ویژگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد. به لحاظ اینکه جرم مذکور به روش‌های مختلف واقع می‌شود، تحولات اجتماعی در تغییر چهره‌های مختلف کلاهبرداری نقش مؤثر و مستقیم دارد و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمان حفظ شود و هم کلاهبرداران با اغفال مخاطبین خود اموال آنها را به یغما نبرند.

۳-۲- سلامت اداری و شاخص‌های آن

به استناد ماده ۲۸ قانون "ارتقای سلامت اداری و مالی" شورای دستگاه‌های نظارتی کشور، شاخص‌های اندازه‌گیری میزان سلامت اداری و مالی را تعیین و بر این اساس ارائه نموده است:

- ۱- شفافیت
- ۲- نظارت و کنترل داخلی
- ۳- پاسخگویی
- ۴- انضباط اداری و مالی
- ۵- آموزش
- ۶- شایسته‌سالاری
- ۷- قانون‌گرایی
- ۸- استقرار توسعه سامانه‌های الکترونیکی
- ۹- الگوی مصرف و بهره‌وری

از شاخص‌های نه گانه اندازه‌گیری سلامت نظام اداری و مالی می‌باشد (خبره، ۱۳۹۲).

۴- شفافیت

تعاریف بسیاری از شفافیت ارائه شده است. شفافیت در کتاب لغت به وضعیتی اطلاق شده که درک امری را آسان می‌سازد. در فرهنگ آکسفورد شفافیت این گونه تعریف شده است: "باز بودن یا گشودگی مؤسسات (Openness) (دسترسی آسان به عملیات داخل شرکت)، آشکار بودن مؤسسات (وضوح)، صداقت و قابلیت درک آسان." در این تعریف منظور از باز بودن یا گشودگی مؤسسات، دسترسی آسان به عملیات داخل شرکت، و منظور از آشکار بودن مؤسسات، وضوح اطلاعات است. همچنین تعاریف متعدد دیگری نیز ارائه شده است که بسته به اینکه بر چه مفهومی استوار هستند، می‌توان آنها را در سه طبقه به شرح زیر از یکدیگر متمایز نمود:

الف. تعاریف مبتنی بر ذی نفعان: ویش و اناث و کافمن (۱۹۹۹) شفافیت را "افزایش جریان بموقع و قابل اتکا اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذینفعان مربوط باشد" تعریف کرده‌اند. همچنین آنها عدم شفافیت را به‌عنوان "مانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه شده" تعریف کرده‌اند. دیدگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ گسترده‌تر است و شفافیت را به‌عنوان "ارتباط متقابل بین شرکت‌ها و سایر گروه‌های ذینفع" بیان می‌کند (OECD, 2002).

ب. تعاریف مبتنی بر پاسخگویی: گروه تخصصی شفافیت در دانشگاه بروکینگز شفافیت را به‌عنوان "درجه‌ی گشودگی و بازبودن مؤسسات بیان کرده است. یعنی میزان نظارت و ارزیابی اعمال افراد داخل شرکت (مانند مدیران) توسط افراد خارج شرکت (مانند سهامداران)". در تعریف فلورینی^۳ (۱۹۹۹) از شفافیت، پاسخگویی بر جسته‌تر شده است. وی شفافیت را به‌عنوان "افشای اطلاعاتی توسط شرکت‌ها که برای ارزیابی آن‌ها مربوط باشد" تعریف کرده است. از دیدگاه وی شفافیت ابزاری برای تسهیل فرآیند ارزیابی عملکرد شرکت‌ها است. تاکید برحق دسترسی به اطلاعات (با در نظر داشتن حریم هر دو طرف تهیه‌کننده و استفاده‌کننده) و امکان ارزیابی عملکرد شرکت‌ها با استفاده از این اطلاعات در تعاریف مذکور برجسته‌تر شده است. درواقع

1- Segraes

2- Organization for Economic Cooperation and Development

3- Florini

شفافیت ارتباطی تنگاتنگ با پاسخگویی دارد و علت تقاضا برای شفافیت این است که بازار شرکت ها را بابت سیاست های اتخاذ شده و عملکرد آنها مسئول می‌داند.

ج. تعریف شفافیت با تاکید بر اجرای قوانین و مقررات: سازمان تجارت جهانی اطمینان از دسترسی به شفافیت در قراردادهای بین المللی تجاری را مستلزم سه پیش شرط اساسی می‌داند: (۱) اطلاعات درباره قوانین، مقررات و سایر رویه ها به‌طور عموم منتشر شده باشد، (۲) مطلع کردن گروه های ذی نفع از قوانین و مقررات مربوط و تغییرات در آنها، و (۳) اطمینان از اینکه قوانین و مقررات به صورت یکپارچه، بی‌طرفانه و معقول اجرا می‌شود. به‌طور خلاصه تعاریف شفافیت را می‌توان در جدول ذیل ارائه نمود.

جدول ۲. تعریف شفافیت از نگاه پژوهشگران و سازمان های مختلف

نکات کلیدی	تعریف شفافیت	سال	پژوهشگر / سازمان	
دسترسی به اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی	افزایش جریان بموقع و قابل اتکا اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در دسترس همه ذینفعان مربوط باشد	۱۹۹۹	ویش واناث و کافمن	۱
ارتباط متقابل	ارتباط متقابل بین شرکت ها و سایر گروه های ذینفع	۲۰۰۲	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۲
پاسخگویی	افشای اطلاعاتی توسط شرکت ها که برای ارزیابی آن ها مربوط باشد	۱۹۹۹	فلورینی	۳
نظارت، ارزیابی	درجه ی گشودگی و بازبودن موسسات. یعنی میزان نظارت و ارزیابی اعمال افراد داخل شرکت (مانند مدیران) توسط افراد خارج شرکت (مانند سهامداران)	۲۰۰۵	گروه تخصصی شفافیت دانشگاه بروکینگز	۴

۵- حسابداری عمومی، فساد و شفافیت

فدراسیون بین المللی حسابداران در این زمینه که حسابداران چگونه می‌توانند نقش بزرگی در کاهش فساد در سراسر جهان ایفا کنند، نتایج مطالعه ی جدید خود را منتشر کرده است. یافته های این مطالعه تحت عنوان "حرفه ی حسابداری، ایفای نقش مثبت در مبارزه با تقلب" نشان می‌دهد، افزایش در شاخص شفافیت بین المللی و بهبود شاخص فساد جهانی، با سهم بالای حسابداران در مبارزه ی واقعی با تقلب، همبستگی مثبت دارد. این شاخص از سال ۱۹۹۵، طی یک فرآیند ارزیابی دقیق و کارشناسی شده، هر ساله رتبه بندی کشورها را با توجه به سطح ادراکشان از فساد، مشخص نموده و نتایج نظرسنجی عمومی در این باره را منتشر می‌نماید. همچنین نتایج مطالعاتی که با عنوان «سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی» انجام گرفته است، نشان می‌دهد در کشورهایی با ساختار حاکمیتی قوی تر، نتایج بهتر این شاخص با عملکرد حسابداران در زمینه ی تقلب، به‌طور چشمگیری مرتبط است. از این رو می‌توان گفت از زمانی که سازمان های حرفه ای حسابداری در عرصه های مختلفی همچون، اقتصاد، اخلاق حرفه ای، آموزش و پژوهش و نظم و انضباط جهانی حضور دارند، شاهد افزایش شاخص شفافیت بین المللی هستیم. با توجه به نقش پراهمیت حسابداران در جلوگیری از فساد، اهمیت وجود استانداردهای حسابداری که راهنمای عمل حسابداران است آشکار می‌شود (میرجعفری و همکاران، ۱۳۹۷).

پروفسور بال رییس انجمن حسابداری و امور مالی و استاد حسابداری و خطی مشی های بخش دولتی دانشگاه ویکتوریا معتقد است که حسابداری خوب از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا فضای کمی را برای فساد باقی می‌گذارد. شفافیت همراه با حسابداری خوب باعث زیر فشار قرار گرفتن دولت برای مدیریت درست و دقیق امور مالی می‌شود (کردستانی و معنوی مقدم، ۱۳۹۵). ایده شفافیت توسعه حسابداری در بخش عمومی را تحت تأثیر قرار داده است (بیوندی و لپسلی، ۲۰۱۴) بطوری که حسابداری بخش عمومی در بسیاری از کشورها از نقدی به تعهدی تغییر یافته است (اکرمی و همکاران، ۱۳۹۶).

درواقع طرفداران حسابداری تعهدی باور دارند که پذیرش حسابداری تعهدی در بخش عمومی دستیابی به شفافیت را تسهیل می‌کند (بیوندی و لپسلی، ۲۰۱۴). نمونه بارز این امر کشور نیوزلند است که با تمرکز بر حسابداری شفاف چندین سال است که به وسیله سازمان بین المللی شفافیت به‌عنوان یکی از سه کشور برتر دارای کمترین فساد انتخاب می‌گردد (کردستانی و معنوی مقدم، ۱۳۸۵).

در مجموع برای ارتقای شفافیت اقداماتی نظیر اصلاح روش بودجه ریزی، تعیین ارتباط هزینه ها و خروجی ها یا نتایج ارزیابی خروجی ها یا نتایج بر اساس شاخص های کیفی (هود^۲، ۱۹۹۶) انجام شده است. از آنجایی که مبنای تعهدی نسبت به نقدی ارائه

1- Biondi and Lapsley
2- Pollitt and Bouckaert

کننده اطلاعات جامع تر و با کیفیت تری است موجب آگاهی مدیریت نسبت به دامنه وسیع تری از مسائل می شود (پلیت و باکرت^۱، ۲۰۰۴). از سوی دیگر بودجه تعهدی بخاطر آنکه سرمایه در گردش، دارایی های ثابت و استهلاک آن ها را در نظر می گیرد، تصویر دقیق تر و شفاف تری از مصرف هزینه های سرمایه ای ارائه می دهد (ملت^۲، ۲۰۰۲).

افزایش شفافیت داخلی و خارجی از مهم ترین مزایای بودجه ریزی تعهدی و خروجی محور است (جاگلا و همکاران^۳، ۲۰۱۱). از سوی دیگر با بکارگیری مبنای تعهدی زمینه لازم جهت بودجه ریزی عملیاتی به عنوان بهترین روش بودجه بندی پذیرفته شده در سطح بین المللی فراهم می شود (کردستانی و ایرانشاهی، ۱۳۸۸). از این رو در مجموع می توان گفت پیاده سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش شفافیت می گردد (اکرمی و همکاران، ۱۳۹۶).

۵- نتیجه تحقیق

فساد را می توان مساله ای دانست که در تمامی دوران گریبان گیر دستگاه ها و سازمان های مختلف بوده و خود مرکزیت اندیشه ی بسیاری از دانشمندان و متفکران بوده است. از این رو فساد به فرهنگ کشورها ارتباطی نداشته و هر کشوری و با هر شرایط فرهنگی هم می تواند درگیر فساد شود (لی^۴، ۲۰۱۳).

به عبارت دیگر از ابتدای شکل گیری نخستین گروه های انسانی تاکنون که نظام های مدرن اجتماعی شکل گرفته اند، مسئله شکل دهی و استمرار نظم و انضباط اجتماعی از مهم ترین دغدغه های مسئولان اجرایی این نظام ها بوده است و با پیچیده شدن نظام های اجتماعی، شکل انحرافات و کج رفتاری های اجتماعی نیز دگرگون شده و هم گام با تغییرات محیط بیرونی شاهد بوجود آمدن انواع کج رفتاری های مدنی نیز بوده ایم (حسن دوست و یزدان پناه، ۱۳۹۳).

با افزایش روز افزون فساد مالی در سازمان ها، شرکت ها و مؤسسات در کشورهای مختلف جهان بررسی عوامل مربوط به این موضوع و راه حل ها و روش های مبارزه با آن امری ضروری به نظر می رسد. آنچه می بایست در برنامه ریزی برای مبارزه با فساد مالی مورد توجه قرار گیرد، این است که پیشرفت و توسعه اقتصاد هر جامعه ای و در نتیجه دستیابی به توسعه جهانی در گرو داشتن اقتصادی سالم و عاری از فساد است. جامعه ای می تواند به استقلال اقتصادی دست یابد که سرمایه گذاران امنیت لازم برای سرمایه گذاری را داشته باشند تا بتوانند به رشد و توسعه کشور کمک کنند. بنابراین بررسی و توجه به فساد اقتصادی و راه های مبارزه با آن اهمیت می یابد (رحیمیان، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر باید در نظر داشت که فساد پدیده ای نیست که بتوان تنها از یک روش آن را کنترل کرد و نیازمند مجموعه ای از روش ها و راهکارهای اجتماعی، اقتصادی و حساسیتی است اما در این میان به حسابداری عمومی می توان در شفاف سازی و کاهش این فساد جایگاه و اهمیت ویژه ای داد. درک این نکته که فساد چه اقداماتی را در برمی گیرد موضوعی مهم است زیرا فساد اشکال متفاوتی دارد؛ از رشوه، تقلب، پرداخت های غیرقانونی تا پولشویی، قاچاق و اشکال متعدد دیگری که اندیشه های مجرمانه می تواند خلق کند. فساد لزوماً به وسیله پول انجام نمی شود و ممکن است به شکل حمایت و طرفداری و اعمال نفوذ هم بروز کند. حسابداران به خاطر ویژگی های واقع گرایی، درستکاری، جامع نگری و همچنین خدمت به منافع عمومی، شهرتی دیرینه دارند. حسابداران در بخش خصوصی و دولتی مناصب مهمی را در اختیار دارند و همچنین به عنوان مشاوران و حسابرسان مستقل، جایگاه پراهمیتی را به خود اختصاص داده اند. گرچه وظیفه اصلی حسابداران و نقش قانونی آنان مبارزه با فساد نیست، اما سمت های حساس آنها در واحدهای اقتصادی و ویژگی های یاد شده و نقش آنها در حفظ منافع عمومی، جایگاه آنان را در تلاش های اجتماعی برای مبارزه با فساد برجسته می سازد. آیین رفتار اخلاقی که همه حسابداران ملزوم به رعایت آنند، موجب می شود که حسابداران شاغل در حرفه، تجارت، صنعت و دولت، بالاترین استانداردهای واقع گرایی و مراقبت های حرفه ای را به کار برند. آیین راهبری بنگاه و کنترل های مالی و دیگر کنترل های داخلی این اطمینان را پدید می آورد که حسابداران شاغل در واحدهای اقتصادی و بخش دولتی مسوولیت های خود در برخورد با فساد را با جدیت دنبال کنند. کنترل مدیریت از روشی که مدیریت امور بنگاه اقتصادی را اداره می کند، سرچشمه گرفته و در فرآیندهای مدیریتی جایگزین می شود. (دوانی، ۱۳۹۰).

1- Hood
2- Mellett
3- Jagalla et al.
4- Lee

منابع

- افضلی، ع. (۱۳۹۰)، فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت، مجله حقوقی بین المللی، مرکز امور بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵.
- اعتباریان، الف، عمادزاده، م، روحانی، ع. (۱۳۹۳)، رابطه حسابرسی عملکرد با کاهش فساد اداری از طریق افزایش شفافیت، بهبود پاسخگویی و ارتقای اعتماد و درستی، دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۵۵، صفحات ۳۰-۵۳.
- اکرمی، ر، قیومی، ع، قدیریان، م. (۱۳۹۶)، تبیین نقش حسابداری بخش عمومی در تحقق اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال ۵، شماره ۱۷، صفحات ۹۶-۷۳.
- بهبهانی نیا، پ. (۱۳۹۶)، سیر تحقیقات حسابداری بخش عمومی در ایران و جهان، پژوهش حسابداری، شماره ۲۴، صفحات ۵۳-۶۶.
- حقیقتیان، م، کریمی زاده، س، نظری، ج. (۱۳۹۱)، بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر فساد اداری (مورد مطالعه: سازمان های اداری شهر یزد)، جامعه شناسی کاربردی، دوره بیست و سوم، شماره ۴.
- حسن دوست فرخانی، ه و یزدان پناه، ل. (۱۳۹۳)، بررسی گرایش دانشجویان به فساد اداری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان)، مسائل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۱.
- خبره، و. (۱۳۹۲)، راههای ارتقاء سلامت اداری و مالی و مقابله با فساد، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام. سازمان بازرسی کل کشور.
- رحیمیان ن (۱۳۹۳)، بررسی فساد اقتصادی و راههای مبارزه با آن، مجله اقتصادی شماره ۹ و ۱۰، صفحات ۱۱۶-۱۰۳.
- عباس زادگان، م. (۱۳۸۳)، فساد اداری، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دوانی، غ، (۱۳۹۰)، حسابرسان و فساد مالی، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۵۱۶.
- کردستانی، غ، معنوی مقدم، الف. (۱۳۹۵)، مالیه بخش عمومی؛ پای صحبت یان بال، حسابرس، شماره ۸۳، صفحات ۱۱-۶.
- کردستانی، غ، ایرانشاهی، ع. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر به کارگیری حسابداری تعهدی در بخش دولتی، دانش حسابرسی، شماره ۲۸، صفحات ۲۱-۱۰.
- مهرآنی، م، محمودی، ع، رحمانی، ع، ودادهیر، الف. (۱۳۹۷)، تبیین فرایند تغییر حسابداری بخش عمومی با رویکرد نظریه ساختاری (مطالعه موردی دانشگاه تهران)، حسابداری دولتی، شماره ۲، صفحات ۵۵-۷۴.
- مرادی، م، صفی خانی، ر. (۱۳۹۵)، تحلیل پژوهش‌های حسابداری بخش عمومی در ایران و جهت گیری تحقیقات آتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۳، شماره ۴، صفحات ۵۴۷-۵۷۴.
- ملک محمدی، ح، حق شناس، م. (۱۳۹۲)، سیاستگذاری مبارزه با فساد اداری در جمهوری اسلامی ایران و ارائه الگوی مطلوب: مطالعه تطبیقی ترکیه و پاکستان، دوره ۴۹، شماره ۱.
- میرجعفری، م، احمدنژاد، ع، حسینی، ح. (۱۳۹۷)، فساد مالی و بررسی نقش حسابداران در پیشگیری و رفع آن، دومین کنفرانس بین‌المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری
- Abu Bakar, N. B. & Saleh, Z. (2011). Public sector accounting research in Malaysia: Identifying gaps and opportunities. Journal of Research and Practice in Public Sector Accounting and Management, 1(1), 23-42.
- Biondi, L. and I. Lapsley (2014), "Accounting, Transparency and Governance: the Heritage Assets Problem", Qualitative Research in Accounting & Management, Vol.11, No.2, pp. 146-164.
- Lee, W.S. (2013). Engaging in corruption: The influence of cultural values and contagion effects at the micro level. Journal of Economic Psychology, 39, 287-300.
- Jagalla, T.; Becker, S. D. and J. Weber (2011), "A Taxonomy of the Perceived Benefits of Accrual Accounting and Budgeting: Evidence from German States", Financial Accountability & Management, Vol. 27, No. 2, pp. 134-165.
- Hood, C. (1996), "Beyond Progressivism: A New Global Paradigm in Public Management?", International Journal of Public Administration, Vol. 19, No. 2, pp.151-177
- Mellett, H. (2002), "The Consequences and Causes of Resource Accounting", Critical Perspectives on Accounting, Vol. 13, No. 2, pp. 231-254
- Organization for Economic Cooperation and Development (2002), Accrual Accounting and Budgeting: Key Issues and Recent Developments. Twenty-Third Annual Meetings of OECD Senior Budget Officials, Washington, D.C., June 3-4

- Pollitt, C. and G. Bouckaert (2004), Public Management Reform: A Comparative Analysis, Oxford University Press, USA.
- Samuel, S., Covalleski, M. A., & Dirsmith, M. W. (2009). Accounting in and for US Governments and Non-profit Organizations: a Review of Research and a Call to Further Inquiry. Handbooks of Management Accounting Research, 3, 1299-1322.
- Segraves, Julie (2013), www.ehow.com/info_8491730_types-business-corruption.html, Accessed on April. Vaezoon.ir/Portal/Culture/Persian/CategoryID/13360/CaseID/97522/71243.aspx (2012), Accessed on November
- Shields, M. D. (1997). Handbook of Management Accounting Research, (Vol. 2). Amsterdam, The Netherlands: Elsevier.

بررسی رابطه حضور نماینده زن در هیئت مدیره و کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران و ارتباط آن با متغیرهای حسابداری

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۰

کد مقاله: ۵۲۰۸۲

علی محمد شریفی عارفی^{۱*}، محمدصادق زارع^۲،
نظامعلی وفایی^۳

چکیده

این تحقیق بر حسب هدف از نوع کاربردی، بر حسب بعد زمانی از نوع طولی، بر حسب نحوه گردآوری داده ها از نوع آرشیوی یا پس رویدادی، بر حسب ماهیت داده ها از نوع کمی و بر حسب منطق استدلالی قیاسی-استقرایی می باشد. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین حضور نماینده زن در هیئت مدیره و کیفیت سود شرکت ها است، از مدل رگرسیون چندمتغیره برای ارزیابی این رابطه استفاده می شود. در عین حال با توجه به اینکه ماهیت داده های این مطالعه، داده های ترکیبی است، مدل به کار گرفته شده یک مدل پانل چندمتغیره است. جامعه آماری این پژوهش کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند. در این پژوهش، صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس طی سال های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴ به مدت ۸ سال مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. روش گردآوری داده ها میدانی و آرشیوی می باشد روش نمونه گیری بر اساس حذف سیستماتیک (غربال گری) می باشد. نتایج نشان می دهد که حضور نماینده زن در هیئت مدیره، تأثیر معناداری بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت ها دارد. با توجه به ضریب متغیر حضور نماینده زن در هیئت مدیره که برابر با -0.0325 (علامت ضرایب منفی است) می باشد، می توان بیان نمود که رابطه معکوسی بین این متغیر و متغیر ارقام تعهدی اختیاری وجود دارد. یعنی اینکه با افزایش حضور نماینده زن در هیئت مدیره شرکت ها، ارقام تعهدی اختیاری شرکت ها کاهش می یابد، اما از آنجائی که در این پژوهش ارقام تعهدی اختیاری به عنوان جانشین معکوس متغیر کیفیت سود شرکت ها در نظر گرفته شده است، در نتیجه می توان بیان نمود که با افزایش حضور نماینده زن در هیئت مدیره شرکت ها، ارقام تعهدی اختیاری شرکت ها کاهش و در نتیجه کیفیت سود شرکت ها افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: نماینده زن، هیئت مدیره، کیفیت سود، بورس اوراق بهادار

۱- کارشناس ارشد حسابداری، کارشناس بازرسی مدیریت بانک کشاورزی همدان (مسئول مکاتبات)

Alimoammadsharifi@gmail.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری، کاربر ارشد کنترل اسناد بانک کشاورزی همدان

۳- کارشناس ارشد توسعه روستایی، کارشناس اعتباری بانک کشاورزی همدان

۱- مقدمه

تنوع جنسیتی^۱ در هیئت‌مدیره، بخش مهمی از نظام راهبری می‌باشد و مانند وجود ترکیبی از اعضای موظف و مستقل در هیئت‌مدیره، اهمیت دارد. از یک سو، مدیران اجرایی، سرمایه فکری خود را در شرکت، سرمایه‌گذاری می‌کنند و در نتیجه انگیزه شدیدی برای افزایش ارزش شرکت دارند (سریندی و همکاران، ۲۰۱۰). بحث‌های صورت گرفته در نظریه نهادی، این موضوع را آشکار می‌کند که هیئت‌مدیره‌های دارای تنوع جنسیتی، مشورت‌های آگاهانه بیشتری را انجام می‌دهند و اغلب موضوعاتی را که هیئت‌مدیره‌هایی که تماماً متشکل از مردان بوده، آن‌ها را بی‌اهمیت می‌پندارند، هیئت‌مدیره‌های دارای تنوع جنسیتی، آن‌ها را نیز به بحث می‌گذارند (مک اینرنی و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین مشارکت زنان در هیئت‌مدیره، اثربخشی ارتباطی هیئت‌مدیره به سرمایه‌گذاران را بهبود می‌بخشد (جوی، ۲۰۰۸). در مجموع، بحث‌های آگاهانه‌تر هیئت‌مدیره و مهارت‌های ارتباطی بهتر، توانایی نظارتی هیئت‌مدیره را بهبود می‌بخشد (ترجسن و همکاران، ۲۰۰۹). تعداد اعضای هیئت‌مدیره زن در شرکت‌های آمریکایی در ده سال گذشته، افزایش چشم‌گیری داشته است (روس، ۲۰۰۷). این رخداد این موضوع را نشان می‌دهد که حضور فزاینده زنان در هیئت‌مدیره شرکت‌ها برای شرکت‌ها ارزش افزایی دارد (سریندی و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، موجی از تغییرات قانونی در کشورهایی مانند نروژ وجود دارد که باید حداقل ۴۰ درصد اعضای هیئت‌مدیره زن باشند و همچنین در اسپانیا و سوئد باید به ترتیب ۴۰ درصد و ۲۵ درصد، اعضای هیئت‌مدیره آنان زن باشد، در غیر این صورت، جریمه‌هایی را در نظر گرفته‌اند (برک و وینینکوم، ۲۰۰۸). اما با این وجود، شواهد اندکی وجود دارد که این تغییرات در نسبت، جنسیت اعضای هیئت‌مدیره را، مستند کند. تنها تعداد اندکی از پژوهش‌ها نشان دادند، که اعضای هیئت‌مدیره زن، نقش نظارتی بهتری بر مدیران دارند (آدامس و فریرا، ۲۰۰۹). این نتایج به این موضوع اشاره می‌کنند که حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره می‌تواند کیفیت نظام راهبری شرکت را افزایش داده و در نهایت می‌تواند موجب بهبود کیفیت سود شرکت‌ها گردد.

۲- بیان مساله

متخصصان مالی، حقوق، محصولات و خدمات شرکت و سایرین، می‌توانند از طریق تنوع تخصص، برای شرکت ارزش افزایی داشته باشند. مدیران بین‌المللی به وسیله تجربیات فرهنگی متنوع، برای شرکت ارزش افزایی دارند. اعضای هیئت‌مدیره که در سایر شرکت‌ها نیز فعالیت می‌کنند، با استفاده از دیدگاه‌های متنوع می‌توانند برای شرکت، دانش افزایی داشته باشند. در نتیجه هر نوع تنوع در اعضای هیئت‌مدیره، می‌تواند برای شرکت، ارزش افزایی داشته باشد. به طور مشابه، اعضای هیئت‌مدیره زن، که انتظار می‌رود تجربیات متفاوتی از مردان داشته باشند و می‌توانند بحث‌های صورت گرفته در هیئت‌مدیره را بهبود بخشند (هیلمن و همکاران، ۲۰۰۷).

پژوهش‌های گذشته در مورد تنوع جنسیت، نشان می‌دهد که زنان از لحاظ مالی محافظه‌کارتر، از لحاظ اخلاقی موظف‌تر و ریسک‌گریزتر از مردان می‌باشند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). آدامز و فریرا^۵ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که مدیران زن تمایل بیشتری برای جذب در کمیته‌های نظارتی مانند کمیته حسابرسی داشته و حضور فعال‌تری دارند. زنان از سوال پرسیدن واهمه‌ای ندارند، در حالیکه مردان اغلب تصور می‌نمایند که همه چیز را می‌دانند (کانراد و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس مطالعات چن و همکاران^۴ (۲۰۱۶) رابطه منفی قوی بین حضور هیئت‌مدیره زن و احتمال دریافت اظهارنظر ضعف با اهمیت (کنترل داخلی) وجود دارد. نتایج آن‌ها نشان داد که مدیران زن فقط، انتخاب و گزینش نمی‌شوند و در واقع باعث سودمندی شرکت از لحاظ کیفیت کنترل‌های داخلی بهتر می‌شوند. بر اساس آنچه که گذشت، هیئت‌مدیره دارای عضو زن تمایل بیشتری به بحث در خصوص نتایج بالقوه داشته و تصمیمات لازم را در ارتباط با کنترل‌های داخلی ضعیف، که باعث کاهش ضعف در کنترل‌های داخلی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۶).

سپاسی و عبدلی (۱۳۹۴) شواهد مستقیمی را که وجود یک نماینده زن در هیئت‌مدیره به طور مستقیم بر ارزش شرکت بتواند اثر گذارد، به دست نیاوردند، ولی اثرات غیرمستقیمی مشاهده نمودند، بدین ترتیب که زنان در هیئت‌مدیره به طور مثبت بر عملکرد مالی (که به وسیله بازده دارایی‌ها و فروش اندازه‌گیری شده) اثر می‌گذارند و از این طریق ارزش شرکت را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (سپاسی و عبدلی، ۱۳۹۴).

1- Gender diversity

2- Srinidhi, B., Gul, F. A., & Tsui, J, (2011)

3- Rose, C. (2007).

4- Hillman, A. J., C. Shropshire, and A. A. Cannella, (2007)

5- Adams, R. B., & Ferreira, D, (2009)

6- Chen, Y., Eshleman, J., & Soileau, J, (2016)

ادبیات اخیر در حوزه حسابداری نشان می‌دهد که اعضای هیئت‌مدیره زن، تلاش بیشتری در نظارت کردن دارند و سعی در به دست آوردن پست‌هایی در کمیته حسابرسی و کمیته نظام راهبری دارند تا اینکه بتوانند بر گزارشگری شفاف و کیفیت سود نظارت بهتری داشته باشند. (آدامس و فریرا^۱ ۲۰۰۹) بحث می‌نمایند که اعضای هیئت‌مدیره زن، تفکر مستقل‌تری را نشان می‌دهند که می‌تواند موجب بهبود فرآیند نظارتی گردند. همچنین آن‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران مایل به اضافه شدن اعضای زن به هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌باشند (آدامس و همکاران^۲، ۲۰۱۰).

با اشاره به بحث‌های صورت گرفته می‌توان بیان نمود که، حضور نمایندگان زن در هیئت‌مدیره، می‌تواند نقش نظارتی هیئت‌مدیره را تقویت و با افزایش مهارت‌های ارتباطی، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد و در نهایت احتمالاً، کیفیت سود را بهبود بخشد. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره بر کیفیت سود است.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته در پایگاه‌های اطلاعاتی ایران داک و سیکا پژوهشی در این حوزه در کشور انجام نشده است. لذا پژوهش حاضر از نظر موضوع دارای نوع‌آوری می‌باشد. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند منجر به گسترش ادبیات حوزه نظام راهبری و کیفیت گزارشگری مالی گردد. از آنجا که در سال‌های اخیر توجه به موضوع سود و کیفیت سود گزارش شده فزونی یافته است، در نتیجه شواهد این پژوهش می‌تواند دیدگاه جدیدی درباره تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره و کیفیت سود ارائه دهد.

۴- اهداف تحقیق

هدف اصلی: هدف اصلی و کلی این تحقیق، بررسی رابطه حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها و ارتباط آن‌ها با متغیرهای حسابداری است.

هدف آرمانی: با استفاده از نتایج این تحقیق بتوان کمک مفیدی به سیاست‌گذاران اقتصادی در رابطه با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی انجام داد و همچنین ایشان از تأثیرات تصمیم‌های خود بر رفتار شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران آگاه ساخت.

هدف کاربردی: از آنجا که استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری شرکت‌ها همواره در تصمیم‌گیری‌های خود متغیرهای مالی و حسابداری شرکت‌ها را در نظر می‌گیرند، بنابراین نتایج این تحقیق می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها برای سرمایه‌گذاری در شرایط خاص اقتصادی و شرکت‌های مورد نظر برای سرمایه‌گذاری مفید باشد.

هدف فرعی: هدف فرعی این تحقیق، از آنجائی که در این پژوهش تنها یک فرضیه وجود دارد، بررسی رابطه حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها است.

۵- سوال پژوهش

همچنین هدف این پژوهش بررسی سوال زیر می‌باشد:

آیا بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

۶- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش: بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۷- مبانی نظری

۱-۷- مسئله نمایندگی

مسائل نمایندگی ریشه در این واقعیت دارد که سرمایه‌گذاران معمولاً مایل به ایفای نقشی فعال در مدیریت شرکت نیستند، لذا این مسئولیت را به مدیران محول می‌کنند. مادامی که هر یک از طرفین رابطه نمایندگی در پی حداکثر کردن منافع شخصی خود باشند و در صورتی که اعمال نظارت بر عملکرد نماینده نیز مستلزم صرف هزینه باشد. این امر دلیل قانع‌کننده‌ای برای طرح این ادعاست که نماینده ممکن است همواره در صدد تأمین منافع مالک نباشد به‌عنوان مثال شرکت قادر خواهد بود آورده سرمایه‌گذاران

1- Adams, R. B., & Ferreira, D., (2009)

2- Adams, R., S. Gray, and J. Nowland, (2010)

را برای تحصیل درآمد، پرداخت پاداش‌های گزاف و یا تصمیمات سرمایه‌گذاری و عملیاتی که مطابق با علایق سرمایه‌گذاران نیست را به کار گیرد. به گونه‌ای مشابه اگر پس‌اندازکنندگان اوراق بدهی شرکت را تحصیل کنند، شرکت قادر است با افزایش انتشار سهام ممتاز، پرداخت سود سهام یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های پرریسک، توانایی شرکت را در بازپرداخت بدهی‌ها کاهش دهد (پرت، ۲۰۰۷). جهت کاهش مسائل نمایندگی نیز چندین راهکار وجود دارد که برخی از آن‌ها بدین شرح است: نخست، توافقات در خصوص پاداش مدیران و قراردادهای بدهی باعث همسو شدن علایق مدیران، سهامداران خارجی و بستانکاران می‌شود. این قراردادها مدیران را ملزم به افشای اطلاعاتی می‌کند که سرمایه‌گذاران را در بررسی اینکه آیا مدیران طبق مفاد قرارداد عمل نموده‌اند یا خیر، یاری نماید. مکانسیم دوم در کاهش مسائل نمایندگی به نقش هیئت مدیره در همسو کردن منافع مدیران با مالکان اشاره می‌کند. نهایتاً واسطه‌های مالی مانند تحلیل‌گران مالی و بنگاه‌هایی که اقدام به تعیین رتبه شرکت‌ها می‌کنند از طریق بررسی اطلاعات خصوصی شرکت‌ها به کشف موارد استفاده نادرست از منابع می‌پردازد. بازار نیز از طریق کنترل شرکت سعی در کاهش چالش‌های نمایندگی و رفتارهای خصومت‌آمیز بین درون‌سازمانی‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی دارد (پرت، ۲۰۰۷). بنابراین از مهم‌ترین دلایل تقاضا برای افشا اطلاعات، مسائل نمایندگی و مشکل اطلاعات می‌باشد و افشای اطلاعات توسط مدیران، چه به صورت الزامی و چه به صورت اختیاری در جهت کاهش این مسائل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که افشای اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و همچنین بین افراد آگاه و ناآگاه برون‌سازمانی خواهد شد (چن، ۲۰۰۸).

۲-۷- حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره

بسیاری از این پژوهش‌ها نقش هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی را به‌عنوان ناظر بر گزارشگری مالی بررسی نموده‌اند. این مطالعات از تئوری نمایندگی نشأت می‌گیرند. این مطالعات بر این موضوع اشاره دارد که استقلال اعضای هیئت‌مدیره یک شاخص مهم و اساسی در ایجاد محیط نظارتی موثر و در نتیجه کاهش اشتباه در فعالیت‌های هیئت‌مدیره می‌گردد. مطالعات قبلی استقلال اعضای هیئت‌مدیره را با فقدان وابستگی مالی یا خانوادگی با شرکت و یا مدیران شرکت که رابطه معکوس بین نسبت اعضای هیئت‌مدیره و احتمال تقلب در صورت‌های مالی وجود دارد این نتایج مغایر، به این معنی است که استقلال ذهنی و اثربخشی نظارت به حوزه‌ای بیش از حوزه تضاد منافع مربوط است (ابوت و همکاران، ۲۰۱۲). این بحث‌ها باعث شد تا مسیری برای توجه به عوامل دیگری که بر یک نظارت اثربخش تاثیرگذار هستند، ایجاد شود. تعداد اندکی از پژوهش‌های گذشته تأثیر متغیرهایی همچون تعامل بین اعضای هیئت‌مدیره و عواملی که ممکن است نظام راهبری را تحت تأثیر قرار دهند را بررسی نموده‌اند. یک عامل بالقوه که هم بر پویایی هیئت‌مدیره و هم بر استقلال آن تاثیرگذار است، تنوع هیئت‌مدیره است. حضور یک زن در هیئت‌مدیره می‌تواند موجب غیرهمگنی گردد (آدامز و فریرا، ۲۰۰۹). در این پژوهش یک معیار تنوع در هیئت‌مدیره (حضور یا عدم حضور یک نماینده زن در هیئت‌مدیره) مطالعه می‌شود. تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره به صورت بالقوه می‌تواند استقلال در تفکر را از طریق کاهش گرایش به تفکر گروهی در سطح هیئت‌مدیره کاهش دهد. تفکر گروهی به‌عنوان نوعی از تفکر تعریف می‌شود که افراد زمانی به آن می‌پردازند که در گروه‌های به شدت همگنی حضور داشته باشند. حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره (تنوع جنسیتی) می‌تواند این گروه‌های به شدت همگن (اعضای هیئت‌مدیره که تماماً از مردان تشکیل شده‌اند) در هیئت‌مدیره را از بین ببرد (ابوت و همکاران، ۲۰۱۲). تنوع جنسیتی در پژوهش‌های روانشناسی و اجتماعی بسیار مطرح می‌شود. در ادبیات جامعه‌شناسی ادعا بر این است که فرآیند تصمیم‌گیری در گروه‌های ناهمگن مزایای بسیاری دارد. نتایج پژوهش‌های قبلی نشان داده است که گروه‌های ناهمگن، راه حل‌های متنوع بیشتری برای اجرای فعالیت‌ها ارائه نموده‌اند و این امر منجر به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و تشریک مساعی گردیده است (یومانس و همکاران، ۲۰۰۸).

یک بحث این است که تنوع جنسیت، تفکر گروهی را کاهش و موجب افزایش استقلال هیئت‌مدیره می‌شود. این موضوع بدین دلیل است که ناهمگنی ایجاد شده توسط تنوع جنسیت، موجب افزایش مزایای تصمیم‌گیری گروهی می‌شود. ناهمگنی گروه فضایی ایجاد می‌کند که در آن موجب افزایش ارتباطات و در نظر گرفتن دیدگاه‌های متنوع می‌شود. این فضا موجب به وجود آمدن بحث‌های بیشتر و در نتیجه ایجاد راه‌حل‌های متنوع درباره موضوعات و در نهایت منجر به اخذ تصمیماتی با کیفیت بالا می‌شود (ابوت و همکاران، ۲۰۱۲). گروه‌های دارای تنوع جنسیتی، فرآیند تصمیم‌گیری با مشارکت بالایی را دارند. به گفته ابوت و همکاران (۲۰۱۲) تصمیم‌گیری آهسته‌تر و با تشریک مساعی بیشتر، ممکن هست مفید باشد و هم منجر به از دست دادن فرصت‌ها و گزینه‌ها گردد (ابوت و همکاران، ۲۰۱۲).

آدامز و فریرا (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که: (۱) احتمال اینکه اعضای زن هیئت‌مدیره مشکل عدم حضور در جلسات را داشته باشند، ۲۹ درصد کمتر از اعضای مرد هیئت‌مدیره است. (۲) زمانی که نسبت تعداد اعضای زن هیئت‌مدیره افزایش می‌یابد، مشکل عدم حضور اعضای مرد هیئت‌مدیره در جلسات کمتر می‌گردد. (۳) زمانی که هیئت‌مدیره دارای تنوع جنسیتی است، شرکت‌ها اعضای هیئت‌مدیره خود را بیشتر با پرداخت مبتنی بر عملکرد^۲ تشویق می‌نمایند. (۴) شرکت‌های دارای هیئت‌مدیره متنوع (تنوع جنسیتی)، جلسات بیشتری را برگزار می‌کنند.

۷-۳- ارتباط بین حضور زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود

ادبیات روانشناسی، علوم اجتماعی و مدیریت به تفاوت‌های موجود در جنسیت اشاره کرده‌اند. به‌عنوان نمونه برخی از این تفاوت‌ها در عملکرد شناختی^۳، مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری، تشریک مساعی، فرآیند محوری و سبک‌های رهبری است. با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، مطالعات اخیر نظام راهبری، تأثیر حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی شرکت‌ها را بررسی کرده و نشان داده‌اند که تنوع جنسیتی کاربردهایی را برای نظام راهبری داشته و می‌تواند عامل بالقوه‌ای در پویایی و استقلال هیئت‌مدیره باشد (هامبریک، چو و چن^۴، ۱۹۹۶). در این راستا نظریه‌پردازان نمایندگی بیان می‌نمایند که اثربخشی کمیته حسابرسی به انسجام گروهی وابسته است و تنوع جنسیتی ممکن است پویایی گروه کوچک را که منجر به تشکیل اکثریت و اقلیت در گروه می‌شود را از بین ببرد. در مقابل استدلال فوق، مخالفان تئوری نمایندگی معتقدند که حضور زنان و تنوع جنسیتی در ترکیب هیئت‌مدیره و حضور افرادی با تجارب و دیدگاه‌های مختلف می‌تواند هیئت‌مدیره را به منظور طیف گسترده‌ای از موضوعات حسابداری کمک کند (گال، سیریندی و اینجی^۵، ۲۰۱۱).

حسینی و دستگیر (۱۳۹۵) هم نشان دادند که هرچه مولفه‌های راهبری شرکتی در یک شرکت قوی‌تر باشند، کیفیت گزارشگری مطلوب‌تر و احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی کمتر است. در زمینه گزارشگری مالی، شواهد موجود نشان می‌دهد که حضور هیئت‌مدیره زن باعث افزایش کیفیت اقلام تعهدی (سرنیدی و همکاران، ۲۰۱۱) و تجدید ارائه‌های حسابداری کمتر می‌گردد. این امر با یافته‌های گل و همکاران (۲۰۱۱) سازگار است. به گفته آن‌ها اعضای هیئت‌مدیره زن، از افشاءسازی با کیفیت بالا به‌عنوان سازوکار نظارت برای بازبینی مدیران ارشد استفاده می‌نمایند. شواهد بیشتر را می‌توان در پژوهش گل و همکاران^۶ (۲۰۱۳) مشاهده نمود که نشان دادند، هیئت‌مدیره دارای تنوع جنسیتی بالا، دارای صحت پیش‌بینی تحلیلی بالا و پراکندگی کمتری است. در کل بر اساس پژوهش‌های پیشین، حضور هیئت‌مدیره زن باعث بهبود کیفیت حسابداری و کیفیت افشاءگری می‌گردد (گل و همکاران، ۲۰۱۳). آدامس و همکاران^۷ (۲۰۱۰) بحث می‌نمایند که اعضای هیئت‌مدیره زن، تفکر مستقل‌تری را نشان می‌دهند که می‌تواند موجب بهبود فرآیند نظارتی گردند. همچنین آن‌ها نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران مایل به اضافه شدن اعضای زن به هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌باشند. با اشاره به بحث‌های صورت گرفته می‌توان بیان نمود که، حضور نمایندگان زن در هیئت‌مدیره، می‌تواند نقش نظارتی هیئت‌مدیره را تقویت و با افزایش مهارت‌های ارتباطی، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد و در نهایت احتمالاً، کیفیت سود را بهبود بخشد.

۸- پیشینه پژوهش

صالحی و همکاران (۱۳۹۵: ۶۵) به نقل از لیون و همکاران، ۱۹۹۳ و پاول و انیسک، ۱۹۹۷ بیان می‌نمایند که پژوهش‌های گذشته در مورد تنوع جنسیت، نشان می‌دهد که زنان از لحاظ مالی محافظه‌کارتر، از لحاظ اخلاقی موظف‌تر و ریسک‌گریزتر از مردان می‌باشند. صالحی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی می‌پردازند. این ویژگی‌ها شامل تخصص مالی، تجربه، جنسیت، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی است. در این راستا تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر تأخیر گزارش حسابرسی در بازه زمانی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج بر اساس ۵۴ شرکت از طریق داده‌های ترکیبی به روش تابلویی، رابطه معناداری بین وجود کمیته حسابرسی و تأخیر گزارش حسابرسی نشان نمی‌دهد. آن‌ها در ادامه تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر تأخیر گزارش حسابرسی در بازه زمانی بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ مورد آزمون قرار

1- Adams, R. B., & Ferreira, D., (2009)

2- Pay-For-Performance

3- Cognitive functioning

4- Hambrick, D., Cho, T., and Chen, M. (1996)

5- Gul, F.A., Srinidhi, B., and Ng, A.C. (2011)

6- Gul, F. A., Hutchinson, M., & Lai, K. M. Y., (2013)

7- Adams, R., S. Gray, and J. Nowland, (2010)

دادند. نتایج حاصل از بررسی ۱۴۲ شرکت از طریق داده‌های ترکیبی به روش تابلویی، بیانگر آن است که بین تخصص مالی و تجربه کمیته حسابرسی با تأخیر گزارش حسابرسی، رابطه معنادار منفی وجود دارد. درحالی‌که رابطه دیگر ویژگی‌های کمیته حسابرسی با تأخیر گزارش حسابرسی معنادار نیست.

سپاسی و عبدلی (۱۳۹۴) بیان می‌دارند، شواهد مستقیمی که وجود یک نماینده زن در هیئت‌مدیره به طور مستقیم بر ارزش شرکت بتواند اثر گذارد، به دست نیامده است. با این حال، اثرات غیرمستقیمی مشاهده شده است، بدین‌ترتیب که زنان در هیئت‌مدیره به طور مثبت بر عملکرد مالی (که به وسیله بازده داراییها و فروش اندازه‌گیری شده) اثر می‌گذارند و به طور کلی بیانگر این است که زنان در هیئت‌مدیره بر عملکرد مالی (که به نوبه خود مرتبط با ارزش شرکت است) اثر می‌گذارند و از این طریق ارزش شرکت را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. نقطه ضعف این پژوهش این می‌باشد که آن‌ها بهتر بود رابطه بین ارزش شرکت و عملکرد مالی را در پژوهش خود آزمون می‌کردند و سپس اقدام به نتیجه‌گیری بر تأثیر غیرمستقیم حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره بر ارزش شرکت می‌کردند.

بیابانی و گرکز (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین حضور مدیران زن در هیئت‌مدیره با عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که، حضور مدیران زن در هیئت‌مدیره با بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه مثبت و معناداری دارد و نیز با نسبت Q توبین و فروش رابطه معناداری ندارد. آدامز و همکاران^۱ (۲۰۱۰) با توجه به پژوهش‌های انجام شده، استدلال می‌کنند که، مدیران زن دارای تفکرات مستقل‌تری نسبت به مدیران مرد می‌باشند و روند نظارت را بهبود می‌بخشند. همچنین یافته‌اند که، سرمایه‌گذاران ارزش بالایی نسبت به مدیران زن قائلند. آن‌ها معتقدند که، ارائه اطلاعات با حداقل میزان عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود را تسهیل می‌نماید. اما برخی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی به طور قطع به بهبود عملکرد شرکت یاری نمی‌رساند.

آدامز و همکاران^۲ (۲۰۰۹) بیان نموده‌اند، به طور متوسط اثر مدیران زن بر عملکرد شرکت‌ها منفی می‌باشد. با این حال، یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که تنوع جنسیتی در شرکت‌های بزرگ که با اداره و مدیریت ضعیف مواجه هستند ممکن است به بهبود عملکرد مالی دست یابند. هووس و همکاران^۳ (۲۰۰۶) بیان نموده‌اند که، حضور زنان در هیئت‌مدیره می‌تواند، رفتار هیئت‌مدیره و اثربخشی آن را بهبود ببخشد تنها به این دلیل که، زنان در هیئت‌مدیره شرکت‌های بزرگ تمایل بیشتری برای حضور در جلسات هیئت نسبت به جنس مخالف خود دارند.

۹- روش تحقیق

این تحقیق بر حسب هدف از نوع کاربردی، بر حسب بعد زمانی از نوع طولی، برحسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع آرشیوی یا پس‌رویدادی، بر حسب ماهیت داده‌ها از نوع کمی و بر حسب منطق استدلالی قیاسی-استقرایی می‌باشد. پژوهش کاربردی: پژوهش کاربردی، تلاشی در جهت پاسخ به یک مساله مطرح در دنیای واقعی انجام می‌شود. نتایج این نوع پژوهش ممکن است در یک سازمان و یا صنعت خاصی مورد استفاده قرار بگیرد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش طولی: در پژوهش طولی، داده‌های مورد مطالعه طی زمان (چند سال)، گردآوری و مورد تحلیل قرار می‌گیرد (طیبی و همکاران، ۱۳۹۲).

پژوهش آرشیوی یا پس‌رویدادی: این نوع پژوهش، به معنای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از طریق مراجعه به کتاب‌ها، بانک‌ها اطلاعاتی، گزارش‌های مالی و مرور بر پژوهش‌ها می‌باشد (طیبی و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهش از نوع کمی: در این نوع پژوهش، پژوهش داده‌های موجود در خصوص متغیرها و پدیده‌ها را فقط گردآوری می‌کند (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

پژوهش قیاسی و استقرایی: رویکرد قیاسی حرکت از کل (تئوری‌های مطرح و فرض‌های اولیه) به جزء (رویه‌های قابل اجرا) و رویکرد استقرایی، حرکت از جزء (مشاهدات متعدد) به کل (نظریه تعمیم یافته) است (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

۹-۱- جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند.

۹-۲- قلمرو موضوعی، مکانی و زمانی

1- Adams, R., S. Gray, and J. Nowland, (2010)

2- Adams, R. B., & Ferreira, D., (2009)

3- Huse, M., and Solberg, A. (2006).

قلمرو موضوعی پژوهش، بررسی رابطه بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

قلمرو مکانی پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

در این پژوهش، صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴ به مدت ۸ سال مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب این دوره زمانی برای پژوهش، در اختیار نداشتن داده‌های مورد استفاده برای پژوهش در قبل از سال ۱۳۸۷ بود که موجب محدود شدن تعداد شرکت‌های استفاده شده در این پژوهش می‌شد و بسیاری از شرکت‌های مورد مطالعه حذف می‌شدند. همچنین تا زمان تهیه و گردآوری داده‌های این پژوهش، بسیاری از شرکت‌ها، صورت‌های مالی خود مربوط به سال ۱۳۹۵ را منتشر نکرده بودند.

۹-۳- روش و ابزار گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها میدانی و آرشیوی^۱ می‌باشد.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار و شرکت‌های مربوطه می‌باشد.

۹-۴- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها است، از مدل رگرسیون چندمتغیره برای ارزیابی این رابطه استفاده می‌شود. در عین حال با توجه به اینکه ماهیت داده‌های این مطالعه، داده‌های ترکیبی است، مدل به‌کار گرفته شده یک مدل پانل چندمتغیره است.

۹-۵- نمونه و روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری بر اساس حذف سیستماتیک (غربال‌گری) می‌باشد. این بدین مفهوم می‌باشد که برای جامعه آماری معیارهایی تعریف می‌شود و شرکت‌هایی که فاقد آن معیارها باشند از نمونه کنار گذاشته شده و تنها شرکت‌هایی که مشخصات زیر داشته باشند به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شوند (حسینی و دستگیر، ۱۳۹۵):

۱. شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار در قلمرو زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴
۲. جزء بانک‌ها و موسسات مالی نباشند.
۳. پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
۴. در طول دوره زمانی مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده‌اند.
۵. اطلاعات آن‌ها برای محاسبه متغیرهای پژوهش جامع و کامل باشد.

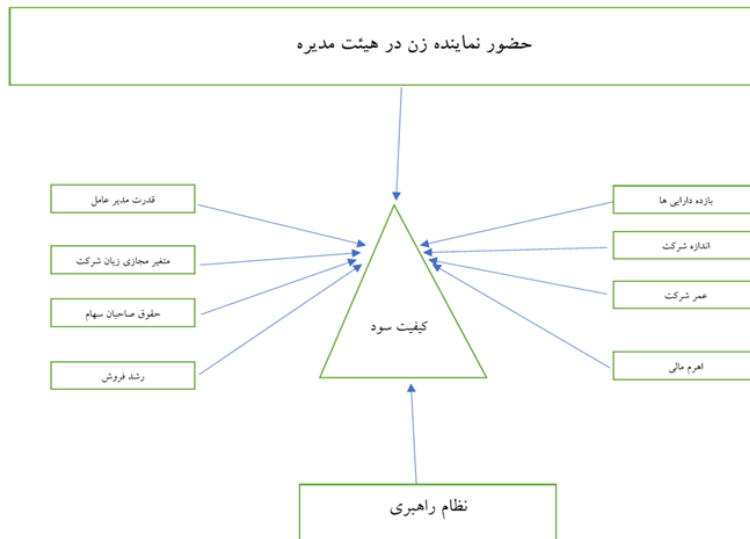
جدول ۱- فرآیند غربال‌گری شرکت‌های عضو نمونه در بازه زمانی پژوهش

تعداد شرکت	شرح
۴۸۹	تعداد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس در پایان سال ۱۳۹۴
۵۷	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.
۱۳۶	تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۸۷ در بورس پذیرفته شده‌اند.
۳۳	تعداد شرکت‌هایی که جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.
۱۲۷	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش فعال نبوده‌اند و یا این که اطلاعات مورد نیاز آن‌ها در دسترس نمی‌باشد.
۳۵۳	تعداد کل شرکت‌هایی که حذف شدند.
۱۳۶	تعداد شرکت‌های عضو نمونه

^۱ Archival

۹-۶- مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی این پژوهش به شرح زیر ترسیم می‌شود:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره زیر که توسط سریندی و همکاران (۲۰۱۱) معرفی شده است، استفاده می‌شود:

$$AEE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FP_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LnAGE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 SGROWTH_{i,t} + \beta_7 LN MVE_{i,t} + \beta_8 DLoss_{i,t} + \beta_9 CEO POWER_{i,t} + \beta_{10} CGboard_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه پژوهش، به ضریب β_1 توجه می‌شود.

برای اندازه‌گیری کیفیت سود، از مدل دجو و دیچف (۲۰۰۲) استفاده خواهد شد:

$$AC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta R_{i,t} + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t-1} + \beta_4 CFO_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t}$$

۱۰- متغیرهای پژوهش

جدول ۲- متغیرهای مدل آزمون فرضیه پژوهش

ردیف	نام متغیر	نماد متغیر	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
۱	اقدام تعهدی اختیاری	AEE	وابسته	با استفاده از مدل دجو و دیچف (۲۰۰۲) اندازه‌گیری می‌شود.
۲	حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره	FP	مستقل	برابر با عدد یک، اگر حداقل یک نماینده زن در هیئت‌مدیره وجود داشته باشد، در غیر اینصورت برابر با عدد صفر
۳	بازده دارایی‌ها	ROA	کنترلی	نسبت سود قبل از اقلام غیرعادی تقسیم بر جمع دارایی‌ها
۴	اندازه شرکت	SIZE	کنترلی	لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها
۵	عمر شرکت	LnAGE	کنترلی	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تاسیس
۶	اهرم مالی	LEV	کنترلی	نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها
۷	رشد فروش	SGROWTH	کنترلی	فروش در سال جاری منهای فروش در سال قبل تقسیم بر فروش در سال قبل
۸	حقوق صاحبان سهام	LN MVE	کنترلی	لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت
۹	متغیر مجازی زبان شرکت	DLoss	کنترلی	برابر با عدد یک، اگر شرکت دارای زبان باشد، در غیر اینصورت برابر با عدد صفر
۱۰	قدرت مدیر عامل	CEO POWER	کنترلی	برابر با عدد یک، اگر مدیر عامل، رییس هیئت‌مدیره نیز باشد، در غیر اینصورت برابر با عدد صفر
۱۱	نظام راهبری	CGboard	کنترلی	بر اساس میانگین متغیرهای زیر محاسبه می‌شود: تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، تعداد و استقلال اعضای هیئت‌مدیره و دوگانگی وظیفه مدیر عامل

جدول ۳- متغیرهای مدل دجو و دیچف (۲۰۰۲)

۱	جمع اقلام تعهدی	AC	کنترلی	سود عملیاتی منهای جریان وجه نقد عملیاتی تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره
۲	تغییرات درآمد	ΔR	کنترلی	درآمد سال جاری منهای درآمد سال قبل تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره
۳	دارایی‌های ثابت	PPE	کنترلی	ناخالص اموال و ماشین آلات تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره
۴	جریان نقدی	CFO	کنترلی	برابر با جریان‌های نقدی عملیاتی است تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرایندی چند مرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که به طرق مختلف جمع‌آوری شده‌اند خلاصه، دسته‌بندی و در نهایت پردازش می‌شوند تا زمینه برقراری انواع تحلیل‌ها و ارتباط بین داده‌ها به‌منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در این فرایند، داده‌ها هم از لحاظ مفهومی و هم از جنبه تجربی پالایش می‌شوند و تکنیک‌های گوناگون آماری نقش به‌سزایی در استنتاج‌ها و تعمیم نتایج به عهده دارند. در این فصل، اطلاعات مربوط به ۱۳۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۴ که نمونه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند از منابع مختلفی از جمله سایت بورس اوراق بهادار، سایت مدیریت پژوهش و توسعه مطالعات اسلامی بورس اوراق بهادار و با کمک نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده و بعد به صفحه گسترده اکسل انتقال یافته و با کمک نرم‌افزار اویوز^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا ارتباط بین متغیرها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی شود.

از آنجایی که در این پژوهش چندین متغیر مستقل و کنترلی و تنها یک متغیر وابسته وجود دارد برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$AEE_{it} = \beta_0 + \beta_1 FP_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LnAGE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 SGROWTH_{it} + \beta_7 LN MVE_{it} + \beta_8 DLoss_{it} + \beta_9 CEO POWER_{it} + \beta_{10} CGboard_{it} + \varepsilon_{it}$$

جهت آشنایی و شناخت بیشتر جامعه آماری مورد مطالعه، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. همچنین پیش‌فرض‌های لازم مانند توزیع نرمال داده‌ها، همسانی واریانس، عدم وجود همخطی، تشخیص الگوی مناسب و بهینه جهت برآورد مدل، عدم خودهمبستگی و معنادار بودن کل مدل جهت استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره مورد آزمون و بررسی قرار خواهد گرفت و با توجه به نتایج به دست آمده نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل و واکاوی قرار خواهد گرفت. نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش جهت پاسخگویی به سوالات پژوهش و سنجش ارتباط میان متغیرهای مستقل با متغیر پاسخ مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۱- شاخص‌های توصیفی متغیرها

شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش حاضر، تلفیقی از سری‌های زمانی و مقطعی در دوره زمانی ۸ ساله پژوهش بوده و تعداد مشاهدات سال - شرکت و بر اساس داده‌های ترکیبی متوازن، ۱۰۸۸ مشاهده می‌باشد که جهت آشکار شدن ماهیت داده‌های پژوهش آمار توصیفی آن‌ها در جدول ۴ ارائه شده است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، در جدول ۴ ارائه شده است. میانگین و میانه متغیر اقلام تعهدی اختیاری به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰۹ و -۰/۰۰۲۲ می‌باشد. همچنین خطای استاندارد این متغیر برابر با ۰/۰۸۲۷ است که نشان از توزیع تقریباً نرمال این متغیر دارد. از آنجایی که متغیر حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره یک متغیر دو وجهی می‌باشد، حداکثر و حداقل این متغیر به ترتیب برابر با ۱/۰۰۰۰ و ۰/۰۰۰۰ می‌باشد. میانگین این متغیر برابر با ۰/۰۶۰۷ است. حداقل متغیر بازده دارایی‌ها برابر با -۰/۰۶۱۷ است. این موضوع بدین مفهوم است که در بین شرکت‌های نمونه، شرکتی وجود داشته است که زیان داشته است. میانگین متغیرهای لگاریتم طبیعی اندازه شرکت و عمر شرکت، به ترتیب برابر با ۱۳/۵۷۳۷ و ۳/۵۵۲۲ می‌باشد. حداقل متغیر رشد فروش برابر با -۰/۳۰۴۱ است. این موضوع بدین مفهوم است که در بازه زمانی پژوهش، شرکت/شرکت‌هایی وجود داشته‌اند که فروش آن‌ها نسبت به دوره قبل کاهش داشته است. متغیرهای زیان شرکت، قدرت مدیرعامل و نظام راهبری، متغیرهای دو وجهی بوده‌اند که حداقل و حداکثر آن‌ها برابر با ۱/۰۰۰۰ و ۰/۰۰۰۰ می‌باشد.

جدول ۴- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	خطای استاندارد	تعداد مشاهده
وابسته	اقدام تعهدی اختیاری	AEE	-۰/۰۰۰۹	-۰/۰۰۲۲	۰/۱۶۱۶	-۰/۱۵۹۷	۰/۰۸۳۷	۱۰۸۸
مستقل	حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره	FP	۰/۰۶۰۷	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۲۳۸۹	۱۰۸۸
مستقل	بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۱۴۳	۰/۰۰۹۸	۰/۳۳۹۲	-۰/۰۶۱۷	۰/۱۰۶۱	۱۰۸۸
کنترلی	اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۵۷۳۷	۱۳/۴۶۶۱	۱۶/۱۴۳۵	۱۱/۶۴۳۷	۱/۱۸۷۹	۱۰۸۸
کنترلی	عمر شرکت	LnAGE	۳/۵۵۲۲	۳/۶۸۸۹	۳/۹۸۹۰	۲/۷۷۲۶	۰/۳۵۶۳	۱۰۸۸
کنترلی	اهرم مالی	LEV	۰/۶۱۱۹	۰/۶۳۰۹	۰/۸۱۵۵	۰/۲۹۳۱	۰/۱۵۷۶	۱۰۸۸
کنترلی	رشد فروش	SGROWTH	۰/۱۹۵۲	۰/۱۶۸۶	۰/۸۳۵۲	-۰/۳۰۴۱	۰/۲۸۰۳	۱۰۸۸
کنترلی	حقوق صاحبان سهام	LN MVE	۱۳/۰۵۳۸	۱۳/۰۲۱۱	۱۵/۷۴۶۸	۱۰/۹۴۱۲	۱/۳۲۴۹	۱۰۸۸
کنترلی	متغیر مجازی زیان شرکت	DLoss	۰/۱۰۲۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۳۰۴۰	۱۰۸۸
کنترلی	قدرت مدیر عامل	CEO POWER	۰/۲۱۴۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۰۴	۱۰۸۸
کنترلی	نظام راهبری	CGboard	۰/۶۵۵۵	۰/۶۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۲۰۰۰	۰/۱۲۶۶	۱۰۸۸

۱۰-۳- بررسی پایایی (ایستایی) متغیرهای پژوهش

قبل از برآورد مدل، ابتدا باید پایایی متغیرهای پژوهش را مورد بررسی قرار داد. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. آزمون‌های پایایی از جمله مهمترین آزمون‌ها برای برآورد یک رگرسیون با ضرایب قابل اعتماد است. در تعیین پایایی داده‌های پانلی، آزمون‌های متفاوتی وجود دارد. در این پژوهش برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو (LLCH) استفاده شده است. در جدول ۵ نتایج به دست آمده از آزمون پایایی لوین، لین و چو ارائه شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	آماره لوین، لین و چو (LLCH) (Statistic)	احتمال آماره لوین، لین و چو (Prob) (LLCH)
اقدام تعهدی اختیاری	AEE	-۱۹/۰۱۵۳	۰/۰۰۰۰
حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره	FP	-۲/۰۷۲۵	۰/۰۱۹۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۸۳/۸۴۲۱	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۱/۷۸۳۱	۰/۰۰۲۲
عمر شرکت	LnAGE	-۱۶۴/۲۷۹۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۴۵۰/۰۳۴۰	۰/۰۰۰۰
رشد فروش	SGROWTH	-۳۲/۱۹۹۳	۰/۰۰۰۰
حقوق صاحبان سهام	LN MVE	-۳۹۱۲۲/۲	۰/۰۰۰۰
متغیر مجازی زیان شرکت	DLoss	-۴/۶۲۸۰	۰/۰۰۰۰
قدرت مدیر عامل	CEO POWER	-۵/۹۸۶۸	۰/۰۰۰۰
نظام راهبری	CGboard	-۷/۱۶۵۷	۰/۰۰۰۰

با توجه به جدول فوق نتایج آزمون حاکی از آن است که کلیه متغیرهای پژوهش در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در طی قلمرو زمانی پژوهش در سطح پایا بوده‌اند. بنابراین نتایج حاصل از روش آماری مدل‌های رگرسیونی پژوهش قابل اعتماد است.

۱۰-۴- آزمون ناهمسانی واریانس

از دیگر پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون خطی این بود که جملات پسماند رگرسیون دارای واریانس همسان باشند. از میان روش‌های متعدد برای کشف ناهمسانی واریانس، در این پژوهش از آزمون براش-پاگان و گادفری^۱ استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۶- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

شماره مدل	آماره آزمون	احتمال (Prob)	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۱/۳۸۹۱	۰/۱۸۰۴	ناهمسانی واریانس وجود دارد

نتایج به دست آمده در جدول ۶ نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری در آزمون مذکور که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است لذا آزمون مذکور برای مدل رگرسیون خطی حاکی از ناهمسانی واریانس است و ملاحظه گردید که برآورد مدل باید به روش حداقل مربعات تعمیم یافته صورت پذیرد.

۱۰-۵- آزمون همخطی

یکی از فرض‌های اولیه در تخمین مدل‌های رگرسیون چند متغیره عدم وجود همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی است. همبستگی خطی بین متغیرهای توضیحی، همخطی^۲ نام دارد (سوری، ۱۳۹۴). طبیعی است که همواره بین متغیرهای توضیحی، مقداری همبستگی (بین صفر تا یک) وجود داشته باشد. اما چنانچه بین متغیرهای توضیحی همبستگی شدیدی وجود داشته باشد، نتایج مدل رگرسیون با خلل همراه خواهد شد و مشکلاتی در تخمین پارامترها ایجاد می‌شود. همخطی بین متغیرهای توضیحی در مدل‌های چند متغیره موجب می‌شود که ضرایب متغیرهای توضیحی بی معنی شوند. در حالت وجود همخطی علی رغم عدم معنی‌داری ضرایب، R^2 مدل بزرگ خواهد شد و این نتایج متناقض دارای تورش و عدم کارایی خواهد بود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵). در این پژوهش برای بررسی وجود وابستگی خطی بین متغیرهای مستقل در پژوهش حاضر از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. جدول ۷ نتایج بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۷- بررسی همخطی میان متغیرهای مستقل پژوهش

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش			آماره همخطی ^۳
نام متغیر	نماد متغیر	VIF	آماره همخطی ^۳
اقدام تعهدی اختیاری	AEE	متغیر وابسته	
حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره	FP	۱/۰۳۹۰	
بازده دارایی‌ها	ROA	۳/۴۲۳۹	
اندازه شرکت	SIZE	۴/۷۹۴۴	
عمر شرکت	LnAGE	۱/۰۸۸۲	
اهرم مالی	LEV	۲/۲۰۹۷	
رشد فروش	SGROWTH	۱/۱۳۲۴	
حقوق صاحبان سهام	LN MVE	۳/۷۱۶۹	
متغیر مجازی زیان شرکت	Dloss	۱/۴۲۳۱	
قدرت مدیر عامل	CEO POWER	۱/۶۵۵۰	
نظام راهبری	CGboard	۱/۶۹۶۹	

1- Breusch-Pagan-Godfrey

۲- Collinearity

۳- Collinearity Statistics

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۶-۱ مشاهده می‌شود که آماره VIF کمی از یک بالاتر است که همخطی ضعیفی را بین متغیرهای مستقل پژوهش نشان می‌دهد. از طرفی این مقدار بین بازه بهینه پیش‌فرض که کمینه آن ۱ و بیشینه آن کوچکتر از ۵ بوده قرار دارد که در حالت کلی عدم همخطی بین متغیرهای مستقل پژوهش را نشان می‌دهد.

۱۰-۶- آزمون انتخاب الگو (F لیمر و هاسمن)

در این پژوهش برای آنکه بتوان مشخص نمود که استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون F لیمر و در صورت استفاده از روش داده‌های پانل، به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸- آزمون انتخاب الگو

نام آزمون	مقدار آماره	سطح احتمال	نتیجه آزمون
F لیمر	۳/۴۶۱۴	۰/۰۰۰۰	داده‌های تابلویی
هاسمن	۱۳/۴۷۱۰	۰/۰۰۰۰	اثرات تصادفی

از آنجائی که سطح احتمال به دست آمده برای آزمون F لیمر برابر با ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر آزمون F لیمر پذیرفته می‌شود. یعنی استفاده از داده‌های تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی) بر استفاده از داده‌های تلفیقی ارجحیت دارد. در نتیجه نیاز به اجرای آزمون هاسمن وجود دارد. نتیجه آزمون هاسمن نشان داد که برآورد مدل به روش اثرات ثابت می‌تواند نتایج بهتری نسبت به اثرات تصادفی داشته باشد.

۱۱- آزمون فرضیه پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش، رگرسیون چند متغیر خطی برآورد شد که نتایج آن در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۹- ضرایب و برآورد مدل رگرسیونی فرضیه پژوهش

شخص‌های آماری	نماد متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره t (Prob)	نام متغیرها
حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره	FP	-۰/۰۳۲۵	۰/۰۱۶۳	-۱/۹۹۶۳	۰/۰۴۶۳	
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۰۲۱	۰/۰۶۵۷	-۰/۰۳۲۵	۰/۹۷۴۰	
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۲۵	۰/۰۱۱۶	-۱/۰۷۴۱	۰/۲۸۳۲	
عمر شرکت	LnAGE	۰/۱۴۷۳	۰/۰۶۷۳	۲/۱۸۸۹	۰/۰۲۸۹	
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۶۴۹	۰/۰۴۱۵	۱/۵۶۴۷	۰/۱۱۸۱	
رشد فروش	SGROWTH	۰/۰۱۸۴	۰/۰۱۰۰	۱/۸۲۶۳	۰/۰۶۸۳	
حقوق صاحبان سهام	LN MVE	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۶۵	۰/۳۵۹۲	۰/۷۱۹۵	
متغیر مجازی زیان شرکت	Dloss	۰/۰۱۶۵	۰/۰۱۱۶	۱/۴۱۶۹	۰/۱۵۷۰	
قدرت مدیر عامل	CEO POWER	-۰/۰۱۵۱	۰/۰۱۳۲	-۱/۱۴۴۹	۰/۲۵۲۷	
نظام راهبری	CGboard	-۰/۰۲۰۴	۰/۰۴۷۲	-۰/۴۳۳۰	۰/۶۶۵۱	
مقدار ثابت	C	-۰/۳۲۷۴	۰/۱۸۴۶	-۱/۷۷۳۱	۰/۰۷۶۷	
ضریب تعیین R ²	ضریب تعیین تعدیل شده R ²	احتمال آماره F (Prob)	آماره F	دوربین-واتسون	آماره	
۰/۴۱۹۱	۰/۳۰۲۲	۰/۰۰۰۰	۳/۵۸۶۲	۱/۹۶۴۹		

۱۲- نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱۲-۱- نتیجه آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش به صورت زیر بیان شده بود:

بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه باید به نتایج آماری متغیر FP توجه شود. با توجه به مقدار و احتمال آماره t متغیر حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره که به ترتیب برابر با ۱/۹۹۶۳- و ۰/۰۴۶۳ است و از آنجا که این احتمال کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و با توجه به اینکه این

پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای ۰/۰۵ صورت می‌گیرد می‌توان بیان نمود که حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره، تأثیر معناداری بر ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها دارد. با توجه به ضریب متغیر حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره که برابر با ۰/۰۳۲۵- (علامت ضرایب منفی است) می‌باشد، می‌توان بیان نمود که رابطه معکوسی بین این متغیر و متغیر ارقام تعهدی اختیاری وجود دارد. یعنی اینکه با افزایش حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، اما از آنجائی که در این پژوهش ارقام تعهدی اختیاری به‌عنوان جانشین معکوس متغیر کیفیت سود شرکت‌ها در نظر گرفته شده است، در نتیجه می‌توان بیان نمود که با افزایش حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها کاهش و در نتیجه کیفیت سود شرکت‌ها افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

جدول ۱۰- خلاصه نتایج آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه	عنوان فرضیه	نتیجه آزمون فرض در سطح اطمینان ۹۵٪
اول	بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.	پذیرش فرضیه

۱۲-۲- مقایسه نتایج پژوهش با پژوهش‌های قبلی و مشابه

نتایج این پژوهش در راستای نتایج ابوت و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که حضور زن در هیئت‌مدیره باعث افزایش کیفیت ارقام تعهدی و تجدید ارائه‌های حسابداری کمتر می‌گردد. همچنین نتایج این پژوهش مطابق نتایج گل و همکاران (۲۰۱۲) است. به گفته آن‌ها اعضاء هیئت‌مدیره زن، از افشاسازی با کیفیت بالا به‌عنوان سازوکار نظارت برای بازبینی مدیران ارشد استفاده می‌نمایند. همچنین نتایج پژوهش حاضر مطابق با یافته‌های گل و همکاران (۲۰۱۳) نیز می‌باشد. آن‌ها نشان دادند، هیئت‌مدیره دارای تنوع جنسیتی بالا، دارای صحت پیش‌بینی تحلیلی بالا و پراکندگی کمتری در پیش‌بینی‌ها می‌باشد. سریندی و همکاران (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره شرکت‌ها موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد. این یافته‌ها مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

همچنین نتایج این پژوهش، مطابق با یافته‌های حسینی و دستگیر (۱۳۹۵) می‌باشد. آن‌ها نشان دادند که هرچه مولفه‌های راهبری شرکتی در یک شرکت قوی‌تر باشند، کیفیت گزارشگری مطلوب‌تر و احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی کمتر است. اما نتایج پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش سان و همکاران (۲۰۱۰) هم راستا نمی‌باشد. آن‌ها هیچ رابطه‌ای بین نسبت مدیر زن در کمیته حسابرسی و میزان مدیریت سود نیافتند. یافته‌های این پژوهش نیز با یافته‌های صالحی و همکاران (۱۳۹۵) مغایر می‌باشد. آن‌ها به بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی می‌پردازند. این ویژگی‌ها شامل تخصص مالی، تجربه، جنسیت، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین تخصص مالی و تجربه کمیته حسابرسی با تأخیر گزارش حسابرسی، رابطه معنادار منفی وجود دارد. در حالیکه رابطه دیگر ویژگی‌های کمیته حسابرسی معنادار نیست.

جدول ۱۱- خلاصه یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها

عنوان فرضیه	فرضیه های پژوهش	نتیجه آزمون فرضیه	مقایسه با پیشینه	
			همسو	غیر همسو
اول	بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره و کیفیت سود شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.	پذیرش فرضیه	ابوت و همکاران (۲۰۱۲) گل و همکاران (۲۰۱۳) سریندی و همکاران (۲۰۱۱) حسینی و دستگیر (۱۳۹۵)	سان و همکاران (۲۰۱۰) صالحی و همکاران (۱۳۹۵)

۱۳- پیشنهادهای حاصل از آزمون فرضیه

نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره شرکت‌ها و کیفیت سود شرکت‌ها وجود دارد. می‌توان بیان نمود که با افزایش حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها کاهش و در نتیجه کیفیت سود شرکت‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین به سهامداران توصیه می‌گردد، هنگام تصمیم‌گیری راجع به خرید، فروش و نگهداری سهام، علاوه بر کمیت سود، به کیفیت سود شرکت‌ها توجه کنند و توصیه می‌شود حضور نماینده زن در هیئت‌مدیره شرکت‌ها بعنوان عامل اثرگذار در تصمیم‌گیری خود لحاظ کنند. در راستای یافته‌های پژوهش، به مقامات قانون‌گذار پیشنهاد می‌شود، تا قوانینی را تصویب کنند که در آن‌ها، شرکت‌ها الزام‌های خاصی برای عضویت حداقل یک عضو زن

در هیئت‌مدیره خود داشته باشند. عضویت حداقل یک نماینده زن در هیئت‌مدیره می‌تواند موجب افزایش کیفیت سود شرکت‌ها گردد.

منابع

- بیابانی، سروش و گرگز، منصور (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین حضور مدیران زن در هیئت‌مدیره با عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۴.
- حسینی خوراسگانی، شیرین و دستگیر، محسن (۱۳۹۵) تجدید ارائه صورت‌های مالی و عوامل نظام راهبری موثر بر آن، دانش حسابداری، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- سپاسی، سحر و عبدلی، لیلا، (۱۳۹۵)، تأثیرات حضور زنان در هیئت‌مدیره بر ارزش شرکت و عملکرد مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۳۹-۵۸.
- صالحی، مهدی، اورادی، جواد و سالاری فورگ، زینب، (۱۳۹۵)، تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی، دانش حسابداری، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۵۹-۸۳.
- نصیرزاده، فرزانه، صالحی، مهدی و بیگی، بهزاد (۱۳۹۴)، ویژگی‌های ساختاری و فرایندی هیأت مدیره و ریسک مالی: تغییر در نقدیگی - تغییر در بحران مالی، نشریه دانش حسابداری، دوره ۶ شماره ۲۲، صص ۸۱-۱۰۵.
- Abbott, L., S. Parker, and T. Presley, (2012), *Female Board Presence and the Likelihood of Financial Restatement*. Accounting Horizons 26 (4): 607-629.
- Adams, R. B., & Ferreira, D. (2009), *Women in the boardroom and their impact on governance and performance*. Journal of Financial Economics, 94(2), 291-309.
- Adams, R., S. Gray, and J. Nowland, (2010), *Is there a business case for female directors? Evidence from the market reaction to all new director appointments*. Working paper, City University of Hong Kong.
- Chen, Y., Eshleman, J., & Soileau, J. (2016), *Board Gender Diversity and Internal Control Weaknesses*. Advances in Accounting, 32, PP
- Gul, F.A., Srinidhi, B., and Ng, A.C. (2011). *Does gender diversity improve the informativeness of stock prices?* Journal of Accounting and Economics, 51(3), 38-314.
- Gul, F. A., Hutchinson, M., & Lai, K. M. Y. (2013), *Gender-diverse boards and properties of analyst earnings forecasts*. Accounting Horizons, 27(3), 511-538
- Gul, F. A., Srinidhi, B., & Ng, A. C. (2011), *Does board gender diversity improve the informativeness of stock prices?* Journal of Accounting and Economics, 51(3), 314-338.
- Gul, F. A., Srinidhi, B., & Ng, A. C. (2011). *Does board gender diversity improve the informativeness of stock prices?* Journal of Accounting and Economics, 51(3), 314-338.
- Hambrick, D., Cho, T., and Chen, M. (1996). *The influence of top management team heterogeneity on firms' competitive moves*. Administrative Science Quarterly, 41: 659-684.
- Hillman, A. J., C. Shropshire, and A. A. Cannella, (2007), *Organizational predictors of women on corporate boards*. Academy of Management Journal 50 (4): 941-52.
- Hillman, A., Shropshire, C and Cannella, A. (2007). *Organizational Predictors of Women on Corporate Boards*. Academy of Management Journal, 50: 941-952.
- Huse, M., and Solberg, A. (2006). *Gender-related Boardroom Dynamics: How Scandinavian Women Make and can Make Contributions on Corporate Board*. Women in Management Review, 21: 113-130.
- Huse, M., Nielsen, S., and Hagen, I. (2009). *Women and Employee-elected Board Members, and their Contributions to Board Control Tasks*. Journal of Business Ethics, 89: 581-597.
- Rose, C. (2007). *Does Female Board Representation Influence Firm Performance? The Danish Evidence*. Corporate Governance: An International Review, 15: 404-413.
- Srinidhi, B., Gul, F. A., & Tsui, J. (2011), *Female directors and earnings quality*. Contemporary Accounting Research, 28(5), 1610-1644
- Srinidhi, B., Gul, F. A., & Tsui, J. (2011). *Female directors and earnings quality*. Contemporary Accounting Research, 28(5), 1610-1644
- Sun, J., Liu, G., & Lan, G. (2010), *Does female directorship on independent audit committees constrain earnings management?* Journal of Business Ethics, 99(3), 369-382.

سیاست‌های تقسیم سود سهام بانک‌ها و حساسیت اطلاعاتی سپرده‌گذاران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۵

کد مقاله: ۱۸۴۹۷

سعید رشنویی^۱، محمدسعید کرمی^۲

چکیده

سود تقسیمی که یکی از اجزای بازده سهام است، نقش بسزایی در تصمیمات مالی سرمایه‌گذاران و مدیران دارد بنابراین آنان همواره به دنبال الگوهای مختلفی برای بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر پرداخت سود نقدی و پیش‌بینی سود تقسیمی هستند. با توجه به جایگاه صنعت بانک در بازار سرمایه ایران، شناخت عوامل مؤثر بر پرداخت سود نقدی در این صنعت می‌تواند به تمامی ذینفعان، تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران دیدگاه روشنی ارائه دهد. سود سهام عمدتاً به دلیل ارتباط آن با ساختار سرمایه، نقش محوری در امور مالی شرکت ایفا می‌کند. شناسایی عوامل مؤثر بر سود تقسیمی موضوع پژوهش بسیاری از پژوهشگران بوده است. نتایج آن‌ها بیانگر اهمیت سود تقسیمی در سرنوشت شرکت است. زیرا در این تصمیم‌گیری مقدار پولی که باید به سرمایه‌گذاران پرداخت شود و همچنین مقدار پولی که باید برای سرمایه‌گذاری مجدد انباشته شود، مشخص می‌شود. از طرفی، هنوز زوایای ناشناخته بی‌شماری در این زمینه وجود دارد که پژوهش در این زمینه را ضروری می‌سازد.

واژگان کلیدی: سود، سهام، بانک و سپرده‌گذاران

۱- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، لرستان، ایران (مسئول مکاتبات)

۲- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، لرستان،

۱- مقدمه

بازار سرمایه به عنوان نبض اقتصادی کشورهای توسعه یافته، یکی از مهم ترین منابع تأمین مالی و ابزار تخصیص کارآمد منابع تلقی می شود، که در جهت تبیین الگوهای رفتاری بازار و سرمایه گذاران، همواره در کانون توجه محققین و پژوهشگران مالی و حسابداری قرار دارد. علی رغم وجود نواقص در ساختار بورس اوراق بهادار تهران و عدم آشنایی افراد با سرمایه گذاری مالی، بورس اوراق بهادار همچنان از جذابیت هایی برای سرمایه گذاران برخوردار است و مطالعه پیرامون آن می تواند، در بهبود الگوهای رفتاری سرمایه گذاران و تخصیص بهینه منابع اقتصادی کشور مؤثر باشد. اصلی ترین عاملی که هر سرمایه گذار در تصمیم گیری های خود مورد توجه قرار می دهد نرخ بازده است. سود تقسیمی که یکی از اجزای بازده سهام می باشد نقش بسزایی در تصمیمات مالی سرمایه گذاران دارد. بنابراین سرمایه گذاران همواره به دنبال الگوهای مختلفی برای بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر پرداخت سود نقدی و پیش بینی سود تقسیمی هستند.

مسئله تقسیم سود شرکت ها برای محققان مالی پیچیده و معماگونه است و از دو بعد بسیار مهم و قابل بحث است. از یک طرف، عاملی اثرگذار بر سرمایه گذاری های پیش روی شرکت ها است، زیرا تقسیم سود موجب کاهش منابع داخلی و افزایش نیاز به منابع مالی خارجی می شود. از طرف دیگر، بسیاری از سهامداران شرکت، خواهان تقسیم سود نقدی هستند. از این رو، مدیران با هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران همواره باید بین علایق مختلف آنان و فرصت های سودآور سرمایه گذاری تعادل برقرار کنند. بنابراین تصمیمات تقسیم سود که از سوی مدیران شرکت ها اتخاذ می شود، بسیار حساس و دارای اهمیت است (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸). سیاست شرکت در زمینه سود تقسیمی، از عواملی است که بر ارزش شرکت مؤثر است سود تقسیمی به داشتن خاصیت چسبندگی معروف است شرکت هایی که سود تقسیمی خود را کاهش می دهند معمولاً با کاهش شدید در ارزش خود مواجه می شوند. بنابراین مدیران تمایل دارند از پرداخت سود بالا اجتناب کنند مگر اینکه از توانایی شان در حفظ سطوح بالای سود تقسیمی اطمینان داشته باشند (چای و سو، ۲۰۰۹).

سود نقدی به عنوان یکی از شیوه های توزیع جریان نقدی بین مالکان، به واسطه ملموس بودن از اهمیت بالایی برخوردار است. اما مهم تر از خطامشی تقسیم سود، ریشه یابی دلایل و عوامل تأثیرگذار در این زمینه است که این موضوع می تواند راهگشای تصمیم گیری های مهم اقتصادی برای گروه های مختلف ذینفع، به ویژه سرمایه گذاران باشد. زیرا دلایل و عوامل تعیین کننده به دست آمده از این ریشه یابی، نه تنها به توضیح رفتار قبلی شرکت ها کمک می کند، بلکه ابزاری برای پیش بینی حرکت و مسیر آتی آن ها در این حوزه فراهم می آورد. بررسی و مطالعه عوامل تأثیرگذار بر سود نقدی و سیاست تقسیم سود از چندین دیدگاه اهمیت دارد. اول، سیاست تقسیم سود به روی ساختار سرمایه و ارزش شرکت تأثیر می گذارد (نیکولاس ۲۰۰۵، ۲).

۲- سود و تقسیم سود

سود یکی از اقلام مهم و اصلی صورت های مالی است که در نوشته های مختلف کاربردهای متفاوت دارد. معمولاً سود به عنوان مبنایی برای محاسبه مالیات، عاملی برای تدوین سیاست پرداخت سود تقسیمی، راهنمایی برای سرمایه گذاران و عاملی برای پیش بینی در نظر گرفته می شود. سود به عنوان راهنمایی مورد تصور است که بر اساس آن سیاست های مربوط به سود تقسیمی و نگهداری سود تدوین می شود. سود را به عنوان شاخصی از بیشترین مبلغی می دانند که می تواند به صورت سود تقسیمی توزیع یا دوباره در شرکت سرمایه گذاری شود. به سبب تفاوت بین حسابداری تعهدی و حسابداری نقدی، یک سازمان می تواند از یک سو مبلغی را به عنوان سود شناسایی کند و از سوی دیگر وجوهی در دست ندارد که به عنوان سود تقسیمی پرداخت کند. از این رو شناسایی سود به خودی خود پرداخت سود تقسیمی را تضمین نمی کند (ریاحی بلکویی، ۱۳۸۱).

همانند شرکت ها شناسایی عوامل تعیین کننده سودآوری بانک ها و میزان تأثیر آنها بر سودآوری بانک ها در مدیریت بانکی بسیار حائز اهمیت است. شناسایی این عوامل می تواند در تعیین نحوه برخورد با هر یک از عوامل مؤثر بر سودآوری در راستای هدف گذاری برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت جهت افزایش سودآوری به مدیریت کمک شایانی نماید. این عوامل در تحقیقات زیادی در محیط های اقتصادی متفاوت بررسی و آزمون شده است اما در هر محیط اقتصادی، بسته به شرایط حاکم بر آن محیط، این عوامل می تواند متفاوت باشد. بررسی شرایط و عوامل مؤثر بر سود، ضمن ایجاد بصیرت بیشتر نسبت به این عوامل، مدیران بانکی را قادر می سازد که در خصوص هریک از آنها سیاست مناسب را در پیش گیرند و از این طریق به بهبود مدیریت بانک کمک می شود. تحقیقات گذشته که بر روی سودآوری بانکها انجام شده است نشان می دهد که عوامل مختلفی بر سودآوری بانک اثر دارند. این عوامل را می توان در دو گروه عوامل داخلی و خارجی طبقه بندی کرد. عوامل خارجی، عوامل اقتصاد کلان کشوری است که بانک

1- Chay and Suh

2- Nikolaos

در آن به فعالیت می پردازد و ویژگی‌های صنعت را در نظر می گیرد. این عوامل خارج از کنترل بانک هستند اما مدیریت بانک با پیش‌بینی مناسب آنها، می‌تواند از اثرات مؤثر بر سودآوری بانک بکاهد نمونه‌هایی از این عوامل نرخ بهره، نرخ بیکاری، نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی می‌باشند (دوره، ۲۰۱۳) می‌توان انتظار داشت که تغییرات شرایط اقتصادی از یک سال به سال دیگر بر سودآوری بانک تأثیر بگذارد. در این زمینه عوامل ضروری کنترل مدیریت بانک تأثیر بسزایی در سودآوری بانک خواهد داشت. نرخ های بهره، کارمزد وام ها و شکل های مختلف سپرده ها، می‌تواند بر سودآوری بانک تأثیر گذار باشند (دمیرگاک و هاری، ۱۹۹۹) همچنین درآمدهای بهره ای و هزینه های بهره ای نیز تأثیر بسزایی در سودآوری دارند. بنابراین حجم وام ها و تسهیلات پرداختی و حجم شکلهای مختلف سپرده ها به ترتیب به عنوان معیار کارایی دارایی ها و مدیریت پرتفوی بدهی ها استفاده می شوند. در تجارت واسطه گری های مالی فرم های مختلفی از ریسک از قبیل نرخ بهره و ریسک اعتباری در زمینه سودآوری وجود دارد (مولینیوکس و تورتن، ۱۹۹۲). تغییر شرایط بازار با تأثیر در نرخ بهره بازار و اساسا در سودآوری بانک تأثیر مستقیم دارد. به هر حال مشکل، تعیین معیار مناسب نرخ بهره بازار می باشد. دیگر شرایط محیطی که ممکن است در هزینه ها و درآمد بانک تأثیر بگذارد، تغییر در سطح قیمت یا شرایط تورمی در اقتصاد است.

در بررسی زیان‌ها و عواید بانک از تورم می‌توان نتیجه گیری کرد که اثر تورم در عملکرد بانک به پیش‌بینی تورم بستگی دارد. اگر تورم کاملا پیش‌بینی شده و نرخ های سود با توجه به آن تنظیم شده باشند، در نتیجه رشد درآمد ها سریع تر از رشد هزینه ها می‌شود و این موضوع تأثیر مثبت بر سودآوری بانک دارد. به هر حال اگر تورم پیش‌بینی نشده باشد و بانک ها در تعدیل نرخ های سود، کند عمل کنند، این احتمال وجود دارد که هزینه های بانک سریع تر از درآمد های آن افزایش یابند و از این رو بر سودآوری بانک تأثیر معکوس داشته باشد. سیاست تقسیم سود، خط مشی است که بر پایه آن میزان سود تقسیمی، میزان سود انباشته و پاداش هیئت مدیره، زمان پرداخت، نحوه تأمین مالی و دیگر موضوعات مرتبط مدون و مکتوب به مجمع عمومی سهامداران ارائه می‌شود. همچنین تقسیم سود، از جمله راهبرد های کوتاه مدت و بلند مدت شرکت‌ها است که آثار آن در هر سال مالی در مجامع عمومی شرکت‌ها آشکار می‌شود و بر پایه آن عملکرد شرکت ارزیابی می‌شود (رهنما و همکاران، ۱۳۸۶). سود قابل تقسیم، عبارت است از سود خالص سال مالی منهای زیان‌های وارده سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ قانون تجارت و سایر اندوخته های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

همانگونه که جریان وجوه نقد در شرکت برای ارزیابی توان و وضعیت نقدینگی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است، سود سهام نقدی هر سهم نیز برای دارندة سهام به عنوان یکی از منابع ایجاد نقدینگی افراد از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد (ستایش، ۱۳۹۰). سود سهام نقدی و بازده نقدی سهام، به واسطه عینیت و ملموس بودن، از جایگاه ویژه ای نزد پاره ای از ذینفعان شرکت برخوردارند. در واقع استفاده کنندگان بالفعل و بالقوه اطلاعات مالی مشتاق هستند تا از توان ایجاد نقدینگی و بعضا توزیع آن در میان سهامداران شرکت آگاهی یابند، زیرا این اطلاعات نه تنها تصویری روشن از وضعیت مالی شرکت ارائه می دهد بلکه امکان برآورد و ارزیابی وضعیت آینده آن را نیز فراهم می‌سازد که بدون تردید در فرایند تصمیم‌گیری آنان حائز اهمیت است.

۳- اهداف سیاست تقسیم سود

پرداخت سود سهام به صاحبان سهام عادی یکی از راه هایی است که شرکت می‌تواند بدان وسیله، مستقیم بر ثروت سهامداران اثر بگذارد. بنابراین هدف از اجزای چنین سیاستی، تعیین نقشی است که این سیاست در به حداکثر رساندن ثروت سهامداران ایفا می کند. از آنجا که سیاست تقسیم سود تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می گیرد، پرداخت تمام سود به سهامداران به معنی حداکثر رسانیدن ثروت آنان نخواهد بود.

با این وجود توزیع سود بین سهامداران دلایل متعددی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- سود سهام درآمد با ثباتی برای سهامداران فراهم می آورد، به طوری که می‌توانند بر اساس آن هزینه زندگی خود را تنظیم نمایند.
- ۲- سرمایه‌گذاران و خریداران سهام به گزارش ها و اخبار سود سهام سالانه شرکت‌ها توجه دارند.
- ۳- تغییرات در سود سهام حاوی اطلاعات مفیدی برای سرمایه‌گذاران می باشد.
- ۴- اگر سهامداران شرکتی، عادت به دریافت سود سهام داشته باشند، مشکل است یکباره سود سهام را متوقف کرد.
- ۵- عدم پرداخت سود ممکن است باعث تبلیغات تهاجمی رقبا علیه شرکت شود.
- ۶- سهامداران از طریق دریافت سود، بازده سرمایه شان را بدست می آورند یا این شانس را پیدا می کنند که سهام خود را به قیمت بالاتری بفروشند.
- ۷- پرداخت سود باعث کاهش عدم اطمینان سهامداران نسبت به دریافت بازده سرمایه‌شان می‌شود (جنانی، ۱۳۷۸).

۴- صورت‌های مالی در بانک‌ها

هدف صورت‌های مالی، ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع می‌شود. صورت‌های مالی همچنین نتایج وظیفه مباشرت مدیریت یا حسابداری آنها را در قبال منابعی که در اختیارشان قرار گرفته است نشان می‌دهند. به منظور دستیابی به این هدف، در صورت‌های مالی یک واحد تجاری اطلاعاتی درباره موارد زیر ارائه می‌شود:

- الف- دارایی‌ها
- ب- بدهی‌ها
- ج- حقوق صاحبان سهام
- د- درآمدها
- ه- هزینه‌ها
- و- جریان‌های نقدی. (تالانه، ۱۳۹۰)

این اطلاعات همواره با سایر اطلاعات مندرج در یادداشت‌های توضیحی، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری و خصوصاً در زمان‌بندی و اطمینان از توانایی آن در ایجاد وجه نقد کمک می‌کند. مجموعه کامل صورت‌های مالی شامل اجزای زیر است:

- صورت‌های مالی اساسی: ترازنامه صورت سود و زیان، صورت سود و زیان جامع، صورت جریان وجه نقد.
- یادداشت‌های توضیحی

۴-۱- صورت‌های مالی اساسی

- ترازنامه: بانک‌ها باید صورت و زبانی ارائه کنند که در آن، درآمدها و هزینه‌ها برحسب ماهیت آنها طبقه‌بندی و مبلغ هر یک از انواع اصلی درآمد و هزینه منعکس شود.
- صورت‌های سود و زیان جامع: هدف از تهیه صورت سود و زیان و صورت سود و زیان جامع، ارائه کلیه درآمدها و هزینه‌های شناسایی شده طی یک دوره مالی می‌باشد.
- صورت جریان وجه نقد: صورت جریان وجه نقد باد منعکس کننده جریان‌های نقدی طی دوره تحت سرفصل‌های زیر می‌باشد:

- فعالیت‌های عملیاتی
- بازده سرمایه‌گذاری و سود پرداختی بابت
- تأمین مالی
- مالیات بردرآمد
- فعالیت‌های سرمایه‌گذاری
- فعالیت‌های تأمین مالی (بدری، ۱۳۹۸).

۴-۲- یادداشت‌های توضیحی

شامل اطلاعات تشریحی و جزئیات بیشتری از اقلام منعکس شده در صورت‌های مالی اساسی است ضمن اینکه اطلاعات دیگری از قبیل بدهی‌های احتمالی و تعهدات ارائه می‌کنند.

۵- معیارها و نسبت‌های سودآوری در بانک‌ها

یکی از شاخص‌های مهم سلامت مالی شرکت و کارایی مدیریت آن، توانایی شرکت در کسب سود قابل قبول و یا برگشتی راضی‌کننده روی سرمایه‌گذاری آن است. بدیهی است که سرمایه‌گذاران تمایلی به مشارکت در شرکتی با سودآوری و درآمد سازی ضعیف دارند، چرا که سودآوری اندک، در قیمت سهام و توانایی بالقوه شرکت در پرداخت سود سهام تأثیر منفی دارد. اعتباردهندگان نیز راضی به پرداخت وام به شرکتی با سودآوری ضعیف، نخواهند بود، چون احتمال این را می‌دهند که طلب آنها هرگز بازپرداخت نگردد. البته باید یادآوری شود که قدر مطلق سود اهمیت چندانی ندارد، مگر اینکه این سود در قیاس با منبع ایجاد آن (میزان سرمایه‌گذاری) مورد ارزیابی قرار گیرد. تأثیر نوسان نرخ سود بر عملکرد بانک غیرقابل انکار است. بررسی نسبت تسهیلات به سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بیانگر دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ سود است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین هر قدر سهم سپرده‌های کوتاه مدت در کل سپرده‌های سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، بانک در مقابل تغییر نرخ سود از انعطاف مناسبتری برخوردار خواهد بود. (افلاطونی، ۱۳۸۹) برخی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی نتیجه عملکرد بانک در زمینه سودآوری به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- سود هر سهم
- ۲- سود تقسیمی هر سهم

۵-۱- سود هر سهم (EPS)

سهامداران باید از بابت ارزش زمانی وجوهی که در اختیار بانک گذاشته‌اند و همچنین از بابت قبول ریسک بالقوه زیان، از طریق سود سهام پوشش داده شوند. سود سهام دراصل مانعی برای افزایش ارزش سرمایه حداقل به اندازه نرخ تورم نگران کننده است. در برخی موارد سود سهام پرداختی با رشدی بیش از نرخ بهره پس اندازهای بلندمدت، با نادیده گرفتن افزایش ارزش سرمایه و تأثیر آن بر درآمدهای آتی انجام می‌گیرد. با محاسبه نسبت سود، هر سودی که بانک در یک دوره مشخص به ازای یک سهم عادی به دست آورده است، معین می‌شود که از متداولترین نسبتهای مالی است که محاسبه و تجزیه و تحلیل می‌شود. برای محاسبه این نسبت، مقدار «سود پس از کسر مالیات» را بر تعداد سهام عادی که در دست سهامداران است، تقسیم می‌کنند و چنانچه سهام ممتاز وجود داشته باشد، آن را از رقم «سود پس از کسر مالیات» کسر و سپس سود قابل تخصیص به سهام عادی را محاسبه می‌کنند.

۵-۲- سود تقسیمی هر سهم (DPS)

این نسبت نشان دهنده مبلغ سودی است که بانک بابت هر سهم پرداخت می‌کند. برای محاسبه این نسبت، رقم متعلق به سود تقسیمی سهام را بر تعداد سهام عادی که در دست سهامداران است، تقسیم می‌کنند.

۵-۳- درصد سود تقسیمی (نسبت سود پرداختی)

با استفاده از این نسبت، سود نقدی پرداختی به سهامداران را به صورت درصدی از «سود هر سهم» بیان می‌کنند. برای محاسبه این نسبت، «سود تقسیمی هر سهم» را بر «سود هر سهم» تقسیم می‌کنند.

الف- حاشیه سود: این نسبت را حاشیه سود خالص نیز می‌نامند و در بانکها سودآوری هر ریال از درآمد را محاسبه می‌کنند، به این ترتیب که مقدار «سود پس از کسر مالیات» بر درآمدهای مشاع و غیرمشاع تقسیم می‌شود. درآمدهای مشاع درآمدهایی هستند که از محل سرمایه‌گذاری مشترک بین سپرده‌گذاران و نیز حق‌الوکاله سهم بانک و همچنین از محل درآمدهای مشترک حاصل بین بانک و وام‌گیرندگان از محل تسهیلات اعطایی بدست می‌آیند. (بدری، ۱۳۹۸) درآمدهای غیرمشاع هم درآمدهایی هستند که از محل ارائه انواع خدمات و کارمزدهایی که اخذ می‌شود، به دست می‌آیند.

ب- نرخ بازده سرمایه‌گذاری: نرخ بازده سرمایه‌گذاری میزان سود به ازای هر ریال از وجوه سرمایه‌گذاری شده در بانک را محاسبه می‌کند، به این ترتیب که «سود پس از کسر مالیات» را بر «متوسط سرمایه» تقسیم می‌کنند. نرخ بازده، رابطه بین حجم سرمایه‌گذاری و سود را تعیین می‌کند. اگر بانک بر حجم سرمایه‌گذاری‌های خود بیفزاید (دارایی‌اش افزایش یابد)، ولی نتواند متناسباً مقدار سود پس از کسر مالیات خود را افزایش دهد، نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌اش کاهش می‌یابد. بنابراین، افزایش حجم سرمایه‌گذاری به خودی خود باعث بهبود ثروت سهامداران نمی‌شود. این نسبت، نرخ بازده سرمایه‌گذاری و توانایی بالقوه را برای تشکیل سرمایه داخلی ارزیابی می‌نماید. در شرایط تورمی، برای اینکه یک بانک پایه سرمایه‌اش را در شرایط واقعی حفظ نماید، حتی با فرض عدم وجود سود، این نسبت باید معادل تورم باشد. ممکن است بازده بالای سرمایه با کفایت سرمایه نسبت عکس داشته باشد.

همچنین تحلیلگران باید آگاه باشند که ممکن است بانکی که با سرمایه ناکافی تشکیل شده و سوددهی ناچیز دارد، بازدهی‌اش بیش از بازده سرمایه بانکی باشد که با سرمایه مناسب تشکیل شده و عملکرد خوبی دارد، چون ذخایر ناکافی برای پوشش زیان ناشی از وام سرمایه را مبالغه‌آمیز جلوه می‌دهد. چنانچه ذخایر زیان ناشی از وام‌های اعطایی را پوشش ندهد، این نسبت می‌تواند مختل گردد. از طرفی، تا زمانی که ذخایر به طور صحیح تعیین نشوند و ارزش دفتری دارایی‌های مخاطره‌آمیز بانک به درستی اصلاح نگردد، سرمایه بانک به طور دقیق گزارش نخواهد شد (جنانی، ۱۳۷۸). از آنجایی که سرمایه از محل وجوه متعلق به دیگران تأمین شده و سهامداران در مقابل راکد ماندن سرمایه خویش انتظار پاداش بیشتری نسبت به سپرده‌گذاران دارند، بنابراین، سرمایه منبع پرهزینه‌ای برای تأمین وجه می‌باشد. به دلیل آنکه سرمایه به‌عنوان پشتوانه‌ای برای تضعیف ارزش دارایی‌های مخاطره‌آمیز در نظر گرفته می‌شود، پرداخت هرگونه وامی توسط بانک، تخصیص مبلغ متناسبی از سرمایه با توجه به کفایت سرمایه را ایجاب می‌کند. بنابراین، اگر افزایش سرمایه موجب افزایش قدرت وام‌دهی بانک گردد، تأثیر آن در بازدهی سرمایه‌گذاری ناچیز خواهد بود، ولی چنانچه افزایش سرمایه بانک موجب افزایش وام‌دهی بانک نگردد، موجب کاهش نسبت بازدهی سرمایه‌گذاری خواهد شد.

ج- نسبت بازده دارایی: این نسبت، نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که تحت مدیریت بانک قرار دارد، مرتبط می‌سازد. این نسبت، بهترین نسبت برای ارزیابی مدیریت است و خالص درآمدی را که از بکاربردن کل دارایی‌های بانک ایجاد می‌شود، ارزیابی می‌کند. از این رو، کمتر از نسبت بازده سرمایه در معرض انحراف است. اختلاف این نسبت بین بانکها که بر مفاهیم محدودتر دارایی مانند دارایی‌های درآمدزا (کلیه وام‌ها، پیش پرداخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و سپرده‌های بهره‌دار) متکی است، دید

وسیعتری را نسبت به اختلاف بین بانکها ارایه می‌دهد. این نسبت نشان‌دهنده یک ریال سود برای هر صد ریال از دارایی‌هاست. این نسبت تا حدودی کارایی دارایی‌ها را مشخص می‌نماید، ولی نکته اساسی این است که در طبقه‌بندی دارایی‌ها که عمده‌ترین آنها وام‌ها می‌باشد، درجه ریسک دارایی‌ها در نظر گرفته نمی‌شود، به نحوی که اگر بانکی با دارایی متوسط، دارایی بیشتری نسبت به بانک دیگر داشته باشد، ولی میزان طبقات وام‌های معوقه‌اش بیشتر باشد، در این نسبت بازده دارایی بیشتری خواهد داشت، لذا میزان بیشتر این نسبت نمیتواند لزوماً کارایی و ریسک دارایی‌ها را نشان بدهد و استفاده صرف از این نسبت برای نتیجه‌گیری کلی درباره دارایی‌ها، گمراه کننده خواهد بود. بنابراین، این امر زمانی مفید خواهد بود که میزان ریسک دارایی‌های سودآور را نیز در نظر بگیریم.

۶- نسبت خالص مابه‌التفاوت بهره پرداختی و بهره دریافتی

این نسبت، فقط آن دارایی‌ها و بدهی‌هایی را شامل می‌شود که نرخ بهره به آنها تعلق می‌گیرد. از این رو، تأثیر سپرده‌های دیداری بدون بهره، سرمایه و نیز ذخیره‌های قانونی فاقد بهره‌وری خالص بهره دریافت شده و نتیجتاً سود بانک را نشان نمی‌دهد. آنچه در این نسبت مفید است، این است که اثر نرخ‌های بهره بر سود را جدا نموده و بدین وسیله، شناخت بهتری نسبت به منابع سودآوری بانک و نتیجتاً آسیب‌پذیری درآمدهای بانک ارایه می‌نماید. (رهنما رود پشته، ۱۳۸۶)

نکته اساسی در این نسبت، میزان سودآوری بانک حاصل از مابه‌التفاوت دو نرخ است.

نسبت خالص سوددهی: این نسبت، درآمدهای اصلی بانک، یعنی درآمد حاصل از مابه‌التفاوت بهره پرداختی و دریافتی را به صورت درصدی از متوسط کل دارایی‌ها مشخص می‌نماید.

۷- عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری درباره انتخاب خط مشی تقسیم سود بانک‌ها

در خصوص تقسیم سود، تئوری‌ها و دیدگاه‌های زیادی مطرح شده است. برای مدیران و سرمایه‌گذاران نیز این مسأله از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو بخشی از توان و توجه مدیران شرکت‌ها معطوف به مقوله ای است که از آن با عنوان «خط مشی تقسیم سود» یاد می‌شود. می‌توان گفت تغییر خط مشی تقسیم سود شرکت به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیام می‌دهد که وضعیت مالی شرکت چگونه است. از جمله موارد عدم شفافیت اطلاعاتی بازار، مشخص نبودن خط مشی تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد که به نظر می‌رسد در بورس به آن توجه خاصی نشده است.

اما مهمتر از خط مشی تقسیم سود، ریشه‌یابی دلایل اتخاذ یک خط مشی تقسیم سود مشخص از سوی شرکت‌ها است. این موضوع می‌تواند راهگشای تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی برای گروه‌های مختلف ذینفع، بویژه سرمایه‌گذاران باشد. زیرا دلایل و عوامل تعیین کننده به دست آمده از این ریشه‌یابی، نه تنها به توضیح رفتار شرکت‌ها در گذشته کمک می‌نماید، بلکه ابزاری را برای پیش بینی حرکت و مسیر آتی آنها در این حوزه فراهم می‌آورد. طبق نظریه انتظارات عقلایی، سهامداران انتظارات خاصی از شرکت در مورد سود دارند اگر اعلان سود مطابق آن چیزی باشد که بازار انتظار دارد، قیمت‌ها تغییر نخواهد کرد؛ ولی اگر سهامدار در بازار یک تغییر غیرمنتظره در سود تقسیمی ببیند از خود خواهد پرسید که منظور مدیران از این تغییر چه بوده است. (جهانخانی، ۱۳۷۲)

شرح فوق اهمیت خط مشی تقسیم سود و تأثیر روانی میزان سود را در قیمت سهام و انتظارات سهامدار بیان می‌کند. شرکت‌ها سیاست‌های مختلفی را برای تقسیم سود دارند؛ ولی صرف نظر از سیاست خاص هر شرکت، مدیران سعی می‌کنند با توجه به اطلاعاتی که از آینده شرکت دارند میزان سود تقسیمی را طوری تنظیم کنند که از تأثیرات منفی تغییرات سود تقسیمی بر روی سهامداران احتراز نمایند.

نتیجه

سیاست تقسیم سود و عوامل مؤثر بر آن موضوعی است که مورد توجه مدیران، کارشناسان، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و نظریه پردازان حیطه مالی و حسابداری بوده است. به این صورت که بسیاری از تئوری‌های مالی به تبیین و تشریح این موضوع پرداخته اند. سیاست تقسیم سود در بانک‌ها به علت ماهیت متفاوت آن‌ها با سایر صنعت‌ها ممکن است متفاوت باشد. اگر به صورت جامع پرداخت سود نقدی بانک‌ها توجه شود، بانک‌ها تلاش می‌کنند تا جایی که امکان دارد، از پرداخت سود نقدی اجتناب و یا آن را به حداقل برسانند. پرداخت سود نقدی منجر به کاهش نقدینگی بانک می‌شود و بانک‌ها برای مدیریت نقدینگی سعی در کاهش پرداخت سود نقدی دارند زیرا در صورت کمبود نقدینگی مجبور به استقراض بین بانکی و اسقراض از بانک مرکزی با نرخ‌های بالا می‌شوند. همچنین با عدم تقسیم سود در پی افزایش سرمایه پایه و افزایش کفایت سرمایه خود هستند. چرا که

همانطور که گفته شد حاشیه امنی را برای خود ایجاد کنند تا بتوانند به پشتوانه نسبت کفایت سرمایه خود تسهیلات بیشتری را اعطا کنند. از طرف دیگر بانک مرکزی نیز با تدوین قوانین و مقررات در زمینه نحوه ذخیره گیری مطالبات در جهت حمایت از سپرده گذاران سعی در محدود کردن بانک ها در پرداخت سود نقدی به سهامداران می کند.

منابع

- افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت. (۱۳۸۹) کاربرد اقتصاد سنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات ترمه.
- بدری، احمد (۱۳۹۸). مقدمه ای بر اقتصاد سنجی مالی. انتشارات نص.
- تالانه، عبدالرضا و غزل مرتضائی شمیرانی، (۱۳۹۰) محرک های تصمیم تقسیم سود: پیام بازار «بررسی های حسابداری و حسابرسی. دوره ۱۸. شماره ۶۳. ص ۳۹-۶۳
- جهانخانی، علی (۱۳۷۲) نقدی بر چگونگی قیمت گذاری سهام در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی زمستان؛ جلد ۱ شماره ۷۵-۹۴
- جنانی، محمدحسن. (۱۳۷۸) تقسیم سود سهام نظریه ها و روش ها مجله بورس. شماره ۱۷ ص ۴۲-۴۵
- ستایش، محمد حسین و زینب مهتری (۱۳۹۰) تجزیه و تحلیل رابطه بین جریان های نقد عملیاتی و تغییرات سود تقسیمی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵ ص ۱۴۹-۱۵۱
- رهنما رود پشته، فریدون و همکاران (۱۳۸۶) مدیریت مالی راهبردی (ارزش آفرینی) تهران انتشارات کساکوش.
- ریاحی، احمد (۱۳۸۱) تئوری های حسابداری. تهران: انتشارات ترمه.
- هاشمی، سید عباس و امیر رسائیان (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشکده علوم اداری اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال بیستم، شماره ۵۱

بررسی کشف تخلف و کشف تحریف اطلاعات توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۳۱

کد مقاله: ۴۹۵۹۲

علی بابا کفیلی و یجویه^۱

چکیده

تحقیق در مورد ارتباط کارایی مؤسسات حسابرسی با کشف تخلفات و تحریف‌های احتمالی همواره برای حسابرسان و مدیران شرکت‌ها دارای اهمیت بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد نظر تعداد ۵۲ شرکت در صنایع متفاوت است که با استفاده از روش حذفی سیستماتیک انتخاب شده‌اند. این پژوهش از جمله پژوهش‌های گذشته‌نگر بوده و مبتنی بر اطلاعات گذشته می‌باشد و برای آزمون فرضیه‌ها از اطلاعات تاریخی شرکت‌ها استفاده شده است. در این تحقیق از دو گروه نمونه (کنترل و آزمون) برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. گروه آزمون شامل شرکت‌هایی است که مؤسسه حسابرسی آن‌ها در طول دوره تحقیق، تغییر کرده و گروه کنترل شامل شرکت‌هایی است که در طول دوره تحقیق، مؤسسه حسابرسی آن‌ها ثابت بوده و تغییر نکرده است. جامعه آماری برای انتخاب نمونه، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که در طی چهار سال متوالی ۹۲ تا ۹۵ توسط سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، حسابرسی شده باشند. از میان ۴۷۱ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۷۲ شرکت بر اساس مفروضات، شرایط و محدودیت‌هایی که برای گروه آزمون و کنترل در نظر گرفته شد وجود داشتند که از این میان بر طبق ۵ مورد محدودیت که برای نمونه‌ها در نظر گرفته شد تعداد ۵۲ شرکت برای گروه آزمون و ۵۲ شرکت برای گروه کنترل انتخاب شدند.

دو فرضیه تحقیق عبارت بودند «بین کشف تخلف توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.» و «بین کشف تحریف اطلاعات توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.» به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کشف تخلف‌ها، کشف تحریف‌ها و کشف تحریف ناشی از اشتباه با کارایی مؤسسات حسابرسی رابطه معناداری دارد.

واژگان کلیدی: موسسه حسابرسی، تخلف، تحریف، کارایی، کیفیت حسابرسی

۱- مقدمه

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا، از عوامل اصلی ارزیابی وضع موجود و عملکرد یک شرکت در فعالیتهای خود و همچنین تصمیم‌گیری در مورد دادوستد اوراق بهادار آن شرکت می‌باشد. در محیط اقتصادی امروز با حضور فعالان اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی میان آن‌ها، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شوند که توسط گروهی حرفه‌ای و مستقل بر فرآیند تهیه و ارائه آن‌ها نظارت و اظهارنظر شده باشد. نمونه بارز گروه‌های حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابرسی می‌باشند که عمدتاً ساختار کنترل داخلی واحد گزارشگر و محصول نهایی آن یعنی صورت‌های مالی را مورد بررسی و نظارت قرار داده و در این مورد اظهارنظر می‌نمایند. بدیهی است با توجه به جایگاه و نقش مؤسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، وجود و بروز استقلال حسابرِس و ارتقا کیفیت کار مؤسسات حسابرسی به‌عنوان عوامل کلیدی در تهیه گزارش حسابرسی قلمداد می‌شود. حسابرسان تنها مسئولیت ارزیابی تحریف با اهمیت ناشی از تقلب و اشتباهی را که در صورت‌های مالی واقع شده بر عهده داشته و این مورد در بند دامنه رسیدگی گزارش‌های آنان نیز تصریح شده است. در این معنی لفظ و بیان تقلب و اشتباه دربرگیرنده تخلفات مالی نبوده و حسابرسان بر اساس استانداردهای مصوب حسابداری و حسابرسی در مورد صورت‌های مالی اظهارنظر کرده و تخطی از این استانداردها نیز تخلف حرفه‌ای محسوب و موجب تنبیهات انضباطی آنان می‌شود. شواهد گویای آن است که موضوع تقلب در شرکت‌ها مشکلی جدی است. این تقلب‌ها، به‌ویژه هنگامی که مدیران و کارکنان ارشد شرکت‌ها مرتکب آن می‌شوند، معمولاً زمانی از پرده بیرون می‌افتد که شرکت‌ها به‌طور غیرمنتظره دچار مشکل حاد می‌شوند. در این مواقع است که این سؤال مطرح می‌شود که حسابرسان کجا بوده‌اند؟ (حسین مقدم، ۱۳۸۷)

۲- بیان مسئله

از زمان پیدایش حرفه‌ی حسابرسی تا به امروز، مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب نوسانات زیادی پیدا کرده است. چیزی که هم‌اکنون شاهد آن هستیم افزایش مسئولیت حسابرسان نسبت به تقلب است که علت این امر به علت افزایش و گستردگی روزافزون تقلبات و طرح دعاوی جدی علیه حسابرسان است. درواقع حرفه حسابرسی سعی می‌کند با این شیوه و عملکرد، اعتماد خود را نزد جامعه حفظ کند. وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل اتکا، از عوامل اصلی ارزیابی وضع موجود و عملکرد یک شرکت در فعالیتهای خود و همچنین تصمیم‌گیری در مورد دادوستد اوراق بهادار آن شرکت می‌باشد. در محیط اقتصادی امروز با حضور فعالان اقتصادی متنوع و ساختار پیچیده روابط اقتصادی میان آن‌ها، اطلاعاتی قابل اتکا تلقی می‌شوند که توسط گروهی حرفه‌ای و مستقل بر فرآیند تهیه و ارائه آن‌ها نظارت و اظهارنظر شده باشد. نمونه بارز گروه‌های حرفه‌ای مستقل، مؤسسات حسابرسی می‌باشند که عمدتاً ساختار کنترل داخلی واحد گزارشگر و محصول نهایی آن یعنی صورت‌های مالی را مورد بررسی و نظارت قرار داده و در این مورد اظهارنظر می‌نمایند. بدیهی است با توجه به جایگاه و نقش مؤسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده‌کنندگان، وجود و بروز استقلال حسابرِس و ارتقا کیفیت کار مؤسسات حسابرسی به‌عنوان عوامل کلیدی در تهیه گزارش حسابرسی قلمداد می‌شود.

نقش حسابرسان مستقل در کشف و گزارش تقلب در شرکت‌ها موضوعی بحث‌انگیز است. اظهارنظرهای حرفه‌ای حسابرسان متفاوت است و به همین سبب برای کاهش فاصله انتظارات از عملکرد حسابرسی، بیشترین میزان همکاری ضرورت پیدا می‌کند. بررسی‌های متعدد نشان داده است درحالی‌که سیاستمداران، دادگاه‌ها، نشریات مالی و بسیاری دیگر، از حسابرسان انتظار کشف و گزارش کردن تقلبات را دارند، حرفه حسابرسی به‌طور عمومی مسئولیت‌های خود را در این زمینه کاهش داده و بر این نکته تأکید می‌کند که کشف تقلبات از مسئولیت‌های مدیران است و حسابرسی برای این نقش برنامه‌ریزی نشده و غیر قابل اتکاست.

با توجه به مطالب ذکرشده در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سؤالات اساسی زیر هستیم:

- آیا بین کشف تخلف توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین کشف تحریف اطلاعات توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد؟

۳- ضرورت انجام تحقیق

بررسی تخلف و تحریف اطلاعات توسط حسابرسان در مؤسسات حسابرسی با کارایی موسسه حسابرسی اولین بار انجام می‌شود و می‌تواند به مدیران در انتخاب یک موسسه حسابرسی مطمئن و قابل اطمینان کمک نماید.

۴ - ادبیات موضوع

حسابرسان و بازرسان روش‌ها و متدهای خاصی را در جریان عملیات حسابرسی به این منظور که تعیین کنند که آیا صورت‌های مالی ارائه‌شده دارای اشتباهات نادرست مالی هست یا خیر؟ را بر روی صورت‌های مالی اجرا می‌کنند. بدین منظور که اظهارات نادرست (مالی) اساساً اعداد و ارقام غلطی هستند که بنا به اشتباهات عددی تقلب‌ها و یا خطا در تفسیر قوانین حسابداری رخ می‌دهند. اظهارات غلط عواملی هستند که اگر به‌اندازه کافی بزرگ (زیاد) باشند می‌توانند منجر به‌اشتباه در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مثل بانک‌ها یا سرمایه‌گذاران ایجاد کنند.

جهت انجام این ارزیابی و اطمینان بخشی حسابرسان از روش‌های نمونه‌گیری برای بررسی برخی از معاملات در طول جریان حسابرسی و یا بازبینی استفاده می‌کنند از این‌رو تقریباً غیرممکن و بسیار پرهزینه است که تک‌به‌تک معاملات توسط حسابرس مورد بررسی و بازبینی قرار بگیرند زیرا که نمونه‌گیری با این هدف انجام می‌شود که بخش اعظم صورت‌های مالی و یا بخش‌هایی که در صورت‌های مالی که انتظار می‌رود بیشترین ریسک را در اظهارنظر نادرست به همراه داشته باشند مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرند. مضافاً اینکه مطابق استانداردهای حسابرسی اگر خطاهای مالی در سطح صورت‌های مالی توسط حسابرسان شناسایی شوند حسابرسان از مدیران خواهند خواست تا آن‌ها را اصلاح کنند (مهدی ابراهیمی مند، و حسین سیدسجادی، ۱۳۸۴). بنابراین جای این سؤال باقی می‌ماند که چگونه است که تقلب‌ها قابل گنجاندن در میان اظهارات نادرست صورت‌های مالی می‌باشند؟

زیرا که اظهارات نادرست می‌توانند به دلیل خطاها و یا تقلب‌ها ایجاد شوند و با توجه به اینکه حسابرسان دارای مسئولیت‌هایی در رابطه با کشف این خطاهای مالی هستند همواره دارای مسئولیت نسبت به شناسایی آن‌ها نیز می‌باشد اما نباید این موضوع را از نظر دور داشت که این مسئولیت مطابق با استانداردهای حسابرسی کاملاً مطلق نیست. زیرا که حسابرسان مسئول این هستند که اطمینان دهند که اظهارات نادرست کشف‌شده، اما این اطمینان بخشی با اطمینان مطلق نیست. در طول جریان حسابرسی احتمال اینکه خطاهایی شناسایی شوند بسیار بیشتر از آن است که تقلب‌ها شناسایی شوند زیرا که همواره نقشه‌های انجام تقلب، نیرنگ‌هایی هستند که به این منظور طراحی شده‌اند تا از سیستم حسابداری و واپایش‌ها سوء استفاده کنند و آن‌ها را دور بزنند و در نتیجه بسیار مشکل‌تر است که یک حسابرس بتواند آن‌ها را کشف کند. از این‌رو چون حسابرسان افرادی نیستند که همه چیز را بدانند (عقل کل نیستند) بیان اینکه صورت‌های مالی صحیح هستند تنها می‌تواند یک بیان معقول (منصفانه - منطقی) باشد تا یک اطمینان کامل و صددرصد.

تقلب به اقدامات عمدی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث اطلاق می‌شود که به ارائه نادرست صورت‌های مالی منجر می‌شود. تقلب ممکن است در برگیرنده موارد زیر باشد:

- الف - دست‌کاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری یا سایر مدارک به‌منظور به دست آوردن مزایای مالی غیر حق و غیرقانونی، سوء استفاده از دارایی‌ها یا سرقت آن‌ها
- ب - ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آن‌ها از اسناد و مدارک
- ج - ثبت معاملات بدون مدارک مثبت (معاملات صوری)
- د - به‌کارگیری نادرست رویه‌های حسابداری

شکست در کشف تقلب توسط حسابرسان، بیانگر این موضوع است که در مجموعه مهارت‌ها و اهداف کاری بین حسابرسی صورت‌های مالی و کشف تقلب تفاوت بسیاری وجود دارد. (خانقاه، ج. موسوی، ف. ۱۳۹۴).

اگر چه تدوین‌کنندگان استانداردها، به‌تدریج به این نتیجه رسیدند حضور یک بازرس قانونی (کشف تقلب) در جریان حسابرسی صورت‌های مالی پس از شناسایی یکی از فاکتورهای وجود احتمالی تقلب، ضروری است، با توجه به اینکه حسابرسان در شناسایی تقلب‌ها پیشرفت زیادی نکردند؛ اما در این شرایط توأم کردن وجود متخصص و بازرس قانونی در کنار قراردادهای حسابرسی برای کاهش ریسک وجود تقلب شناسایی نشده می‌تواند مثمر ثمر باشد.

علاوه بر این بسیار مهم است که حسابرسان صورت‌های مالی در حوزه‌های بازرس قانونی و حسابرسی تقلب، تعلیم و آموزش ببینند. بدون آموزش مناسب و کافی در بخش و حوزه قانونی، انتظار اینکه حسابرسان صورت‌های مالی قادر به شناسایی و کشف تقلب باشد بسیار بی‌معنی است و به‌منظور حراست و مراقبت بیشتر از عامه مردم جامعه در مقابل تقلب و برای حفظ اعتبار حرفه حسابرسی، لازم است تا پژوهشگران حسابداری به دنبال راه‌ها و روش‌هایی جدید به‌منظور بهبود توانایی حسابرسان در کشف و محدود کردن تقلب‌ها باشند. (علوی طبری، سیدحسین، ۱۳۸۲).

۴-۱- حسابرسی به عنوان معیاری برای بیان واقعیت های اقتصادی

ایده یک واقعیت اقتصادی قابل آزمون و قابل مشاهده به عنوان موضوع فعالیت حسابرسی بخشی از یک موضوع است که نویسندگان مختلف در دهه اخیر پیرامون آن اظهار نظرهای متعددی داشته اند. به ویژه اینکه برای حسابداران چند استدلال مستقیم و غیرمستقیم برای گزارش گری پیرامون پدیده ها و رویدادهای دنیای واقعی و برای اثبات آن ها با رجوع به شواهد دنیای واقعی وجود دارد. برای مثال کمیته مفاهیم انجمن حسابداری امریکا، حسابرسی را یک واقعیت پیش فرض از رویدادها و اقدامات اقتصادی تعریف کرده است بطوریکه حسابرسی را به شرح زیر تعریف می نماید:

حسابرسی عبارت است از فرآیند سیستماتیک جمع آوری و ارزیابی بی طرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به رویدادهای اقتصادی به منظور تعیین میزان انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش نتایج به استفاده کنندگان ذینفع. مطابق با تعریف مذکور کمیته مفاهیم بین المللی بین تدوین این واقعیت آزمون پذیر و ادعاهای حسابداری (و مرتبط ساختن زبان با تجربه) و اعتبار بخشیدن به این ادعاها (با تطبیق رعایت آن ها با قواعد تدوین شده) در حسابرسی، تفاوت قائل می شوند و در واقع کمیته مذکور واقف است که به دلیل ماهیت حسابداری، خیلی از جنبه های حسابرسی با گواهی (شهادت دهی) سروکار دارند نه با واقعیت های تجربی. (همتی، حسن، ۱۳۸۶)

از طرف دیگر «استرلینگ» (۱۹۷۹) در رابطه با موضوع حسابرسی هنجاری تر مفهوم حسابرسی را بیان می دارد. او عقیده خود را در زمینه حسابداری که در حل مشکلات حسابداری ناتوان بوده توضیح می دهد بیان می دارد که:

صورت های مالی باید پدیده های تجربی را تشریح نمایند. از این رو لازم است در جستجوی قوانین و تئوری هایی باشیم که اجازه می دهند (از نظر علمی) آن پدیده ها را پیش بینی کنیم. به طور خلاصه، همانطور که به نظر می رسد که حسابداری هم بر آن دلالت داشته باشد، هدف اصلی باید حسابداری کردن موضوعات و پدیده های تجربی باشد.

و او در ارتباط با حسابرسی می گوید: ما باید از خود بپرسیم که چگونه پدیده های تجربی را حسابرسی کنیم؟ و این سؤال بسیار اساسی در زمینه واقعیت نگری در فرآیند حسابرسی تلقی می شود. به ویژه اینکه حسابداری اطلاعات تاریخی و گذشته نگر باید شرحی از پدیده های تجربی باشند که صحت آن ها ممکن است با مراجعه به شواهدی که خارج از حوزه کنترل آن است ایجاد اطمینان بخشی را مهیا سازد. (محمد رضا نیکبخت، حسین مهربانی، ۱۳۸۵)؛ و همچنین راد می گوید: گزارشگری مالی باید دارای یک هدف برای تشریح واقعیت اقتصادی باشد و او حسابرسی را به عنوان فرآیند رسیدگی برای حصول اطمینان از شباهت اطلاعات به واقعیت اقتصادی تعریف می نماید.

۴-۲- ارتباط بین مدیریت درآمدها و تقلب در حسابهای مالی

تحقیق در مورد سوابق تقلب و تشخیص آن مهم است چرا که باعث درک بهتر تقلب های نهفته در نهانی شده و توانایی قانونگذار و بازرسان را برای تشخیص تقلب بالا می برد و از آن می توان به عنوان اساسی در تحقیقات آینده مورد استفاده قرار داد. تشخیص تقلب به صورت وسیعی می تواند مانع تقلب سازمانها، کارمندان و سهامداران و بستانکاران شود و از هزینه های مربوط به تقلب می توان برای کارایی بازار استفاده کرد و این کار همچنین برای بازرسان مفید بود. و اینکه اطمینان حاصل کنند که شرکتهای دارای صورت حسابهای باز مالی ملی انتخاب مشتری و قضاوت های متعاقب دچار تقلب نمی شوند. (محمدی، م. صالحی راد، م. حاجی زاده، م. ۱۳۹۵).

این تحقیق به تهیه مدرکی که از طریق امتحان رابطه بین مدیریت درآمدها و تقلب می آید مشارکت دارد. شرکت ها می توانند صورت حسابهای مالی خود را بوسیله مدیریت درآمدها از طریق خرید و فروش دلخواه و یا با استفاده از تقلب دستکاری کنند باوجود این شرکت های که در کل زمان مورد نظر ذخایر مالی آن ها دچار تضاد شده یا درآمدهای خود را دیرتر مدیریت کرده اند برای جبران نواقصشان به تقلب روی می آورند. استفاده از افزایش درآمدها درملی چند سال می تواند باعث شود که مدیران راههایی را برای مدیریت درآمدها پیدا کنند بنابراین در نتیجه شرکت ها در طی چندسال صورت حسابهای خود را دستکاری می کنند. برای مثال در مواجهه باپیش بینی های کارشناسان برای ازدیاد درآمدها به احتمال استفاده از تقلب در مدیریت درآمدها و دستکاری صورت حسابهای مالی بالا می رود.

براساس ارتباط بین مدیریت درآمدها و تقلب ما در پنج پرسش تحقیقی نشان می دهیم که چگونه مدیریت درآمدها در سالهای قبل با تقلب در تماس بوده اند. در این ارتباط به ویژه ما روابط بین مدیریت درآمدها قبلی را مورد امتحان قرار می دهیم:

- (۱) احتمال اینکه شرکت ها یی که به پیش بینی های کارشناسان مواجهه هستند احتمال تقلب دارند.
- (۲) احتمال اینکه شرکت هایی که در آمدی از طریق تقلب داشته دچار دوباره می شوند.
- (۳) ارتباط بین مدیریت درآمدهای قبلی و احتمال تقلب با فرض اینکه هیچگونه مدرکی درمورد ازدیاد درآمدها و هیچگونه مدرکی در مورد صورت حسابهای دستکاری شده در هنگام پیش بینی کارشناس وجود نداشته باشد.

(۴) ارتباط بین مواجهه بایبش بینی کارشناسان و احتمال تقلب زمانیکه هیچگونه مدرکی از مدیریت در آمد های قبلی وجود نداشته باشد.

(۵) ارتباط بین ازیاد در آمدها و احتمال کلاهبرداری زمانیکه هیچگونه مدرکی در مورد مدیریت در آمدهای قبلی نباشد. نتایج مانسان می دهد که احتمال تقلب بیشتر مربوط به شرکت های است که دارایی قبلی خود رامدیریت کرد باشد ودر زمانیکه بازرسان پیش بینی می کردند هیچگونه سندی در مورد افزایش در آمدها وجود نداشته است مایبشتر احتمال دریافتیم که کارشناسان پیش بینی می کند که گزارش در آمدها زیاد شده است بیشتر احتمال تقلب وجود دارد. حتی زمانیکه هیچگونه مدرکی در مورد در آمدهای مدیریت شده وجود نداشته باشد. نتایج همچنین نشان میدهند که در مدیریت در آمدهای قبلی بشتر احتمال داردکه شرکت های که توسط بازرسان پیش بینی شده اند دچار تقلب شوند و احتمال تقلب بیشتر در مورد شرکت های با در آمد بالا می باشد که دچار تقلب شوند این یافته درمتون تشخیص تقلب و متون مدیریت در آمدهای نیز وجود دارند و این توانایی بازرسان و قانونگذاران رابرای تشخیص تقلب بالا می برد. به علاوه درمشارکت باتحقیق قبلی بوسیله امتحان رابطه بین مدیریت در آمد و تقلب ماسه مقدار تازه تهیه می کنیم جمع در آمدهای دلخواه قبلی به مواجهه بایبش بینی کارشناسان در آمد غیر منتظره برای هر کارمند که می توان از آن ها برای تشخیص تقلب استفاده کرد این مقادیر جدید ارزیابی از تحقیق قبلی بود و سهم کمی را در مقایسه با امتحان ارتباط بین مدیریت در آمدها و تقلب دارند بیشتر به ویژه میزان مدیریت در آمدهای قبلی و مجموع در آمدهای دلخواه قبلی که اساس آن ها تخمین زده شده بود مورد استفاده قرار گرفت اما فقط قسمتی از آن مورد آزمایش قرار گرفته است. به علاوه ماتحقیق می کنیم که آیا فشاری که در مورد مواجهه بایبش بینی کارشناس وجود دارد باعث ایجاد تقلب می شود. تحقیق قبلی نشان داد که این مشارکت محرک مدیریت در آمدها می شود اما تشخیص نیست که باعث تقلب نیز می شود یا نه آیا اینکه می تواند در تشخیص تقلب مورد استفاده قرار گیرد یا نه ما همچنین مقادیر جدید راتوسعه دادیم در آمد می باشد این سه مقدار جدید مهم هستند چراکه آن ها همچنین توانایی حقوقدانان را بری تشخیص تقلب افزایش می دهند. (رستمی، م. جعفری درگیری، ۱۳۹۵).

۳-۴- تعاریف مربوط به دستکاری صورت حسابهای مالی و تقلب و مدیریت در آمدها

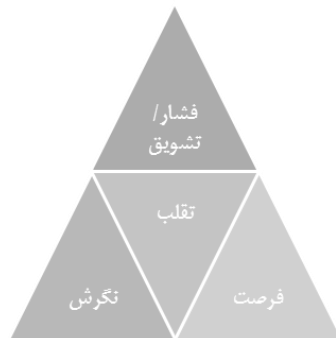
ما از تعاریف و اهلی و هئالی در مورد مدیریت در آمدها استفاده می کنیم؛ مدیریت در آمد زمانی اتفاق می افتد که مدیران از قضاوت خود در مورد گزارشهای مالی و ساختار معاملات و تفسیر گزارشهای مالی استفاده می کنند که برای سهامدارن درمورد کارهای اقتصادی شرکت بوده و اینکه اطمینان یابند که به درآمدمورد قرار دارد و انتقادات دست پیدا کرده اند. (مهدی ابراهیمی مند، وحسین سیدسجادی، ۱۳۸۴). تقلب موضوعی مشابه مدیریت در آمدهای می باشد اما تفاوت مدیریت در آمدهای و تقلب در آنست که تقلب خارج از اصول حسابداری مورد پذیرش عموم می باشد. استفاده از تعریف و اهلی و هئالی در مورد مدیریت در آمدها ما می توانیم تقلب در صورت حسابهای مالی به صورت زیر تعریف کنیم تقلب درحسابهای مالی زمانی اتفاق می افتد که از کارهای حسابداری استفاده کنند، برای تفسیر گزارشهای مالی شرکت با گمراه کردن سهامداران در مورد عملیات اقتصادی انجام گرفته توسط شرکت و تأثیری در آمدهای قرار دادی که مورد اطمینان حسابداری گزارش می کنند سرانجام اینکه شرکت های می توانند صورت حسابهای مالی خود را استفاده از عملیتهای حسابداری درون محدود یا خارج ان دستکاری کنند ما دستکاری صورت حساب مالی را از اینچنین تعریف می کنیم، آن زمانی اتفاق می افتد که مدیران دچار تقلب در صورت حساب مالی یا مدیریت در آمدها یا هر دو شوند. (مهدی ابراهیمی مند، وحسین سیدسجادی، ۱۳۸۴)

۴-۴- تجزیه و تحلیل مثلث تقلب

مثلث تقلب، مجموعه ای از عوامل مشترک بین متقلبان درون سازمانی در همه رده های سازمان است. نظریه پشتیبان مثلث تقلب در دهه ۱۹۴۰ میلادی از سوی جرم شناس پیشگام، دونالد کریسی، مطرح شد. او پژوهش گسترده ای را درباره اختلاس کنندگان محکوم انجام داد تا تعیین کند چه چیزی افراد به ظاهر درست کار را تحریک بع ارتکاب تقلب می کند. پژوهش او موجب شد تا وی اصطلاح خیانت کنندگان در امانت را برای توصیف افرادی که اختلاس میکنند ابداع کند. مطابق پژوهش کریسی افراد امین هنگامی تبدیل به خیانت کنندگان در امانت می شوند که خود را در برابر یک مساله مالی اشتراک ناپذیر (مسائلی که نمی توانند آن را با دیگران در میان بگذارند) ببینند و آگاه شوند این مساله می تواند به طور محرمانه با خیانت در جایگاه امین مالی حل شود و بتوانند توجهی را برای کار خودشان در آن شرایط به کار ببرند که آنان را قادر سازد تا تصورشان را از خودشان به عنوان افراد امین اصلاح کنند و خود را به عنوان استفاده کنندگان وجوه و دارایی هیا به امانت گذاشته شده فرض کنند. این بیان نسبتا پیچیده به این معنی است: افرادی که مسائل مالی شدیدی دارند و از این بابت شرم سار و دستپاچه می شوند (یا به دلایل دیگری نمی توانند درباره آن ها با دیگران صحبت کنند) راه های ارتکاب تقلب را پیدا می کنند. آنان فکر می کنند گرفتار نمی شوند زیرا خود را قانع می کنند هیچ کار اشتباهی انجام نمی دهند. سرانجام یافته های کریسی مفهومی را پدید آورد که امروزه به آن مثلث تقلب

می گویند. اضلاع سه گانه مثلث تقلب عبارتند از: فشار، فرصت و منطق تراشی. درست همان چیزی که کریسی با واژگانی پیچیده تر گفته بود. در مفهوم مثلث تقلب نتیجه مستقیم بدهی بیش از اندازه کارت اعتباری، انبوهی از صورت حساب های پرداخت نشده درمانی، بیکاری دراز مدت، یا دیگر مسائل مالی نمونه هایی از این فشارها می باشند. هنگامی که یک کارمند نقطه ضعفی را در کنترل های ضد تقلب سازمان کشف می کند، فرصت پدیدار می شود. برای مثال هنگامی که کارمند دارای اختیار صدور سفارش خرید، مدارک تحویل کالا را نیز بررسی و تایید می کند. آن کارمند می تواند همه یا بخشی از کالاهای تحویلی را به هر جا که می خواهد یا نزد هر کسی که پول نقد برای آن کالا می دهد ارسال کند. در این شرایط فرد متقلب می تواند مدارک حمل را چنان دست کاری کند که به نظر رسد شرکت سفارش را برابر مشخصات خرید دریافت کرده است. در این تقلب احتمالاً باید اسناد موجودی نیز دست کاری شود تا از مغایرت بین اسناد حمل و مقدار موجودی پیش گیری شود. این کار اغلب با دست بردن در نسخه مدارک حمل ارسالی به اداره موجودی انجام می شود تا چنین به نظر رسد که سفارش پذیرفته نشده یا اینکه کمتر بوده است. (علوی طبری، سیدحسین، ۱۳۸۲)،

منطق تراشی-سومین ضلع مثلث تقلب- یک فرایند روان شناختی است که طی آن فرد متقلب خود را متقاعد می کند یا آن کار را نادرست نبوده یا حتی اگر نادرست بوده است در آینده آن را جبران خواهد کرد زیرا سرانجام پول را پس خواهد داد. ولی اغلب، خسارت بیشتری که از منطق تراشی حاصل می شود، هنگامی است که نگرش کارمند در توجیه تقلب این باشد که سزاوار پول دزدی شده است؛ زیرا شرکت ناعادلانه جلوی ترفیع یا پیشرفت او را گرفته یا با سو برخورد موجب قربانی شدن وی شده است. نظریه کریسی به ما می آموزد هنگامی که هر سه ضلع این مثلث در زندگی یک فرد وجود داشته باشند، بسیار محتمل است که او مرتکب تقلب شود (یا هم اکنون در حال انجام تقلب باشد)



شکل ۱- مدل مثلث تقلب (ماخذ: نگارندگان)

مفهوم مثلث تقلب در ادبیات حرفه ای حسابداری و حسابرسی در بیانیه شماره-۹۹ SAS تحت عنوان بررسی تقلب در سطح صورت های مالی تعریف شده است. بر همین اساس مطابق با بیانیه مذکور مثلث تقلب دارای ۳ مفهوم در ۳ ضلع یک مثلث بشرح زیر می باشد چرا که تقلب در سازمان زمانی رخ خواهد داد که عواملی همچون: "فشار/ تشویق"، "فرصت" و "نگرش"، در سازمان مورد توجه قرار نگرفته باشد.

اگرچه امروزه انجام تحقیقات توسط کارشناسان حرفه ای، روانشناسان، انجمن های دانشگاهی درخصوص ارزیابی عوامل تقلب رو به گسترش بوده است و نتایج بدست آمده بیانگر این موضوع است که حسابرسان حسب مسئولیت خود در زمینه تعیین و ارزیابی ریسک های خود در زمان انجام عملیات حسابرسی این ۳ شرط (عامل) را می بایست مورد توجه و بررسی قرار داده و آن ها را در مدل ارزیابی ریسک خود به تفسیر مورد توجه قرار دهند. هدف اصلی ما در این پژوهش ارائه یک مدل خطی از ریسک های متحمله حسابرسی می باشد که با تقلب آمیخته هستند تا از این طریق به یک ترکیب منطقی از شواهد حسابرسی دست یابیم، در ارائه این مدل بدنبال آن هستیم که نتیجه برآورد ریسک به منظور ارائه مدلی که ریسک حسابرسی (ریسک مورد پذیرش حسابرسان) را تقریباً در سطح ۰/۵ یا کمتر محاسبه (اطمینان گزارشگری در سطح ۹۵ درصد) و برآورد نماید. در مرحله بعد بدنبال آن هستیم که مشخصات مدل ارتقاء یافته (ریسک حسابرسی) به طور کامل مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و برای رسیدن به این اهداف شبکه ای از شواهد مورد نیاز را شناسایی و آن ها را به دو دسته زیر تقسیم بندی می کنیم:

اول کنترل ریسک و شواهد مرتبط با صورت های مالی منتشره شرکت و دوم کنترل ریسک و شواهد مرتبط با ارزیابی و تخمین ریسک تقلب.

لذا با توجه به اینکه تحقیقات قبلی انجام شده در مراجع حرفه ای این نوع چارچوب را مورد بررسی قرار داده اند، ما در این بخش سعی داریم که تا به بررسی پیچیده تری درخصوص ارتباط بین فاکتورهای اصلی که به نظر می رسد تقلب و ریسک حسابرسی را تحت تأثیر قرار می دهد. (سجادی سید حسین و ناصح، لادن، ۱۳۸۲)

برای آنالیز شکل ۱ نیاز داریم تا به گره های مدرکی مقادیری را اختصاص دهیم و سپس تأثیرات شواهد را بر اظهارات مختلف در مدل جمع آوری کنیم. در بخش زیر ما از برنامه آدیتور آستینت برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل شواهد استفاده کردیم. نقطه شروع در آنالیز مدل، برآورد شواهد بدست آمده از فعالیت های حسابرسی درباره ادعاهای مختلف می باشد. ارتباط موجود در شکل ۱ نشان می دهد که کدام ادعا یا زیرادعا به کدام مشاهده رابطه مستقیم دارد و مستقیماً مرتبط با همدیگر هستند. برای مثال شواهد

بدست آمده از «آزمون و تست کنترل‌ها» مستقیماً به ادعای «عدم وجود اظهارات غلط» مرتبط می‌باشد اگر نتیجه آزمون و تست کنترل‌های حسابداری مؤثر بوده باشند حسابرس می‌تواند به این نتیجه برسد که اظهارات غلط مالی کاهش قابل ملاحظه‌ای دارد و تعیین مقدار متوسط یعنی ۰/۵ به‌عنوان قدرت شواهد بدست آمده از نتیجه آزمون و تست کنترل‌ها خواهد بود. جدول زیر نشان می‌دهد که قدرت فرضی برای هر مشاهده از هر یک از منابع که برای آنالیز در مدل پایه استفاده شده چقدر است. به‌عنوان مثال برای شواهد بدست آمده از آزمون و تست کنترل مقدار ۰/۵ از سطح قابل اعتماد بودن فرض شده است. در یک مقیاس ۰ تا ۱ که در سطح ۱ اطمینان حاصل شود که عملاً هیچ اظهار غلط مالی در حساب‌ها با اطمینان ۰/۹۵ وجود ندارد و قابلیت اعتماد تحصیلی به میزان ۹۵ درصد بیان می‌دارد که حساب‌ها فاقد اظهارات غلط مالی هستند و در سطح صفر فرض شده است که تست‌های جزئیات حتی شواهد قوی‌تر و مثبت‌تری را مهیا می‌کنند (مقدار ۰/۸۵ در این مورد). در مدل پایه خطی، فرض شده است که تمام اطلاعات جمع‌آوری شده، به طور کلی، یکی از موارد مشاهده شده در این مدل (شبکه مدرکی)، به طور غیرمستقیم متغیرهای دیگر را در شبکه مدرکی از طریق روابط داخلی بین شواهد تحت تأثیر قرار خواهد داد. شواهد موجود این دو ادعا این موضوع را که حسابرسان مایل به کاهش ریسک کلی در فرآیند حسابرسی هستند را پشتیبانی می‌کنند و حداکثر این مقدار ۵٪ می‌باشد.

۴-۵- اثر درستکاری مدیریت بر ریسک حسابرسی

تجزیه و تحلیل مدل نشان می‌دهد که در سطح ریسک حسابرسی در واقع در سطح ۰/۵، حسابرس باید یک سطح تقریباً مطلق از اعتماد به درستکاری مدیریت مشتری داشته باشد چرا که سطح اطمینان وی معادل ۹۵ درصد خواهد بود. همانطور که مونتگمری و همکاران (۲۰۰۲) به آن اشاره نموده‌اند، بیشتر حسابرسان میزان صداقت مشتریان و درستکاری آن‌ها را از طریق شدت میزان پذیرش آن‌ها برای ادامه روند حسابرسی ارزیابی می‌کنند که ممکن است بدون هیچ سؤال دیگری فرض کنند که بدون شک مشتریان ما صادق هستند بر همین اساس، رابطه بین صداقت مدیریت و ریسک برای مدل‌های پایه خطی در شکل ۲-۲ - ترسیم نمودیم که در آن ریسک حسابرسی و ریسک تقلب به‌عنوان ریسک‌های حسابرس در مقابل سطح‌های مختلفی از اعتماد به اینکه مدیریت درستکار است رسم شده است. همانطور که در شکل نشان داده است شده تنها هنگامی که درستکاری در سطح بالایی از باور مثبت در حد ۰/۹۹ و یا بالاتر از آن قرار می‌گیرد - ریسک حسابرسی در حد ۰/۵ یا کمتر قرار می‌گیرد و این موضوع ادعاها و نظریات مونتگمری و همکاران (۲۰۰۲) را تأیید می‌نماید. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که شامل کردن اظهارات و شواهدی که به صداقت تقلب را در حد صفر نگه دارد را تأیید می‌نماید. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که شامل کردن اظهارات و شواهدی که به صداقت مدیریت مربوط به تقلب هستند، بهترین مدل‌های ارزیابی را برای حسابرس مهیا می‌کند. (نوروش ایرج، فرشته امین، محمود پیوندی، ۱۳۸۸)

۵ - تعریف عملیاتی متغیرها

۵-۱- تعریف و هدف حسابرسی

حسابرسی یعنی بازرسی جستجو گرانه مدارک حسابداری و سایر شواهد زیر بنای صورتهای مالی. حسابرسان از راه کسب آگاهی از سیستم کنترل داخلی و بازرسی مدارک، مشاهده داراییها، پرسش از منابع داخل و خارج شرکت و اجرای سایر روشهای رسیدگی، شواهد لازم را برای تعیین این که صورتهای مالی، تصویری مطلوب و به نسبت کامل از وضعیت مالی شرکت و فعالیتهای آن در طول دوره مورد رسیدگی ارائه می‌کند یا خیر، گردآوری می‌کنند. یالینکه حسابرسی فرایندی است منظم و با قاعده جهت جمع آوری و ارزیابی بیطرفانه شواهد درباره ادعاهای مربوط به فعالیتها و وقایع اقتصادی، به‌منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده و گزارش به افراد ذینفع. (عباس ارباب سلیمانی و محمود نفری، ۱۳۸۴)

۵-۲- کشف تقلب

هدف اصلی از حسابرسی در سال‌های قبل از ابتدای قرن بیستم کشف تقلب بود. در نیمه اول این قرن، هدف حسابرسی از کشف تقلب فاصله گرفت و به سوی هدف جدید یعنی این که آیا صورتهای مالی را متصفانه ارائه می‌دهد یا خیر تغییر کرد. به عبارت صحیح‌تر: «هدف از حسابرسی صورتهای مالی این است که حسابرس بتواند درباره این که صورتهای مزبور از تمام جنبه‌های با اهمیت طبق اصول متداول حسابداری تهیه شده است اظهار نظر کند». کشف تقلب هنوز به‌عنوان یکی از هدف‌های جزئی حسابرسی مطرح است، چرا که وجود تقلب یا اشتباه به طور مؤثری بر اظهار نظر حسابرس نسبت به صورتهای مالی تأثیر می‌گذارد. (همتی، حسن، ۱۳۸۶)

۳-۵- نقش روانشناسی رسیدگی و حسابرسی

- فرایند رسیدگی و تأیید به طور کلی و حبارسی به طور خاص دارای سه نقش متفاوت و تا اندازه‌ای مرتبط به هم می‌باشند:
- اولین نقش مربوط به ایجاد ثبات لازم در روابط اجتماعی با دادن اطمینان و آرامش به افراد و سازمان‌هایی که با شک، تردید و عدم اطمینان مواجه‌اند.
 - نقش دوم، بهینه نمودن تصمیم‌گیری عقلایی فردی و سازمانی با پیامد اقتصادی است.
 - نقش سوم، در جهت منافع شخصی و اجتماعی و اقتصادی افراد و سازمان‌ها است. یک نقش با اهمیت نقش مربوط به ماهیت روانی رسیدگی، تأیید و حسابرسی است؛ یعنی قابلیت تأثیر فرایند رسیدگی، تأیید و حسابرسی در آرامش روان افراد تشکیل دهنده ساختار سازمانی. این استدلال را می‌توان در رابطه با کاربرد خاص واژه کیفی تعریف نشده‌ای چون «ارائه منصفانه» در گزارش‌های حسابرسی توسعه داد. (رستمی، م. جعفری درگیری، ۱۳۹۵).

۴-۵- تحریفات مالی

منظور از تحریفات حسابداری، موارد عدم رعایت استانداردهای حسابداری ایران می‌باشد. برای سنجش میزان تحریفات مالی انجام شده در شرکت، از گزارشات حسابرس مستقل استفاده می‌شود.

قصور: عبارت است از نبود کمترین دقت، نشانه‌ای از بی توجهی کامل فرد به مسئولیت‌های حرفه‌ای خود و بی توجهی عمده یک حسابرس نسبت به استانداردهای حسابداری

تقلب: عبارت است از تحریف حقایق با اهمیت توسط کسی که می‌داند مطلبش حقیقت ندارد یا ارائه حقایق با کمال بی توجهی نسبت به صحت آن به قصد فریب دیگران و زیان آنان

معادل تقلب: یعنی تحریفی که به قصد فریب دادن نباشد (تحریف سهوی) قصور حسابرسان در دادگاه می‌تواند معادل تقلب محسوب شود.

سهل انگاری متقابل: عبارت است از سهل انگاری که شاکي مرتکب شده است و به زیان وی تمام شده است. موقعی که حسابرسان به سهل انگاری متهم می‌شوند با اثبات اینکه در رسیدگی‌های خود مرتکب سهل انگاری نشده‌اند یا سهل انگاری آنان عامل زیان صاحبکار نبوده است اتهام خود را رد می‌کنند و اثبات می‌کنند که علت زیان صاحبکار سهل انگاری خود صاحبکار بوده است نه حسابرس. این نوع سهل انگاری را سهل انگاری متقابل گویند

سهل انگاری نسبی: اگر سهل انگاری هم از طرف حسابرس و هم از رف صاحبکار صورت گرفته باشد، سهل انگاری را سهل انگاری نسبی گویند (صفرزاده، ۱۳۸۱).

۵-۵- مسئولیت مدیریت در مقابل تقلب و اشتباه

مسئولیت اصلی پیشگیری و کشف تقلب و اشتباه با مدیریت واحد مورد رسیدگی است.

۶-۵- مسئولیت حسابرس در مقابل تقلب و اشتباه:

مسئولیت پیشگیری از تقلب و اشتباه با حسابرس نیست اما حسابرسی سالانه عاملی بازدارنده برای وقوع تقلب و اشتباه محسوب می‌شود. هنگامیکه حسابرسان رسیدگی خود را طبق استانداردهای حسابرسی انجام داده باشند، نباید حسابرس را مسئول کشف نکردن اشتباهات و تخلفات موجود دانست. حسابرسان تنها در صورتی مسئول هستند که رسیدگی خود را با سهل انگاری انجام داده باشند. (عباس ارباب سلیمانی و محمود نفری، ۱۳۸۴)

۷-۵- مسئولیت حسابرسان در مقابل انجمنهای حرفه‌ای

مسئولیت حسابرسان در مقابل انجمنهای حرفه‌ای برطبق اساسنامه انجمنهای حرفه‌ای است.

۶- فرضیه های پژوهش

- فرضیه اول: بین کشف تخلف توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معنا داری وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین کشف تحریف اطلاعات توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معنا داری وجود دارد.

۷- روش تحقیق

این تحقیق از حیث هدف تحقیق، از جمله تحقیقات کاربردی است. تحقیقات کاربردی تحقیقاتی هستند که نظرها، قانون‌مندی‌ها، اصول و فنون‌ها، که در تحقیقات پایه تدوین می‌شوند را برای حل مسائل اجرایی و واقعی بکار می‌گیرد (خاکی، ۱۳۸۷، ۲۰۲). این پژوهش بر حسب طبقه‌بندی بر مبنای روش از نوع تحقیقات همبستگی است. در تحقیق همبستگی هدف اصلی آن است که مشخص می‌شود آیا رابطه‌ای بین دو یا چند متغیر کمی (قابل سنجش) وجود دارد یا نه؟ و اگر وجود دارد اندازه و حد آن چقدر است؟ هدف از مطالعه همبستگی ممکن است که برقراری یک رابطه یا نبود آن و بکارگیری روابط در انجام پیش‌بینی‌ها است. مطالعه همبستگی تعدادی از متغیرهایی را که تصور می‌رود با یک متغیر پیچیده عمده مرتبط هستند ارزیابی می‌کند (خاکی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). ابزارهای گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر، بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای اطلاعاتی موجود مانند ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین سایت‌های اینترنتی مانند www.tsetmc.ir می‌باشد که اطلاعات حسابرسی شده و داده‌های موردنیاز در این تحقیق را عیناً در اختیار محقق قرار می‌دهد.

۸- تجزیه و تحلیل نتایج بررسی فرضیه‌ها

جداول ۱ و ۲ آمار توصیفی داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد. در این جداول اطلاعات مربوط به تعداد، میانگین، واریانس و انحراف معیار داده‌ها نشان داده شده است:

جدول ۱- توصیف آماری داده‌های گروه آزمون

نوع تحریف	محدوده زمانی	نسبت موفقیت	میانگین	واریانس	انحراف معیار
تحریف مالیاتی	قبل از تغییر	۳۳,۱	۰,۵۹۰۷	۰,۱۶۱	۰,۴۰۱۱
	بعد از تغییر	۴۶,۶۱	۰,۸۳۱۸	۰,۰۷۵	۰,۲۷۴۵
تحریف در برآوردهای حسابداری	قبل از تغییر	۵۰,۶۶	۰,۹۰۴۷	۰,۰۶۶	۰,۲۵۵۹
	بعد از تغییر	۵۲,۱	۰,۹۳	۰,۰۳۲	۰,۱۷۷۵
تخلف از قوانین	قبل از تغییر	۴۸,۵۱	۰,۸۶۶	۰,۰۸۴	۰,۲۹۰۲
	بعد از تغییر	۴۹,۸۴	۰,۸۹۸	۰,۰۷۹	۰,۲۸۱۱
تحریف ناشی از اشتباه در بکارگیری رویه‌های حسابداری رویه‌های حسابداری	قبل از تغییر	۵۱,۰۶	۰,۹۱۱۷	۰,۰۶۲	۰,۲۴۹۹
	بعد از تغییر	۵۵,۱۶	۰,۹۸۵۱	۰,۰۰۵	۰,۰۷۳
سایر تحریف‌ها	قبل از تغییر	۴۳,۶۶۶۸	۰,۷۷۹۷	۰,۱۰۲	۰,۳۱۹۱
	بعد از تغییر	۴۶,۷۵	۰,۸۳۴۸	۰,۰۸۳	۰,۲۸۸۸

جدول ۲- توصیف آماری داده‌های گروه کنترل

نوع تحریف	محدوده زمانی	نسبت موفقیت	میانگین	واریانس	انحراف معیار
تحریف مالیاتی	قبل از تغییر	۴۴,۵۱	۰,۷۹۴۶	۰,۱۰۸	۰,۳۲۹۱
	بعد از تغییر	۴۷,۱	۰,۸۴۰۷	۰,۱۰۸	۰,۳۲۸۸
تحریف در برآوردهای حسابداری	قبل از تغییر	۵۴,۵	۰,۹۷۳۲	۰,۰۲۲	۰,۱۴۸۳
	بعد از تغییر	۵۳,۴۳	۰,۹۵۳۸	۰,۰۲۵	۰,۱۵۸۸
تخلف از قوانین	قبل از تغییر	۵۲,۹۲	۰,۹۴۴۹	۰,۰۴۱	۰,۲۰۲۴
	بعد از تغییر	۵۱,۵۱	۰,۹۱۹۶	۰,۰۴۲	۰,۲۰۵۹
تحریف ناشی از اشتباه در بکارگیری رویه‌های حسابداری	قبل از تغییر	۴۸,۶۳	۰,۸۶۸۳	۰,۰۶۴	۰,۲۵۲۳
	بعد از تغییر	۵۱,۳۷	۰,۹۱۷۱	۰,۰۵۰	۰,۲۲۳۸
سایر تحریفات	قبل از تغییر	۵۱,۵۵	۰,۹۲۰۴	۰,۰۴۷	۰,۲۱۷۶
	بعد از تغییر	۴۹,۸۷	۰,۸۹۰۳	۰,۰۵۳	۰,۲۲۹۴

فرضیات تحقیق از نظر آماری به صورت زیر بیان می‌شوند:

$$H_0: \mu_d = 0$$

$$H_1: \mu_d \neq 0$$

که d برابر است با تفاوت میانگین تحریف قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی برای هر شرکت:

$$\mu (before) - [d = \mu (after)]$$

دقت شود که میانگین‌های مورد مقایسه در رابطه با فرضیه های ۱، ۲، به ترتیب میانگین تحریف مالیاتی، تحریف در برآوردهای حسابداری، تخلف از قوانین، تحریف ناشی از اشتباه در بکارگیری رویه‌های حسابداری و سایر تحریف‌ها می‌باشد. باید توجه شود که در نتایج حاصل از آزمون مقایسه زوجی، یک فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای d تعیین می‌گردد؛ در صورتی که این فاصله اطمینان در یک بازه‌ی مثبت قرار گیرد، بدین معنی است که میانگین بعد از تغییر متغیر مستقل بیش تر از میانگین قبل از تغییر متغیر مستقل بوده است؛ یعنی تغییر مؤسسات حسابرسی باعث افزایش در کشف تحریف شده است و بالعکس؛ اما اگر فاصله اطمینان به دست آمده در یک بازه منفی و مثبت قرار گیرد، به این دلیل که احتمال دارد که تفاوت دو میانگین (میانگین قبل و بعد از تغییر) صفر شود و عدد صفر در بازه منفی و مثبت وجود دارد، لذا نشان می‌دهد که تغییر متغیر مستقل، تاثیری بر متغیرهای وابسته نداشته و به عبارت دیگر تغییر مؤسسات حسابرسی، تاثیری بر کشف تحریف نداشته است. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از نتایج آزمون مقایسه زوجی نیز می‌توان در مورد تأثیر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته پژوهش، نتیجه گیری نمود.

آزمون فرضیه اول: «بین کشف تخلف توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معنا داری وجود دارد»؛ بنابراین داریم:

فرضیه صفر: میانگین نسبت موفقیت کشف تخلف قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی با همدیگر برابر هستند.
فرضیه تحقیق: میانگین نسبت موفقیت کشف تخلف قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی با همدیگر برابر نیستند.

جدول ۳: نتایج آزمون مقایسه میانگین زوجی فرضیه اول برای گروه آزمون و کنترل

گروه	متغیرهای جفت شده	تعداد شرکت‌ها	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
						حد پایین	حد بالا
آزمون	میانگین نسبت موفقیت کشف تخلف قبل و بعد از تغییر	۵۲	۳,۷۵۴	۵۵	۰,۰۰۰	۰,۱۱۳۳	۰,۳۶۹۷
کنترل	میانگین نسبت موفقیت کشف تخلف قبل و بعد از مقطع تغییر	۵۲	۱,۰۷۳	۵۵	۰,۲۸۸	-۰,۱۰۱۳	۰,۱۳۲۲

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده، برای گروه آزمون، کم تر از ۰,۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر تساوی میانگین نسبت های موفقیت کشف تخلف دو جامعه رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت کشف تخلف دو جامعه با هم برابر نمی باشند و این بدین معنی است که تغییر در مؤسسات حسابرسی گروه آزمون بر نسبت موفقیت کشف تخلف توسط مؤسسات حسابرسی تأثیر داشته است. با توجه به این که هم حد بالا (۰,۳۶۹۷) و هم حد پایین (۰,۱۱۳۳) مثبت می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی، بیش تر از میانگین نسبت های موفقیت قبل از آن بوده است پس می‌توان گفت که تغییر در مؤسسات حسابرسی باعث افزایش نسبت موفقیت مؤسسات حسابرسی در کشف تخلف گردیده است؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده، برای گروه کنترل بیش تر از ۰,۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر تساوی میانگین نسبت های موفقیت کشف تخلف دو جامعه رد نمی‌شود؛ بنابراین مطابق انتظار می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی داری بین نسبت موفقیت کشف تخلف قبل و بعد از مقطع تغییر در نظر گرفته شده برای آن‌ها وجود ندارد. قرار گرفتن فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای اختلاف میانگین ها در یک بازه‌ی مثبت و منفی نیز موید این ادعا می‌باشد. این نتیجه اثر تغییر مؤسسات حسابرسی بر نسبت موفقیت کشف تخلف را با قوت بیش تری به اثبات می‌رساند چراکه گروه کنترل از نظر نوع صنعت، اندازه و سال مالی مشابه با گروه آزمون انتخاب شده بود با این تفاوت که مؤسسات حسابرسی گروه کنترل در طول دوره پژوهش، بدون تغییر بوده‌اند.

آزمون فرضیه دوم: «بین کشف تحریف اطلاعات توسط حسابرسان و کارایی موسسه حسابرسی رابطه معنا داری وجود دارد».

فرضیه صفر: میانگین نسبت موفقیت کشف تحریف اطلاعات قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی با همدیگر برابر هستند.
فرضیه تحقیق: میانگین نسبت موفقیت کشف تحریف اطلاعات قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی با همدیگر برابر نیستند.

جدول ۴- نتایج آزمون مقایسه میانگین زوجی فرضیه چهارم برای گروه آزمون و کنترل

گروه	متغیرهای جفت شده	تعداد شرکت‌ها	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
					حد پایین	حد بالا
آزمون	میانگین نسبت موفقیت کشف تحریفات قبل و بعد از تغییر	۵۲	۲,۱۱۵	۵۵	۰,۰۳۹	۰,۰۳۸
کنترل	میانگین نسبت موفقیت کشف تحریفات قبل و بعد از مقطع تغییر	۵۲	۱,۴۶۵	۵۵	۰,۱۴۹	-۰,۰۱۷۹

با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده، برای گروه آزمون کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر تساوی میانگین نسبت های موفقیت کشف تحریف قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت کشف تحریف شده دو جامعه با هم برابر نمی باشد و این بدین معنی است که تغییر در مؤسسات حسابرسی گروه آزمون بر نسبت موفقیت کشف تحریف ناشی از اشتباه در به کارگیری رویه‌های حسابداری توسط مؤسسات حسابرسی تأثیر داشته است. با توجه به اینکه هم حد بالا (۰,۱۴۲۹) و هم حد پایین (۰,۰۳۸) مثبت می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی، بیشتر از میانگین نسبت‌های موفقیت قبل از آن بوده است پس می‌توان گفت که تغییر در مؤسسات حسابرسی باعث افزایش نسبت موفقیت مؤسسات حسابرسی در کشف تحریف ناشی از به کارگیری رویه‌های حسابداری گردیده است؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق پذیرفته می‌شود. بیشتر بودن سطح معناداری گروه کنترل از ۰,۰۵ مطابق انتظار موبد عدم تغییر معنی دار در نسبت موفقیت در دوره های زمانی مشابه برای گروه کنترل می باشد.

۹ - نتیجه گیری

در بررسی فرضیه اول: با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده، برای گروه آزمون، کم تر از ۰,۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر تساوی میانگین نسبت های موفقیت کشف تخلف دو جامعه رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت کشف تخلف دو جامعه با هم برابر نمی باشند و این بدین معنی است که تغییر در مؤسسات حسابرسی گروه آزمون بر نسبت موفقیت کشف تخلف توسط مؤسسات حسابرسی تأثیر داشته است. با توجه به این که هم حد بالا (۰,۳۶۹۷) و هم حد پایین (۰,۱۱۳۳) مثبت می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی، بیش تر از میانگین نسبت های موفقیت قبل از آن بوده است پس می‌توان گفت که تغییر در مؤسسات حسابرسی باعث افزایش نسبت موفقیت مؤسسات حسابرسی در کشف تخلف گردیده است؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده، برای گروه کنترل بیش تر از ۰,۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر تساوی میانگین نسبت های موفقیت کشف تخلف دو جامعه رد نمی‌شود؛ بنابراین مطابق انتظار می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی داری بین نسبت موفقیت کشف تخلف قبل و بعد از مقطع تغییر در نظر گرفته شده برای آن‌ها وجود ندارد. قرار گرفتن فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای اختلاف میانگین ها در یک بازه‌ی مثبت و منفی نیز موبد این ادعا می‌باشد. این نتیجه اثر تغییر مؤسسات حسابرسی بر نسبت موفقیت کشف تخلف را با قوت بیش تری به اثبات می‌رساند چراکه گروه کنترل از نظر نوع صنعت، اندازه و سال مالی مشابه با گروه آزمون انتخاب شده بود با این تفاوت که مؤسسات حسابرسی گروه کنترل در طول دوره پژوهش، بدون تغییر بوده‌اند.

در بررسی فرضیه دوم: با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده، برای گروه آزمون کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 مبنی بر تساوی میانگین نسبت های موفقیت کشف تحریف قبل و بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت کشف تحریف شده دو جامعه با هم برابر نمی باشد و این بدین معنی است که تغییر در مؤسسات حسابرسی گروه آزمون بر نسبت موفقیت کشف تحریف ناشی از اشتباه در به کارگیری رویه‌های حسابداری توسط مؤسسات حسابرسی تأثیر داشته است. با توجه به اینکه هم حد بالا (۰,۱۴۲۹) و هم حد پایین (۰,۰۳۸) مثبت می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نسبت های موفقیت بعد از تغییر مؤسسات حسابرسی، بیشتر از میانگین نسبت‌های موفقیت قبل از آن بوده است پس می‌توان گفت که تغییر در مؤسسات حسابرسی باعث افزایش نسبت موفقیت مؤسسات حسابرسی در کشف تحریف ناشی از به کارگیری رویه‌های حسابداری گردیده است؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق پذیرفته می‌شود.

بیشتر بودن سطح معناداری گروه کنترل از ۰,۰۵ مطابق انتظار موید عدم تغییر معنی دار در نسبت موفقیت در دوره های زمانی مشابه برای گروه کنترل می باشد.

۱۰- پیشنهادات جهت تحقیقات آتی

حسابرسی اغلب جزء لاینفک انتقال اطلاعات حسابداری به شمار می آید و در نتیجه بازتاب با اهمیتی در شناسایی و اندازه گیری این اطلاعات دارد. گسترش روز افزون جوامع و پیچیدگی مسائل خاص آنها، افزایش نیاز به اطلاعات اقتصادی مربوط و در نتیجه افزایش تقاضا برای وجود سیستمها و فرایندهایی که فراهم کننده چنین اطلاعاتی هستند را ایجاد کرده است. همین عوامل موجب افزایش و گسترش نیاز به حسابرسی به عنوان قسمتی از کل فرایند انتقال اطلاعات شده است.

الف - بررسی و تعیین مناسب ترین دوره تصدی حسابرس به منظور بهبود کیفیت حسابرسی.

ب - بررسی انواع تخلفات در حسابرسی و ارتباط آن با کیفیت حسابرسی، کارایی مؤسسات حسابرسی

ج - بررسی انواع تحریفات در حسابرسی و ارتباط آن با کیفیت حسابرسی، کارایی مؤسسات حسابرسی

منابع

- عباس ارباب سلیمانی و محمود نفی (۱۳۸۴) اصول حسابرسی، نشریه ۸۷ سازمان حسابرسی
- نوروش ایرج، فرشته امین، محمود پیوندی (۱۳۸۸) شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر بهره وری، نیروی انسانی شاغل در بنگاههای حسابرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- حسین مقدم، (۱۳۸۷) مجموعه دستور العمل های منتشره جامعه حسابداران رسمی ایران، مدرس و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد قم،
- کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۷۸) اصول وضوابط حسابداری وحسابرسی: آیین رفتار حرفه ای، سازمان حسابرسی (لازم الاجرا ۱/۱/۱۳۷۸)
- همتی، حسن (۱۳۸۶)، حسابداری مالی پیشرفته -جلد اول، انتشارات ترمه تهران
- سجادی سید حسین وناصر، لادن (۱۳۸۲) سودمندی حسابرسی مستقل صورت های مالی، مجله بررسی های حسابداری وحسابرسی، سال دهم، شماره ۳۳، ص ۶۵ دانشگاه تهران
- علوی طبری، سیدحسین (۱۳۸۲)، رابطه بین مخارج صرف شده برای حسابرسی داخلی با حق الزحمه حسابرسی مستقل، رساله دکتری حسابداری، تهران دانشگاه علامه طباطبائی
- محمد رضا نیکبخت، حسین مهربانی (۱۳۸۶) «بررسی اثر خدمات ومیزان حق الزحمه های غیرحسابرسی مؤسسات حسابرسی براستقلال حسابرس» تاریخ ۱۳۸۵/۳/۶
- مهدی ابراهیمی مند، وحسین سیدسجادی، (۱۳۸۴) «عوامل افزاینده استقلال حسابرس»، بررسی های مجله مستقل حسابداری، تهران، شماره ۱۲، صص ۴۰-۶۱
- خانقاه، ج. موسوی، ف. (۱۳۹۴). مروری بر مطالعات و مفاهیم تقلب در حسابداری و حسابرسی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، (۴)۱۶، ۷۳-۵۸.
- رستمی، م. جعفری درگیری، ا. (۱۳۹۵). بررسی قانون بنفورد در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش های مدیریت در ایران، (۱)۱۷، ۹۵-۱۱۰.
- کردستانی، ق. تاتلی، ر. (۱۳۹۵). مروری بر مطالعات و مفاهیم تقلب در حسابداری و حسابرسی، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، (۱)۲۳، ۷۳-۹۶.
- محمدی، م. صالحی راد، م. حاجی زاده، م. (۱۳۹۵). شناسایی مدیریت آرایشی سود با استفاده از قانون بنفورد. دانش حسابرسی، (۴)۴۵، ۶۷-۵۱.
- موسوی شیری، م. پیشوایی، ف. خلعتبری، ج. (۱۳۹۵). ارزیابی مدیریت سود در سطوح محافظه کاری و سرمایه گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد. فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، (۲)۲۳، ۲۱۳-۲۳۴.
- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2002). Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit. Statement on Auditing Standards No. 99.
- Amiram, D. Bozanic, Z. & E. Roen. (2014). Financial Statement Irregularities: Evidence from the Distribution Properties of Financial Statement Numbers. Working paper, Colombia University.

- Amiram, D. Bozanic, Z. & E. Roen. (2015). Financial Statement Errors: Evidence from the Distributional Properties of Financial Statement Numbers. *Review of Accounting Studies*, 20(4), 1540-1593.
- Association of Certified Fraud Examiner (ACFE). (2012). Report to the Nations on Occupational Fraud and Abuse, Austin, TX: Association of Certified Fraud Examiners.
- Cohen, D.A. Dey, A. & Lys, T.Z. (2008). Real and Accrual-Based Earnings Management in the Pre- and Post-Sarbanes Oxley Periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757-787.
- Dalnial, H. Kamaluddin, A. Sanusi, Z. M. & Khairuddin, K. S. (2014). Accountability in financial reporting: Detecting fraudulent firms. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 145, 61-69.
- Davani, Gh. & Rezaee, Z. (2013). Does Financial Statement Reporting Fraud Recognize Borders? Evidence from Bank Fraud in Iran. *Journal of Forensic & Investigative Accounting*, 5(2), 224-238.
- Dechow, P. & Ge, W. Larson, C. & Sloan, R. (2011). Predicting Material Accounting Misstatements. *Contemporary Accounting Research*, 28 (1), 17-82.
- Dechow, P. & You, H. (2012). Analysts' Motives for Rounding EPS Forecasts. *Accounting Review*, 87(6), 1939-1966.
- Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77(2002), 35-59.
- Hill, T. (1995). A Statistical Derivation of the Significant Digit Law. *Statistical Science*, 10(4), 354-363.
- Indrabudiman, A. & Hidayat, T. (2016). Analysis Benford Law for Company Evidence from Indonesia. *International Journal of Engineering Sciences & Research Technology*, 5(11), 1187-1207.
- Iranian Committee on Accounting Standards (ICAS) (2011). Accounting and auditing principles and standards: Standards on Auditing. (in Persian)
- Khanghah, J. & Mosavi, F. (2015). A review of studies and concepts of accounting and auditing fraud. *Studies of Accounting and Auditing*, 16 (4), 58-73. (in Persian)
- Kordestani, Gh. & Tatli, R. (2016). The review of earnings management in different level of conservatism and institutional investors base Benford law. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (1), 73-96. (in Persian)
- Lalit, W. & Virender, P. (2012). Forensic accounting and fraud examination in India. *International Journal of Applied Engineering Research*, 7(11), 1-4.
- Mohammadi, M. Salehirad, M. & Hajizade, S. (2011). Identifying the Cosmetic Earning Management by Using Benford's Law. *Journal of Auditing Science*, 45(2), 51-67. (in Persian)
- Musavi Shiri, M. Pishva, F. & Khalatbari, H. (2016). The Prediction of Earnings Manipulation: Development of a Model. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 23 (2), 213-234. (in Persian)
- Nia, S.H. (2015). Financial ratios between fraudulent and non-fraudulent firms: Evidence from Tehran stock exchange. *Journal of Accounting and Taxation*, 7(3), 38-44.
- Nigrini, M. (2012). Benford's Low: Application for Accounting. Auditing and Fraud Detection, 6, 109-129.
- Owens, E. Wu, J. & Zimmerman, J. (2013). Business Model Shocks and Abnormal Accrual Models. Working paper.
- Papanikolaou, N. I. & Grammatikos, T. (2013). Using BenFord's Low to Detect Fraudlent Practices in Banking. Workingpaper, Sussex University, Luxemborg University.
- Pazarçeviren, S.Y. (2005). Adli Muhasebecilik Mesleği. *Zonguldak Karaelmas Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 1(2), 1-19.
- Pimbley, J.M. (2014). Benford's Law and the Risk of Financial Fraud. *Risk Professional*, 1- 7.
- Rostami, M. & Jafaridargiri, A. (2013). A Survey on Benford Law in Tehran Stock Exchange. *Management Research in Iran*, 17(1), 96-109. (in Persian)
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings Management through Real Activities Manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 335-370.

پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی

فصلنامه علمی تخصصی پژوهش
در حسابداری و علوم اقتصادی
سال دوم، شماره ۲ (پیاپی: ۷)، تابستان ۹۸

Jares.ir

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

☎ ۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹
📠 ۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴